



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# مناسک عشره مفروده

مطابق با فتاویٰ مرجع عالی  
مطابق

تألیف  
سید علی حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک عمره مفرده مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید (۱۳۸۶)

نویسنده:

مرتضی موسوی شاهرودی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان







A series of horizontal dashed lines for writing, consisting of 30 lines spaced evenly down the page.

مشخصات کتاب

- سرشناسه : موسوی شاهرودی، مرتضی، ۱۳۴۳ -  
عنوان و نام پدید آور : مناسک عمره مفرده مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید (۱۳۸۶) / تهیه و تنظیم مرتضی موسوی شاهرودی.  
مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.  
مشخصات ظاهری : ۱۹۱ ص.  
شابک : ۱۳۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۳۸-۰.  
وضعیت فهرست نویسی : فیپا  
موضوع : حج عمره -- فتاواها.  
موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه.  
موضوع : حج عمره.  
موضوع : حج.  
رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲/م۸۸/۱۳۸۷  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷  
شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۸۶۴۲۶  
ص: ۱

اشاره























**پیشگفتار**

مهم‌ترین نیاز در سفر حج و عمره، دستیابی به احکام و مناسک این فریضه است. ناآگاهی از مسائل، احکام و فروع مناسک و عدم اطلاع از اختلاف فتاوی مراجع عظام تقلید، به یقین مشکلاتی برای روحانیون محترم کاروان‌ها و در نتیجه برای زائران عزیز بیت الله الحرام به دنبال خواهد داشت. بر این اساس، آموزش مناسک و احکام حج و عمره، باید پیوسته و به‌طور دائم دنبال شود؛ به گونه‌ای که عدم اطلاع و یا تغییر فتاوی مراجع مشکلی پدید نیاورد.

علاوه بر این، احکام حج که بخش عمده‌ای از کتب مناسک را به خود اختصاص داده و نیاز به آن، به‌ویژه در عمره، به جهت طولانی بودن زمان موسم (که شامل حدود ۹ ماه از سال است) و کثرت زائران (که بیش از ۶ برابر زمان حج می‌باشد) ما را بر آن داشت تا احکام عمره را از حج جدا نموده، به صورت مجموعه حاضر تقدیم عزیزان روحانی و زائران بیت الله الحرام کنیم. پیش از استفاده از آن، شایسته است به این نکات توجه شود:

- ۱- متن حاضر، از مناسک محشّای مرحوم حضرت امام خمینی قدس سره است.
- ۲- حواشی مراجع عظام تقلید نیز برگرفته از همان مناسک است؛ به‌جز مواردی که تغییر و اصلاح از سوی خود آن حضرات انجام گرفته و آخرین اصلاحات بدان افزوده شده است.
- ۳- حواشی مراجع عظام تقلید به‌صورت دسته‌بندی شده و منظم آمده تا دسترسی به آن سهل و آسان باشد.
- ۴- با توجه به این‌که، در اصل متن و حواشی، تصرّفی نشده، و اصل آن‌ها مورد تأیید

مراجع عظام تقلید بوده، لذا ضرورتی برای گرفتن تأییدیه مجدد احساس نشد.

۵- برای دستیابی به منابع اصلی و اطمینان بیشتر مطالعه کنندگان، نشانی مسائل، از کتاب مناسک و همچنین کتاب جامع الفتاوی، در پایان هر مسأله با رمز «م» (مسأله) و «س» (سؤال)، همراه با شماره مسأله آورده شده است.

۶- اسامی مراجع عظام تقلید که در این کتاب، فتاوی آنها آمده، عبارت‌اند از:

متن مناسک حضرت آیه‌الله العظمی امام خمینی قدس سره

آیه‌الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی رحمه الله

آیه‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی رحمه الله

آیه‌الله العظمی محمد فاضل لنکرانی رحمه الله

آیه‌الله العظمی جواد تبریزی رحمه الله

آیه‌الله العظمی محمد تقی بهجت

آیه‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای

آیه‌الله العظمی سید علی سیستانی

آیه‌الله العظمی لطف‌الله صافی

آیه‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

آیه‌الله العظمی حسین نوری همدانی

در پایان، از خداوند تعالی توفیق روز افزون همه عزیزان و سروران را که در راه تعلیم و تعلم، به زائران بیت‌الله الحرام خدمت می‌کنند خواستارم و از تلاش فاضل ارجمند جناب مستطاب آقای رضا محققیان در به ثمر رساندن این اثر تقدیر و تشکر می‌نمایم.

«وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

سید مرتضی موسوی شاهرودی

قم المقدسه، ۱۳ ربیع الثانی، ۱۴۲۹ ق. / ۱ / ۲ / ۱۳۸۷ ش.

## فصل اول: عمره مفردہ

### عمره مفردہ



- [۱] م- صورت عمره مفرده آن است که به نیت عمره مفرده مُحرم شود و به مکه آمده و طواف عمره و نماز آن را انجام دهد سپس سعی بین صفا و مروه را انجام داده و تقصیر کند و یا سر بتراشد و بعد از آن طواف نسا و نماز آن را بجا آورد. (مناسک م ۱۷۵)
- [۲] م- عمره مفرده با عمره تمتع در صورت فرق ندارد مگر در چند چیز:
- اول: آن که در عمره تمتع باید تقصیر کند یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد و سر تراشیدن جایز نیست (۱) ولی در عمره مفرده مخیر (۲) است بین سر تراشیدن و تقصیر. (مناسک م ۱۷۶)
- دوم: آن که در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد. (مناسک م ۱۷۶)
- سوم: آن که میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می‌آید و میقات عمره مفرده ادنی الحل (۳) است و جایز است از یکی از مواقیت پنج گانه محرم شود. (مناسک م ۱۷۶)

---

۱- آیه‌الله فاضل: و مجزی نیست

۲- آیه‌الله بهجت: و حلق افضل است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام عمره مفرده همان مواقیت عمره تمتع است و اگر مکلف در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده بجا آورد جایز است از حرم خارج شده و در ادنی الحل احرام بیند. آیه‌الله بهجت: اگر در حرم باشد، میقات عمره مفرده ادنی الحل است و اگر خارج حرم باشد مواقیت پنج گانه است در صورت مرور به آن

چهارم: عمره تمتع باید در ماه‌های حج (شوال- ذی القعدة و ذی الحجه) واقع شود ولی عمره مفرده را می‌توان در تمام ماه‌ها انجام داد و افضل آنها ماه رجب است (جامع الفتاوی م ۹)

[۳] م- محل احرام عمره مفرده برای کسی که در مکه است ادنی الحل بوده و افضل مواضع آن جعرانه و حدیبیه و تنعیم می‌باشد و برای کسی که از بیرون می‌آید یکی از مواضع پنج‌گانه است (۱) به تفصیلی که در مسائل مختلف خواهد آمد. (مناسک م ۱۷۵ و ۲۲۹ و ۲۲۶)

[۴] م- کسی که مُحْرَم به احرام عمره مفرده شد، حرام می‌شود بر او جمیع چیزهایی که بر مُحْرَم حرام است و بعد از آن که تقصیر کرد یا سر تراشید، همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زن و بعد از آن که طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او حلال می‌شود. (مناسک م ۱۸۰)

[۵] م- کسی که عمره مفرده بجا می‌آورد می‌تواند قبل از انجام طواف نساء به میقات رفته و برای عمره تمتع مُحْرَم شود و بعد از انجام عمره تمتع طواف نساء را انجام دهد. (۲) (مناسک س ۱۸۵ و جامع الفتاوی م ۱۲)

۱- آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: برای عمره مفرده، اگر از ادنی الحل مُحْرَم شود عمره اش صحیح است. آیه‌الله بهجت: در صورت تجاوز از میقات، احرام از ادنی الحل برای کسی که قصد عمره مفرده دارد کافی است. آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده است می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده مُحْرَم شود

۲- آیه‌الله نوری: همچنین کسی که پس از انجام حج تمتع، طواف نساء را ترک کرده، می‌تواند برای عمره مفرده مُحْرَم شود. آیه‌الله تبریزی: صحت احرام جدید، قبل از طواف نساء عمره مفرده، محل اشکال است. آیه‌الله فاضل: احتیاط آن است که تا طواف نساء عمره مفرده یا حج تمتع را انجام نداده، برای عمره تمتع یا عمره مفرده مُحْرَم نشود هر چند اگر قبل از انجام طواف نساء مُحْرَم به عمره و حج شد باطل نیست ولی پس از اتمام آن‌ها طواف نساء را بنا بر احتیاط انجام دهد

[۶] م- کسی که در اثناء عمره مفرده بیمار شده و نتوانسته عمره را تمام کند و او را به وطن بازگردانیده‌اند و فعلاً بهبود یافته، اگر می‌تواند، باید به مکه برگردد، ولی اگر نمی‌تواند مراجعت کند، باید برای انجام اعمال نائب بگیرد ولی خودش تقصیر کند (۱) و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال انجام نشده آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

تذکر: اتمام اعمال به وسیله خود شخص و یا نائب در بعض فروض، مستلزم اعاده اعمال سابق است که تفصیل آنها می‌آید. (جامع الفتاوی، مسأله ۱۳ و مناسک س ۱۸۴)

[۷] م- اگر زن بعد از احرام عمره مفرده حائض شود و تا وقتی که در مکه است پاک نشود باید برای طواف و نماز آن نائب بگیرد و بقیه اعمال را خودش انجام بدهد و چنانچه بدون آن که اعمال را انجام دهد به وطنش برگشته، حکم آن مانند حکم مسأله قبل است. (مناسک س ۱۸۹- جامع الفتاوی م ۱۴)

[۸] م- طواف در عمره مستحبی حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود. (۲) (مناسک س ۱۹۰- جامع الفتاوی م ۱۵)

[۹] م- وجوب عمره مفرده‌ای که بعد از حج در موارد تبدل به افراد انجام

---

۱- آیه‌الله سیستانی: و نیز نماز طواف را باید خود شخص بعد از طواف نائب بجا آورد. (س ۱۸۴)

۲- آیه‌الله نوری: خلف مقام لازم نیست هر چند در صورت امکان اولی است



می شود فوری (۱) است و بنا بر احتیاط باید مبادرت نماید عرفاً. (۲) (مناسک س ۱۹۲)

[۱۰] م- کسی که می داند بعد از احرام بستن برای عمره مفرده، به علت مرض یا حدوث حیض نمی تواند اعمال خود را انجام دهد یا تکمیل نماید، می تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و اگر وظیفه او نایب گرفتن باشد، نایب بگیرد. (مناسک س ۱۹۳- جامع الفتاوی م ۱۸)

[۱۱] م- کسی که عمره مفرده انجام داده اگر بخواهد در همان ماه قمری مجدداً از میقات عبور کند و به مکه برود احتیاط آن است که به قصد رجاء برای عمره مفرده دیگر محرم شود و بدون احرام از میقات عبور نکند. (۳) (مناسک م ۲۳۶- ۲۴۲- جامع الفتاوی م ۱۹)

[۱۲] م- عمره مفرده بر کسانی که شأزده فرسخ شرعی یا بیشتر از مکه دور هستند مثل ایرانیان، واجب نیست، مگر در موارد تبدیل (۴) حج تمتع به حج افراد که مسائش در مناسک حج آمده است. (مناسک م ۱۷۱، جامع الفتاوی، م ۲۰)

[۱۳] م- واجب است بر کسی که می خواهد داخل مکه شود با احرام وارد

---

۱- آیه الله سیستانی: فوریت عمره مانند فوریت حج است

۲- آیه الله تبریزی: گرچه اقوی عدم وجوب مبادرت است

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، خامنه ای، سیستانی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، نوری: می تواند بدون احرام از میقات عبور کند. آیه الله سیستانی اضافه فرموده اند: بلی اگر عمره مفرده او به نیابت از دیگران بوده، احتیاط واجب آن است که برای دخول به مکه یا حرم احرام ببندد و بدون احرام از میقات تجاوز نکند

۴- آیه الله سیستانی: ولی اگر وظیفه آنها تبدیل به حج افراد شد واجب است در صورت تمکن بعد از آن عمره مفرده انجام دهند و اگر در آن سال نشد در سال بعد وجوب آن فوری است

شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم چند گروه مستثنی هستند. (مناسک م ۱۷۲)

۱- کسانی که شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند. (مناسک م ۱۷۲)

۲- کسانی که بعد از انجام حج تمتع از مکه خارج شوند و قبل از گذشتن یک ماه (۱) از عمره تمتع به مکه مراجعت نمایند. (مناسک س ۲۴۱)

[۱۴] م- کسی که عمره مفرده انجام داده و از مکه خارج شده است احتیاط آن است که در فاصله کمتر از یک ماه بدون احرام از میقات تجاوز نکند و رجاء برای عمره مفرده دیگر محرم شود. (۲) (مناسک م ۲۲۹ س ۲۴۲)

[۱۵] م- تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج، مستحب است. (مناسک م)

۱- آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: در صورتی که در همان ماهی که به عمره تمتع محرم شده مراجعت نماید، لازم نیست محرم شود. آیه‌الله خویی و سیستانی: اگر در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده برگردد لازم نیست محرم شود. آیه‌الله بهجت: اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره مفرده وارد مکه شود اگرچه خروج در آخر ماهی و ورود در اول ماه دیگر باشد

۲- آیه‌الله تبریزی، مکارم: در صورتی که در همان ماه قمری که محرم شد به مکه برود احرام مجدد لازم نیست. آیات عظام خویی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، نوری و سیستانی: تا ماه هلالی که عمره مفرده را در آن انجام داده تمام نشده می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود. آیه‌الله سیستانی اضافه فرموده‌اند: بلی اگر عمره مفرده او به نیابت از دیگران بود، احتیاط واجب احرام بستن برای دخول مکه یا حرم است. آیه‌الله بهجت: اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره مفرده وارد مکه شود اگرچه خروج در آخر ماهی و ورود در اول ماه دیگر باشد

[۱۶] م- در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده‌اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه به قصد رجا آورده شود. (۱) و فرقی (۲) نیست که دو عمره مفرده از خود شخص باشد و یا هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد و چنانچه با تذکر به اجیر کننده برای عمره دوم اجرت بگیرد اشکال ندارد. (۳) (مناسک م ۱۷۳ و س ۱۸۶-۱۸۸)

[۱۷] م- عمره مفرده را می‌توان در ماه‌های حج، قبل از عمره تمتع انجام داد (۴) و در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر آن نیست. (مناسک س ۱۹۱-۱۹۴- جامع الفتاوی م ۱۶)

۱- آیات عظام بهجت، گلپایگانی، نوری: فاصله بین دو عمره مفرده لازم نیست. از اینجا حکم ادامه مسأله روشن می‌شود. آیه‌الله خامنه‌ای: فاصله معینی بین دو عمره شرط نیست ولی بنا بر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می‌تواند بجا آورد ولی آوردن عمره برای غیر خود هر نفر یک عمره جایز است. از اینجا حکم ادامه مسأله روشن می‌شود. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم: فاصله یک ماه شرط نیست بلکه در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد، مثلاً یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوم در اول ماه شعبان واقع گردد

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل: انجام دو عمره یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت در یک ماه قمری جایز است. از اینجا حکم اجرت گرفتن و نیابت روشن می‌شود

۳- آیه‌الله مکارم، کفایت آن از منوب عنه محل اشکال است

۴- آیه‌الله صافی و گلپایگانی: انجام عمره مفرده قبل از عمره تمتع برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و بر خودش حج واجب نشده یا حج خود را انجام داده اشکال ندارد. و در صورت ذکر شده اشکال دارد. آیه‌الله سیستانی: و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد

[۱۸] م- انجام عمره مفرده قبل از عمره تمتع و لو با فاصله کمتر از یک ماه (۱) جایز است ولیکن اگر بعد از حج تمتع بخواهد عمره مفرده انجام دهد در صورتی که یک ماه (۲) فاصله نشده باشد باید عمره مفرده را به قصد رجاء انجام دهد. (مناسک م ۱۷۳ و س ۱۹۴-۱۹۱)

[۱۹] م- کسی که حج بر او واجب نیست یا حج واجب خود را قبلاً انجام داده و در ایام حج می‌خواهد وارد مکه شود، مثل کارگزاران و خدمه حج، لازم نیست حج تمتع انجام دهد، بلکه می‌تواند با احرام عمره مفرده وارد مکه شود یا حج افراد استحبابی بجا آورد. (۳) (مناسک س ۹۳۳)

[۲۰] م- کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شده، باید (۴) بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد. (مناسک م ۱۷۵)

## اعمال عمره

اول از واجبات عمره، احرام است.

احرام عمره مفرده باید در محل خاصی که «میقات» نامیده می‌شود انجام شود. (جامع الفتاوی ص ۳۴)

۱- فتاوی آیات عظام در این باره، ذیل مسأله ۲۳ گذشت

۲- آیه‌الله سیستانی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده اشکال است و احتیاط نباید ترک شود و اما انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج، موجب بطلان عمره تمتع می‌شود. آیه‌الله گلپایگانی: انجام دو عمره پی در پی با فاصله کمتر از ده روز مکروه است و احوط ترک آن است، اگرچه اقوی جواز عمل عبادی مکروه است. آیه‌الله صافی: اگر هر دو را برای خود انجام می‌دهد در عمره مفرده قصد رجاء نماید

۳- آیه‌الله سیستانی و مکارم: و لازم نیست بعد از آن، عمره مفرده انجام دهد

۴- آیه‌الله سیستانی: در صورت تمکن

## میقات

## اشاره

[۲۱] م- محل احرام برای عمره مفرده به اختلاف راههایی که از آنها به طرف مکه می‌روند مختلف می‌شود و آن پنج میقات (۱) است.

۱- مسجد شجره

مسجد شجره که آن را ذوالحلیفه می‌نامند، میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند. (مناسک م ۲۲۹ و ۲۰۰)

[۲۲] م- جایز است (۲) در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام (جحفه). (مناسک م ۲۰۱)

[۲۳] م- احتیاط واجب (۳) آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه

۱- آیه‌الله فاضل و آیه‌الله مکارم: میقات برای احرام عمره مفرده برای کسی که از جده به مکه می‌رود، علاوه بر مواقیت پنج گانه، ادنی الحل نیز می‌باشد، لذا می‌تواند از حدیبیه محرم شود و معصیتی نیز مرتکب نشده است. (استفتاءات جدید م ۱۵)

۲- آیه‌الله بهجت: و جواز طرف مقابل که احرام از مسجد با فعل مضطر الیه و فداء است، محل تأمل است

۳- آیه‌الله خویی: احرام از منطقه ذوالحلیفه صحیح است. آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم، تبریزی: همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد، کفایت می‌کند. آیه‌الله صافی و گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: احرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است. آیه‌الله بهجت و خامنه‌ای: احرام بیرون مسجد جایز نیست و در صورت امکان باید دورن مسجد احرام بسته شود

خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد. (مناسک م ۲۰۲) و احتیاط مستحب آن است که در محل اصلی مسجد محرم شود اگرچه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است. (۱) (مناسک م ۲۲۰)

[۲۴] م- شخص جنب و حائض می‌توانند (۲) در حال عبور از مسجد محرم شوند و نباید در مسجد توقف کنند. (مناسک م ۲۰۳)

(۳)

۱- آیه‌الله بهجت: بنابر احتیاط از محل قدیمی مسجد شجره محرم شود و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب می‌شود و در صورت عدم امکان از محاذی آنجا محرم شود. (مناسک م ۲۲۰) آیه‌الله تبریزی: احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندد. (مناسک م ۲۲۰)

۲- آیه‌الله خویی: در مسأله قبل گذشت که احرام از منطقه ذوالحلیفه صحیح است. آیه‌الله سیستانی، مکارم: برای حائض و نساء احرام بستن در خارج مسجد هر چند در محاذی آن صحیح است. آیه‌الله مکارم: حکم جنب را نیز همین دانسته‌اند. نظر سایر آیات عظام ذیل مسأله قبل گذشت

۳- تذکر: بر اساس فتوای آیه‌الله خامنه‌ای و آیه‌الله بهجت و احتیاط امام و آیه‌الله فاضل و آیه‌الله سیستانی مبنی بر لزوم احرام از درون مسجد، اگر جنب نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و از انجام غسل معذور باشد و نتواند تا رفع عذر صبر نماید، باید تیمم نموده و داخل مسجد احرام ببندد و همین طور حائض و نفسائی که پاک شده و غسل نکرده‌اند. و اما حائض و نفسائی که هنوز پاک نشده‌اند اگر نمی‌توانند در حال عبور محرم شوند باید صبر کنند تا پاک شوند و از داخل مسجد به تفصیلی که گذشت محرم شوند، در غیر این صورت از نزدیک مسجد محرم شوند و در محاذی جحفه نیز تجدید احرام نمایند. آیه‌الله بهجت و فاضل، تجدید احرام لازم نیست. آیه‌الله خامنه‌ای: باید از جحفه یا محاذی آن محرم شوند

[۲۵] م- کسانی که فعلاً از راه جدّه به مکه می‌روند می‌توانند از این میقات محرم شوند. (مناسک م ۲۱۲ و م ۲۲۲ و جامع الفتاوی م ۲۶)

[۲۶] م- میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست، از هر جای آن می‌توان محرم شد. (مناسک س ۲۳۶)

۳- وادی عتیق: که اوایل آن را مسلخ و اواسط آن را غمره و اواخر آن را ذات عرق می‌گویند، محل احرام عام است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

۴- قرن المنازل: و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

۵- یلملم: که نام کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه می‌روند. مناسک مواقیت

### احکام مواقیت

[۲۷] م- اگر بینه شرعیه قائم شد، یعنی دو شاهد (۱) عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است تفتیش و تحصیل علم لازم نیست و اگر علم و بینه ممکن

---

۱- آیه‌الله مکارم: شهادت یک نفر عادل کافی است. آیه‌الله سیستانی: شهادت دو عادل در صورتی مفید است که مستند به حس یا مانند آن باشد

نشود می‌تواند اکتفا کند به ظن (۱) حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان‌ها می‌باشند. (مناسک م ۲۰۶)

[۲۸] م- کسانی که با هواپیما برای حج یا عمره به جدّه می‌روند و نیز شاغلین (۲) ایرانی و غیر ایرانی در جدّه، نمی‌توانند از جدّه یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید (۳) به یکی از مواقیت مثل جحفه (۴) بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند. در این حکم فرقی بین این که قصد عمره تمتع یا مفرده (۵) داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای

۱- آیه‌الله خویی: تحصیل اطمینان لازم است و گمان کافی نیست ولی اگر ثقه خبره از اهل محل خبر بدهد کافی است. آیه‌الله تبریزی اضافه فرموده‌اند: بلکه شهادت یک نفر ثقه کافی است، اگر بدانیم مستند او سؤال از اهل محل است. آیه‌الله سیستانی: تحصیل علم یا اطمینان یا حجت شرعیه لازم است. آیه‌الله فاضل: تحصیل اطمینان لازم است

۲- آیه‌الله خویی: اگر حدود سه سال در جدّه می‌ماند که صدق مقّر و منزل بر آن بکند می‌تواند از جدّه محرم شود

۳- آیه‌الله سیستانی: می‌تواند از جدّه با نذر محرم شوند زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است ولی در صحت احرام به نذر، برای کسی که می‌داند مجبور به تظلیل می‌شود اشکال است

۴- آیه‌الله بهجت: مثل جحفه یا محاذات آن

۵- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: در عمره مفرده، احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند، اگرچه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است. آیه‌الله فاضل و مکارم: میقات برای احرام عمره مفرده، برای کسی که از جدّه به مکه می‌رود، علاوه بر مواقیت پنج گانه، ادنی الحل نیز می‌باشد، لذا می‌تواند از حدیبیه محرم شود و معصیتی نیز مرتکب نشده است. آیه‌الله تبریزی و خویی: کسی که بدون قصد دخول مکه از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود. آیه‌الله سیستانی: کسی که برای کار دیگری غیر از عمره به نزدیک حرم رسیده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می‌تواند از ادنی الحل محرم شود



کسانی که در مکه هستند. (مناسک م ۲۲۲ و ۲۲۸)

[۲۹] م- کسی که وظیفه اش احرام از مواقیت معروفه است اگر از روی جهل (۱) به مسأله در جای دیگر محرم شود احرامش صحیح نیست و محرّمات احرام بر او حرام نمی شود، چنانچه در صورت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال مسأله را فهمیدند عمل آنان صحیح است. (۲) (مناسک م ۲۲۸)

[۳۰] م- احرام در مواقیت یا ادنی الحل، لازم نیست در مساجد این اماکن واقع شود به جز مسجد شجره که قبلاً گذشت. (مناسک م ۲۳۶)

[۳۱] م- کسی که در یکی از میقات ها محرم شد می تواند بر خلاف جهت مکه از میقات فاصله بگیرد و سپس با همان احرام از میقات یا محاذی آن عبور کند، مثل این که از مسجد شجره به مدینه برگردد و پس از یک یا چند روز از همان راه یا راه دیگر به مکه برگردد. (مناسک م ۲۴۰)

[۳۲] م- کسی که قبل از رسیدن به میقات دیوانه شد واجب نیست او را محرم کنند و ورود او بدون احرام به مکه اشکالی ندارد. (مناسک م ۲۴۳)

۱- آیه الله بهجت: از روی جهل با عدم تقصیر

۲- آیه الله فاضل: در صورت جهل و نسیان، اگر بعد از عمره مفرده متوجه شوند عمره باطل است. آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: صحت عمره خالی از اشکال نیست و احتیاطاً در صورت امکان اعاده نماید

## احرام قبل از میقات

[۳۳] م- جایز نیست احرام بستن، پیش از رسیدن به میقات و اگر احرام ببندد صحیح نیست، مگر با نذر که مسائل آن خواهد آمد. (مناسک م ۲۱۷، جامع الفتاوی م ۳۸)

## احرام از محاذی میقات

[۳۴] م- هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقات‌ها عبورش نیفتد باید از محاذات میقات (۱) احرام ببندد. و اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می‌کند احتیاط (۲) واجب آن است که از جایی که اول محاذات پیدا می‌کند احرام ببندد و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام کند. بلکه احتیاط واجب (۳) آن است که از محاذات میقات،

۱- آیه‌الله خویی: کسی که یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان جا میقاتش خواهد بود و از همانجا احرام می‌بندد و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص مورد مذکور نیز مشکل است. از اینجا حکم ادامه مسأله نیز روش می‌شود

۲- آیات عظام صافی، گلپایگانی، بهجت، تبریزی، فاضل: واجب است که از جایی که... (مناسک م ۲۰۷ و ۲۰۸) آیه‌الله تبریزی و فاضل: اضافه فرموده‌اند: تجدید نیت در محاذات میقات بعد لازم نیست. (مناسک م ۲۰۸) آیه‌الله سیستانی: مخیر است از محاذی هر کدام احرام ببندد، گرچه احتیاط مستحب، احرام در محاذی اول است. (مناسک م ۲۰۸)

۳- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: بلکه واجب است. آیات عظام فاضل، سیستانی، بهجت: این احتیاط مستحب است. آیه‌الله خامنه‌ای: نظر ایشان نسبت به این احتیاط یافت نشد. آیه‌الله خویی: نظر ایشان در ذیل مسأله قبل گذشت

بدون احرام عبور نکند اگر میقات دیگری بعد از آن باشد. (مناسک م ۲۰۷-۲۰۸ و ۲۱۸)

[۳۵] م- مراد از محاذات آن است که کسی که به طرف مکه می‌رود به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست، به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود. (مناسک م ۲۱۳)

[۳۶] م- محاذات ثابت می‌شود به علم و به دو شاهد عادل. اگر این‌ها ممکن نشود، اگر گمان (۱) حاصل شود از قول کسانی که مطلع به آن مکان‌ها هستند ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند (۲) و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند اگر گمان حاصل شود ظاهراً کافی است. (مناسک م ۲۱۴)

[۳۷] م- اگر ثابت نشود که رابع محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست. (۳) (مناسک م ۲۲۴) (جامع الفتاوی ۴۲)

---

۱- آیه‌الله فاضل: اگر اطمینان حاصل شود

۲- آیه‌الله فاضل: اگر اطمینان حاصل شود. آیه‌الله تبریزی: گفته کسانی که از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند اعتباری ندارد. آیه‌الله بهجت: ظاهراً در صورتی که مظنه بر اساس سؤال از اهل محل حاصل شده است کافی است علی‌الأحوط. فتاوی آیات عظام در کفایت قول شاهد واحد و بینه در حاشیه مسأله ۳۴ گذشت

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام از رابع با نذر صحیح است، به اعتبار این که رابع قبل از جحفه است

## تأخیر احرام از میقات

[۳۸] م- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند نمی‌توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند، در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند (۱) و از آنجا محرم شوند و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست محرم شود. (۲) (مناسک م ۲۲۶ و ۲۲۲)

[۳۹] م- اگر از میقات، بدون احرام (۳) عبور کرد، واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب (۴) برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود. (مناسک م ۲۱۹)

۱- آیات عظام فاضل، بهجت، صافی، گلپایگانی: در صورت تجاوز، احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند، اگر چه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است. آیه‌الله تبریزی، خویی: کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده است می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود. آیه‌الله سیستانی: نظر ایشان ذیل مساله ۳۵ گذشت

۲- توجه: طبق حاشیه‌های قبل، منظور از جمله هر جا که هست محرم شود، ادنی الحل (خارج حرم) است نه داخل حرم

۳- آیه‌الله فاضل: و بدون عذر آیه‌الله بهجت: در حال اختیار

۴- آیات عظام خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی، سیستانی: در صورت امکان باید برگردد. آیه‌الله سیستانی اضافه فرموده‌اند: مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد که چنین شخصی می‌تواند از جحفه محرم شود اگر چه گنهکار است. آیه‌الله مکارم: این احتیاط واجب نیست

## احرام با نذر

[۴۰] م- اگر نذر کند که از محلی پیش از میقات احرام ببندد جایز است (۱) و باید از همان جا محرم شود، مثلاً اگر نذر کند از قم محرم شود واجب است عمل کند و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.

(مناسک م ۲۱۷ م ۴۴۱-۴۸۶)

[۴۱] م- نذر برای احرام مثل سایر نذرها باید با صیغه شرعیه انجام شود مثلاً در احرام عمره مفرده بگوید: **لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أَحْرِمَ لِلْعُمْرَةِ الْمُفْرَدَةِ مِنَ الْمَدِينَةِ الطَّيِّبَةِ** و یا ترجمه آن را به زبان دیگر بگوید مانند این که به فارسی بگوید: برای خدا بر من است که از مدینه طیبه محرم شوم برای عمره. (جامع الفتاوی عمره مسأله ۴۵)

[۴۲] م- نذر زن برای احرام باید به اذن شوهر باشد (۲) بنابراین اگر بدون اذن شوهر نذر کرد و قبل از میقات محرم شد و با این حال از میقات گذشت احرامش باطل است و حکم کسی را دارد که بدون احرام از میقات عبور کرده است.

(مناسک ۲۳۲-۲۴۶)

۱- آیه الله فاضل، سیستانی: صحت نذر در صورتی که بداند احرام، با نذر قبل از میقات، مستلزم ارتکاب محرم مانند استظلال می شود محل اشکال است

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد اجازه لازم نیست. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط، چنانچه شوهر حضور دارد، نذر زن با اجازه او باشد، پس اگر در این صورت نذر نکند منعقد نمی شود ولی در صورت غیاب شوهرش موقوف بر اذن او نیست. آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: و نیز در صورتی که صحت حج متوقف بر نذر باشد اذن شوهر لازم نیست

## واجبات احرام

### اشاره

مساله ۴۷- واجبات احرام سه چیز است

۱: نیت

۲: تلبیه

۳: پوشیدن دو جامه احرام برای مردان. (مناسک م ۲۵۱ - ۲۵۹ - ۲۶۹)

### نیت

در نیت چهار امر معتبر است:

اول: قصد قربت

دوم: همزمان بودن نیت با شروع در احرام

سوم: تعیین عملی که برای آن محرم می شود که حج است یا عمره و نوع آنها و قصد نیابت اگر احرامش نیابی است. البته کسی که به قصد عمره یا حج لبیک های واجب را گفت محرم می شود چه احرام را قصد کند یا قصد نکند.

(مناسک م ۲۵۱)

چهارم: باید قصد کند ترک محرماتی که احرام را باطل می کند، (۱) مثل

۱- آیات عظام، بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: بلکه لازم است قصد کند ترک جمیع محرمات احرام را

نزدیکی با زن (۱) در بعضی از صور که ذکر خواهد شد. پس با قصد (۲) ارتکاب آن، احرام باطل است بلکه غیر ممکن است. (مناسک م ۲۵۲-۲۵۱؛ جامع الفتاوی ۴۷)

[۴۳] م- لازم نیست نیت احرام را بر زبان جاری کند یا در ذهن خود بگذراند. (مناسک س ۱۳۲)

[۴۴] م- عمره و حج و اجزای آنها (۳) از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت (۴) خداوند تعالی بجا آورد. (مناسک م ۲۵۳)

[۴۵] م- اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد عملش صحیح می شود گرچه معصیت کار است. (مناسک م ۲۵۶)

[۴۶] م- کسی که وظیفه اش عمره تمتع بوده و ندانسته به نیت عمره مفرده محرم شده، چنانچه قصد انجام وظیفه فعلی را داشته و اشتباهاً آن را بر عمره مفرده تطبیق کرده احرامش عمره تمتع واقع می شود و الا احرام عمره مفرده محسوب می شود و بعد عمره تمتع را بجا آورد. (۵) (مناسک س ۱۹۵)

۱- آیه الله سیستانی: فقط در حین احرام عمره مفرده، اگر قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند، یا تردید دارد که این کار را بکند یا نه، احرامش باطل می شود و بنابر احتیاط حکم استمناء همین است

۲- آیه الله خویی: بطلان احرام بنابر قول مشهور است، البته جماع قبل از سعی موجب بطلان عمره مفرده می شود

۳- آیه الله نوری: و همچنین احرام

۴- آیه الله سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم: چنانچه بعد از انجام عمره مفرده، تا وقت حج در مکه باقی ماند، می تواند عمره مفرده ای را که انجام داده عمره تمتع قرار دهد و برای حج محرم شود. آیه الله صافی، گلپایگانی: عمره مفرده او باطل است بلی چنانچه اشتباه در تطبیق بوده تمتع واقع شده و کافی است. نظر مقام معظم رهبری در دست نیست

[۴۷] م- پس از این که شخص به طور صحیح برای حج یا عمره محرم شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و اگر لباس احرام را هم از تن درآورد و قصد بیرون آمدن از احرام را نیز بکند باز در احرام خود باقی است و محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود و اگر کاری که موجب کفاره است انجام دهد باید کفاره بدهد. (مناسک م ۱۳۱۸)

[۴۸] م- قصد ابطال عمره یا حج یا بعض اجزای آن مبطل نمی‌باشد.

(مناسک س ۱۳۶۸)

### تلبیه

[۴۹] م- تلبیه، یعنی لبیک گفتن و صورت آن بنا بر اصح آن است که بگوید:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب (۱) آن است که پس از آن که چهار لبیک را گفت، بگوید:

انَّ (۲) الْحَمْدُ وَالنِّعْمَةُ لَكَ وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر کند پس از گفتن آنچه ذکر شد بگوید:

۱- آیه‌الله بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: احتیاط واجب این است. آیه‌الله مکارم اضافه نموده‌اند: اما لبیک پنجم را نگوید. آیه‌الله سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزو این احتیاط استحبابی نیست

۲- آیه‌الله بهجت: وجوب کسر همزه إِنَّ مَتَّجِه است



«لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ لَيْتِكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَيْتِكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ تَبْدِيًّا وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ تَسْتَعِينِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ عَيْدُكَ وَإِنَّ عَبْدَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ يَا كَرِيمُ لَيْتِكَ».

(مناسک م ۲۵۹)

[۵۰] م- واجب در لیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند و برای هفتاد مرتبه ثواب زیادی ذکر شده است و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند بلکه کافی (۱) است بگوید: لیک اللهم لیک یا تکرار کند لیک را فقط. (مناسک م ۲۶۷)

[۵۱] م- واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لیک را که گذشت، همانطور که صحیح گفتن تکبیرة الا-حرام در نماز واجب است. (مناسک م ۲۶۰)

[۵۲] م- اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند یعنی کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید. (مناسک م ۲۶۱)

[۵۳] م- کسی که لال است باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم

حرکت دهد و نایب گرفتن کافی نیست. (۱) (مناسک س ۲۹۴)

[۵۴] م- اگر نتواند تلبیه را یاد بگیرد، یا وقت برای یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که به هر نحو که می‌تواند بگوید (۲) و ترجمه‌اش را هم بگیرد و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد. (مناسک م ۲۶۲ س ۲۳۵)

۱- آیه‌الله سیستانی: اگر در اثر عارضه‌ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می‌داند به مقداری که می‌تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نمایند و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می‌کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند. آیه‌الله بهجت: اگر آنچه گفته شد را ممکن نباشد خودش انجام دهد، نایب بگیرد که به جای او تلبیه بگیرد. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل، مکارم: بهتر است نایب هم بگیرد. آیه‌الله خامنه‌ای: احوط آن است که نایب هم بگیرد

۲- آیه‌الله سیستانی: کافی است به نحوی که می‌تواند بگیرد اگر عرفاً صدق تلبیه کند و اگر صدق نکنند، به احتیاط واجب، هم مرداف عربی و هم ترجمه آن را بگیرد و نیز نایب بگیرد. آیه‌الله صافی، گلپایگانی: اگر تلقین ممکن نشد، هر طور که می‌تواند بخواند و ترجمه‌اش را به فارسی یا زبان دیگر بگیرد و رجاء نایب بگیرد که از طرف او صحیح بخواند. آیه‌الله خامنه‌ای: باید به هر نحوی که می‌تواند بگیرد و بنابر احتیاط نایب هم بگیرد. آیه‌الله بهجت: اکتفا به ترجمه در صورت عدم توانایی بر هیچ مقدار از تلبیه و نیز اکتفا به استنابه با عدم قدرت بر ترجمه هم خالی از وجه نیست. آیه‌الله خویی: اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه و لو با تلقین نداشته باشد می‌تواند به ملحون اکتفا کند، گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنابه نیز هست و نیز اخرس (گنگ و لال) کافی است با اشاره تلبیه بگیرد، گرچه احوط استنابه نیز هست

[۵۵] م- جایز نیست (۱) لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسأله ۴۵ و ۴۶ ذکر شد عمل کند. (مناسک م ۲۶۶)

[۵۶] م- اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد کفاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند. (مناسک م ۲۶۴)

[۵۷] م- اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید فراموش کرد که لبیک را برای حج گفته یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است. (۲) (مناسک م ۲۶۵)

[۵۸] م- ترجمه تلبیه واجب این است که بگوید (۳): اجابت می‌کنم دعوت تو

۱- آیه‌الله خویی: کسی که از راه مدینه به حج می‌رود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (جایی که یک میل با ذوالحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر بیندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگری به حج می‌رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید

۲- آیه‌الله تبریزی و خویی: در هر دو صورت، اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می‌شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید

۳- آیه‌الله نوری: با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم دعوت تو را، خدایا با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم، اجابت می‌کنم دعوت تو را با کمال میل و شوق. شریکی نیست مر تو را با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم، اجابت می‌کنم تو را

را خدایا. خدایا! اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید. (مناسک س ۲۹۸)

### قطع تلبیه

[۵۹] م- کسی که برای عمره مفرده محرم شده، اگر از خارج مکه به سوی آن می‌آید، هنگام داخل شدن به حرم لیبیک را قطع نماید و اگر از مکه برای احرام به خارج حرم رفته است و در ادنی الحل محرم شده، هنگام مشاهده کعبه لیبیک را قطع کند. (جامع الفتاوی عمره م ۶۶)

### پوشیدن جامه احرام

[۶۰] م- پوشیدن دو جامه احرام برای مردان (۱) که یکی لنگ است و دیگری رداء که باید آن را به دوش بیندازد و احتیاط واجب (۲) آن است که (۳) این دو جامه را قبل از نیت احرام و لیبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لیبیک پوشید، احتیاط (۴) آن

۱- آیه‌الله گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که زن‌ها نیز دو جامه را بپوشند. البته کندن لباس‌های دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از محرم شدن، دو جامه احرام را بیرون آورده و با همان لباس‌های خودشان باشند. و بهتر آن است که در وقت سعی و طواف دو جامه احرام را در بر داشته باشند. آیه‌الله فاضل و صافی: احتیاط مستحب آن است که زن‌ها نیز دو جامه احرام را هنگام محرم شدن بپوشند. آیه‌الله صافی افزوده اند: و در وقت سعی و طواف نیز همراه داشته باشند

۲- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند

۳- آیه‌الله نوری: لباس‌های دوخته را بکند و این دو جامه را ..

۴- آیات عظام سیستانی، خامنه‌ای، فاضل: احتیاط مستحب است

است که لیبیک را دوباره بگوید. (مناسک م ۲۶۹)

- [۶۱] م- لازم نیست (۱) که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند و کفایت می کند که به نحو متعارف باشد ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند. و احتیاط مستحب (۲) آن است که رداء شانه‌ها را بپوشاند. (۳) (مناسک م ۲۷۰-۲۷۱)
- [۶۲] م- در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست بلکه به هر ترتیبی (۴) بپوشد مانع ندارد فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد. (مناسک م ۲۷۱)
- [۶۳] م- احتیاط واجب (۵) آن است که در حال اختیار اکتفا نکند (۶) به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد بلکه باید دو جامه جدا باشند. (مناسک م ۲۷۲)

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: باید به اندازه‌ای باشد که ناف تا زانو را بپوشاند. آیات عظام سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب لازم است

۲- آیه‌الله مکارم: بنابر احتیاط واجب. آیه‌الله سیستانی: احتیاط واجب این است که رداء به اندازه‌ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجهی از کمر را بپوشاند. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: باید رداء به اندازه‌ای باشد که شانه‌ها را بپوشاند

۳- آیه‌الله فاضل: بلکه واجب است قسمتی را بپوشاند به گونه‌ای که صدق رداء بکند

۴- آیه‌الله تبریزی، خویی: احتیاط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد. آیه‌الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد. آیه‌الله خامنه‌ای: اگر به کیفیت متعارف باشد، کفایت می‌کند

۵- آیه‌الله خامنه‌ای: واجب است

۶- آیه‌الله بهجت: احرام در یک جامه بلند صحیح است. آیه‌الله سیستانی: بلکه ظاهر این است که کافی هم نباشد

- [۶۴] م- در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب (۱) آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند. (مناسک م ۲۷۳)
- [۶۵] م- شرط است (۲) در این دو جامه، که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر ماکول (۳) و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد. (مناسک م ۲۷۴)
- [۶۶] م- لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد به طوری که بدن نما باشد و احتیاط مستحب (۴) آن است که رداء هم بدن نما نباشد. (۵) (مناسک م ۲۷۵)
- [۶۷] م- احتیاط واجب (۶) آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن، در حال احرام این دو جامه (۷) نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید و احوط (۸) مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود. و اگر جامه احرام یا بدن را تطهیر نکند کفاره ندارد. (۹) (مناسک م ۲۷۸-۲۷۹)

۱- آیه‌الله بهجت، سیستانی: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت واجب است

۲- آیه‌الله بهجت: بنا بر احتیاط، لباس احرام از مجموع آنچه در لباس نماز گزار منع شده خالی باشد

۳- آیه‌الله سیستانی: و بنا بر احتیاط واجب در غیر درندگان

۴- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل، مکارم، نوری: احتیاط واجب است

۵- آیه‌الله خامنه‌ای: بدن نما بودن رداء مانع ندارد، مشروط بر این که رداء بر آن صدق کند

۶- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: احتیاط مستحب است. آیه‌الله مکارم: این حکم واجب است. نظر مقام معظم رهبری در دست نیست

۷- آیه‌الله فاضل: یا لباسی که زن محرم پوشیده است

۸- آیات عظام بهجت، سیستانی، صافی، گلپایگانی، فاضل: احتیاط استحبابی است

۹- آیه‌الله فاضل: و احرام او هم باطل نمی‌شود

- [۶۸] م- لازم نیست (۱) جامه احرام منسوج و بافتنی باشد بلکه اگر مثل نمد مالیده باشد یا از پوست باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد. لکن احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد. (مناسک م ۲۸۰-۲۸۱)
- [۶۹] م- لازم نیست جامه احرام را همیشه دربرداشته باشد بلکه جایز است برای حاجت (۲) هر دو را بیرون بیاورد ولی اگر جامه را عوض کرد افضل آن است که برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده بپوشد. (مناسک م ۲۸۴ و ۲۸۲)
- [۷۰] م- شخص محرم می‌تواند برای حفظ از سرما و یا غرض دیگر بیش از دو جامه احرام بپوشد (۳) مثل دو یا سه رداء و دو یا سه لنگ. (مناسک م ۲۸۵ و س ۳۰۱)
- [۷۱] م- محرم می‌تواند برای آشکار نشدن عورت یا اغراض دیگر، قطعه‌ای پارچه زیر لنگ بسته آن را از میان دو پا عبور دهد. (۴) (مناسک س ۲۹۳)
- [۷۲] م- گره زدن لباس احرام اشکال ندارد (۵) ولی احتیاط واجب آن است که

۱- آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: احتیاط واجب آن است که دو جامه احرام منسوج و بافتنی باشد

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و غیر حاجت

۳- آیه‌الله فاضل: لیکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند

۴- آیه‌الله مکارم: ولی بهتر اجتناب از این گونه کارهاست

۵- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک در جامه احرام برای آن که آن را سنگین کرده و رداء را حفظ نماید مانعی ندارد. آیه‌الله خامنه‌ای: بستن لنگ به گردن جایز نیست، لیکن سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعضی آن به بعضی مانع ندارد مادامی که از صدق مسمای ازار خارج نشود، در رداء، بستن آن مطلقاً مانعی ندارد، مادامی که از صدق مسمای رداء خارج نشود. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود، بلکه مطلقاً گره نزد و لو بعضی از آن را به بعضی دیگر و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکند و احوط این است که رداء نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد

آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز (۱) است. (مناسک م ۲۸۷)

### لباس احرام بانوان

[۷۳] م- دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محرم بیوشد مخصوص به مرد (۲) است ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشد یا نباشد. (۳) ولی احتیاط واجب (۴) آن است که لباس احرام زن، حریر خالص نباشد، (۵) بلکه احتیاط آن است که تا آخر، احرام حریر نپوشد. (مناسک م ۲۷۷ ۲۷۶)

۱- آیه‌الله گلپایگانی: اگر بدون گره باشد مانعی ندارد، به شرط آن که دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان شود. آیه‌الله نوری: و نیز جایز است بعضی از لباس احرام را به بعضی دیگر با سوزن و غیر آن وصل کند

۲- نظر آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی ذیل مسأله ۶۷ گذشت

۳- آیه‌الله مکارم: و به هر رنگ باشد

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: زنان می‌توانند در لباس‌های عادی خود، در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد احرام ببندد

۵- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی: باید از حریر خالص نباشد. آیه‌الله بهجت: بر زنان جایز است در جامه حریر احرام ببندد گرچه احتیاط در ترک آن است و همچنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام



## خمس لباس احرام

[۷۴] م- پوشیدن لباس احرام غصبی جایز نیست و همین طور است لباسی که متعلق خمس باشد یا با عین پولی که متعلق خمس است آن را بخرد. (۱) (مناسک س ۶۶۷-۶۶۸)

[۷۵] م- اگر شک (۲) داشته باشد که لباس احرام او متعلق خمس شده یا نه یا شک دارد پولی که با آن لباس احرام را خریده متعلق خمس بوده یا نه تخمیس آن واجب نیست و پوشیدن آن برای احرام جایز و طواف و نماز در آن صحیح است. (مناسک س ۲۹۹-۶۶۹)

## احکام احرام

[۷۶] م- در احرام بستن، پاک بودن از حدث اصغر و اکبر شرط نیست، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حیض و نفسا مستحب است. (مناسک م ۲۸۸)

[۷۷] م- اگر پیراهن بپوشد، بعد از آن که محرم شد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود (۳) لازم نیست

۱- آیات عظام، بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر همانطور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد حش صحیح است

۲- آیه الله فاضل: با مجتهد جامع الشرائط مصالحه کند. آیه الله خویی: صور مسأله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود. آیه الله سیستانی: اگر احتمال می دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند، ولی طواف با فرض خرید به نحو کلی در ذمه صحیح است

۳- آیه الله خامنه ای: اگر در حین احرام از روی علم و عمد لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد صحت احرامش خالی از اشکال نیست. آیه الله صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید

شکاف دهد و از پایین بیرون آورد و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد و در هر دو صورت احرامش صحیح است. (۱) (مناسک م ۲۸۹)

[۷۸] م- اگر لباس احرام را عمداً نپوشد، یا در حالی که می‌خواهد محرم شود لباس دوخته بپوشد، معصیت کرده است ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند (۲) و احرامش صحیح است و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است. و همین طور است احرام در جامه‌ای که شرایط لازم را ندارد. (مناسک م ۲۸۶)

[۷۹] م- اگر محرم به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن اضطرار پیدا کند، می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد لیکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد و احوط (۳) آن است. که پشت و رو نیز بکند و پیراهن را نیز باید بدوش بیندازد و نپوشد و اگر رفع اضطرار نمی‌شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می‌تواند بپوشد. (۴) (مناسک م ۲۸۳)

### مستحبات احرام

[۸۰] م- مستحبات احرام چند چیز است: (۵)

۱- آیه‌الله بهجت: در هر دو صورت، نزع مخیط باید بدون پوشاندن سر باشد

۲- نظر آیات عظام در مسأله قبل گذشت. آیه‌الله مکارم: در صورت عمد خالی از اشکال نیست

۳- آیه‌الله سیستانی: واجب است لباس را پشت و رو کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد و یا این که آن را پایین و بالا کند و بپوشد. آیه‌الله فاضل: احتیاط استحبابی است و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند

۴- آیه‌الله مکارم: یعنی به طور معمولی بپوشد

۵- آیه‌الله سیستانی، آیه‌الله مکارم: پاره‌ای از مستحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است پس باید رعایت آن به قصد رجاء باشد نه ورود

۱- بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد، و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳- پیش از احرام، در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حیض و نفساء نیز صحیح است (۱) و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است، ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- آن که دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵- لباس احرام سفید باشد.

۶- احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر. (۲) و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

۱- آیه الله بهجت: این غسل با خوابیدن باطل نمی‌شود، ولی اعاده آن شبیه به مستحب در مستحب است. و در باطل شدن آن به غیر خوابیدن اشکال است

۲- آیات عظام بهجت و فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء، بعد از فریضه قضا محرم شود

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ، وَآمَنَ بِوَعْدِكَ، وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَأَنَّى عَبْدُكَ، وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أَوْقَى إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ، وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقْوِينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَتَسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ، وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَخَلِّني حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةً فَعُمْرَةٌ، أَخْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالشَّيْبِ وَالطَّيِّبِ، أُتْبِعِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ».

۷- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأَوْدَى فِيهِ فَرْضَتِي، وَأَعْبَدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهَى فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَعَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْنِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

۸- تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در موارد ذیل:

الف: وقت برخاستن از خواب.

ب: بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج: وقت رسیدن به سواره.

د: هنگام بالا رفتن از تل (تپه) یا سرازیر شدن از آن.

ه: وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و: آخر شب.

ز: اوقات سحر

زن حیض و نفساء (۱) نیز این تلبیه‌ها را بگویند. (۲) (مناسک م ۳۰۲)

## مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.

۲- خوابیدن محرم بر رختخواب و بالش زرد رنگ. (۳) ۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید. (۴) ۴- احرام بستن در جامه راه‌راه. (۵) ۵- استعمال حنا، (۶) پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید. (مناسک م ۳۰۳)

۱- آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: ... و جنب

۲- آیه الله بهجت: و همچنین مستحب است بر مردان، تلبیه را بلند بگویند

۳- آیه الله بهجت: بر بالش سیاه رنگ

۴- آیه الله مکارم: ولی می‌تواند آن‌ها را تبدیل به احرامی تمیز کند

۵- آیه الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن. آیات عظام صافی، گلپایگانی: اولی ترک پوشیدن پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبر، استثنا شده است

۶- آیات عظام صافی، مکارم، گلپایگانی: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد، آیه الله مکارم اضافه فرموده‌اند: و فرقی میان حنا و رنگ‌های امروز نیست

## محرمات احرام

### نگاه کردن در آینه

[۸۱] م- نگاه کردن در آینه به جهت زینت حرام است و احتیاط آن است که برای غیر زینت هم در آینه نگاه نکند (۱) و در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست. (مناسک م ۳۶۳-۳۶۸)

[۸۲] م- نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیدا است و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد. (۲) [۸۳] م- نگاه به اشیاء از پشت شیشه اتاق یا عینک و مانند آن مانعی ندارد و همچنین نگاه در دوربین اگر معلوم نیست که در آن آینه باشد، اشکال ندارد. (۳)

۱- آیه الله صافی، گلپایگانی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد

۲- آیه الله سیستانی: اجسام صیقلی که خاصیت آینه را داشته باشد حکم آینه را دارند. آیه الله خامنه‌ای: در صورتی که قصد زینت نداشته باشد. آیه الله مکارم: اگر برای تزئین خود باشد اشکال دارد

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بر فرض آینه بودن، چون غرض غیر زینت است مانعی ندارد. آیه الله فاضل: نظر در آینه صدق نمی‌کند. آیه الله مکارم: اشکال ندارد

(مناسک س ۴۹۸، جامع الفتاوی م ۹۰)

[۸۴] م- اگر در اطافی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد لیکن احتیاط آن است که آن را بردارد و یا چیزی روی آن بیندازد. (مناسک م ۳۶۷)

[۸۵] م- در نظر کردن به آینه کفاره نیست (۱) لیکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید. (م ۳۶۶)

### پوشیدن لباس دوخته برای مرد

[۸۶] م- چیزهایی که دوخته یا شبیه به دوخته است مثل پیراهن هایی که با چرخ یا با دست می بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می مالند (۲) مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، پوشیدن آنها جایز نیست. (م ۳۴۶)

۱- آیه الله صافی، گلپایگانی: کفاره اش استغفار است. آیه الله تبریزی: کفاره اش بنا بر احتیاط استحبابی یک گوسفند است. آیه الله خویی: کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است

۲- آیه الله سیستانی: برای محرم جایز نیست جامه دکمه دار یا آنچه فایده دکمه را دارد بپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد. و همچنین جایز نیست جامه ای بپوشد که یقه و آستین داشته و سر را از یقه و دست ها را از آستین بیرون آورد و نیز جایز نیست شلوار و زیر شلوازی و آنچه در ستر عورتین مانند آنها است بپوشد و بنا بر احتیاط از پوشیدن پیراهن و قبا و لباده و کت اجتناب کند، هر چند دکمه آنها را نبندد و یا دست از آستین و سر از یقه بیرون نیاورد. آیه الله مکارم: و همچنین لباس هایی که قطعات آن را به هم می چسبانند. آیه الله خامنه ای: و همچنین لباس های دکمه دار گرچه مخیط نباشند. آیه الله تبریزی، خویی: احوط اجتناب از هر جامه دوخته، بلکه شبیه به دوخته است مانند نمد

[۸۷] م- احوط (۱) اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمر بند دوخته (۲) و شب کلاه. (۳) ولی همیانی را که در آن پول می گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هر چند دوخته باشد و اما فتق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است لیکن احتیاط آن است که کفاره (۴) بدهد. (مناسک م ۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹)

[۸۸] م- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد ولی کفاره باید (۵) بدهد. (مناسک م ۳۵۰)

[۸۹] م- جایز است گره زدن لباس احرام را، ولی احتیاط در گره زدن است

۱- آیه الله خامنه‌ای: پوشیدن مخیط از غیر انواع لباس، مانند کمر بند یا همیان حرام نیست و کفاره ندارد. آیه الله صافی، گلپایگانی: استفاده از همیان، کمر بند که برای حفظ پول به کمر می بندند فتق بند و کفشی که تمام روی پا را نپوشاند جایز است. آیه الله فاضل: استفاده از دمپایی و کفش دوخته که تمام روی پا را نمی گیرد و کمر بند و فتق بند و بند ساعت و سایر اشیای کوچک دوخته دیگر که به آن لباس گفته نمی شود اشکال ندارد و کفاره هم ندارد

۲- آیه الله مکارم: کمر بند دوخته اشکالی ندارد

۳- آیه الله تبریزی: پوشیدن شب کلاه جایز نیست. آیه الله سیستانی: کمر بند، بند ساعت و دمپایی و امثال آن اشکال ندارد، گرچه کمر بند مکروه است و نیز اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند

۴- تبریزی، خامنه‌ای: کفاره ندارد. آیه الله صافی، فاضل: اولی این است که کفاره بدهد. آیه الله سیستانی، مکارم: ضرورت لازم نیست و کفاره هم ندارد

۵- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد. آیه الله بهجت: در صورتی که ازار نداشته و شلوار بپوشد در وجوب کفاره تأمل است



و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند. (۱) (م ۳۵۱)

[۹۰] م- از برای زنها جایز است لباس دوخته هر قدر می خواهند بپوشند و کفاره ندارد بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن قفازین

(۲) و آن چیزی بوده که زنهای عرب در آن پنبه می گذاشتند و برای حفظ از سرما دست می کردند. (م ۳۵۳)

[۹۱] م- جایز است محرم هنگام خوابیدن، با لحاف و پتو و مانند آن، از چیزهای دوخته تن خود را جز سر بپوشاند. (جامع الفتاوی م

۹۸ و مناسک حواشی آیات عظام مسأله ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸)

[۹۲] م- کفاره پوشیدن لباس دوخته از روی علم و عمد یک گوسفند است.

(مناسک م ۳۵۴ - ۱۳۲۰)

[۹۳] م- احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن، چه در مجلس واحد یا مجالس

عدیده، برای هر یک کفاره بدهد. (۳) و اگر یک نوع لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که

پوشیده بکند و باز بپوشد برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد. (مناسک م ۳۵۸ - ۳۵۷)

۱- نظر آیات عظام، مسأله ۷۹ گذشت

۲- آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم: منظور از قفازین هر نوع دستکش است

۳- آیه الله فاضل: اگر چند لباس از یک نوع را یک دفعه (یعنی پشت سر هم و بدون فاصله) بپوشد فقط یک کفاره واجب

می شود. آیه الله صافی و گلپایگانی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره یک کفاره و در احرام حج نیز یک کفاره کافی

است. آیه الله مکارم: مگر موجب عسر و حرج شود. آیه الله خویی: فتوای ایشان در تمام این مسأله در دست نیست

[۹۴] م- اگر از روی اضطراب لباس‌های متعدد پوشید کفاره ساقط نمی‌شود. (۱) (م ۳۵۶)

[۹۵] م- اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا، برای هر یک باید کفاره بدهد (۲) و احتیاط واجب (۳) آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یکدفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.

### پوشیدن آنچه تمام روی پا را می‌گیرد (برای مردان)

[۹۶] م- پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام (۴) روی پا را می‌گیرد برای مرد جایز نیست، اما پوشیدن دمپایی و مانند آن که تمام روی پا را نمی‌پوشاند اشکال ندارد. (م ۳۶۹)

[۹۷] م- انداختن حوله احرام یا پتو روی پا به طوری که پوشیدن آن به

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط آیه‌الله مکارم: مگر موجب عسر و حرج باشد

۲- آیه‌الله خامنه‌ای: اگر تعدد پوشیدن صدق کند برای هر مورد یک کفاره بدهد. آیه‌الله صافی، گلپایگانی: ظاهر آن است که اگر برای پوشیدن جنس دوخته یک کفاره بدهد کافی است. آیه‌الله خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

۳- آیه‌الله بهجت: در این فرض نیز کفاره واجب است. آیه‌الله سیستانی: اگر نوع لباس‌ها مختلف باشد، به تعداد هر لباس کفاره بدهد و اگر نوع لباس‌ها یکی باشد بنابر احتیاط به تعداد هر لباس باید کفاره بدهد

۴- آیه‌الله خامنه‌ای: قدر مسلم از حرام بودن پوشاندن روی پا، پوشیدن چکمه و جوراب و امثال آن است نه هر چیزی که روی پا را می‌پوشاند. آیه‌الله بهجت، تبریزی: در هر چه تمام روی پا را می‌گیرد با صدق لبس و پوشیدن بنابر احتیاط. آیه‌الله صافی، گلپایگانی: احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد

حساب نیاید اشکال ندارد. (جامع الفتاوی م ۱۰۴)

[۹۸] م- اگر مرد محتاج (۱) شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد احتیاط (۲) واجب آن است که روی آن را شکاف دهد. (م ۳۷۰)

[۹۹] م- در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره نیست. (۳) (م ۳۷۱)

### پوشانیدن سر برای مرد

[۱۰۰] م- پوشانیدن مرد سر خود را به هر چه برای پوشش سر است جایز نیست و احتیاط واجب (۴) آن است که سر را به چیزهای غیر پوششی هم نپوشاند مثل گل و خار و دوا و پوشال و غیر اینها. ولی پوشانیدن با بعض بدن خود مثل دست‌ها جایز است. (مناسک م ۴۱۰-۴۱۲)

[۱۰۱] م- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد که سر به وسیله آن پوشانیده شود، مثل بار برای حمل. (مناسک م ۴۱۱)

[۱۰۲] م- در حکم سر است بعض (۵) سر، پس نباید بعض سر را نیز بپوشاند.

۱- آیه‌الله سیستانی: بلکه مضطر شود

۲- آیات عظام بهجت، خویی، فاضل، مکارم: این احتیاط مستحب است

۳- آیه‌الله نوری: کفاره آن یک گوسفند است. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط ثبوت کفاره گوسفند است. آیه‌الله سیستانی: در پوشیدن چکمه و مانند آن کفاره نیست ولی بنا بر احتیاط، اگر عمداً جوراب و مانند آن را بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد

۴- تبریزی، خویی، گلپایگانی: محرم نباید سر خود را بپوشاند حتی با گل و مانند آن

۵- آیه‌الله فاضل: بنا بر اقوی در تغطیه در حکم سر است ولکن در حمل بار بر بعضی از سر بنا بر احتیاط در حکم سر است. آیه‌الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب

گوش‌ها (۱) همه از سر محسوب می‌شود پس نباید آنها را پوشانید، اما صورت از سر نیست و پوشاندن آن عیبی ندارد. (م ۴۱۴-۴۱۵)

[۱۰۳] م- دستمالی را که برای سردرد به سر می‌بندد عیب ندارد. و کفاره هم ندارد. (۲) (م ۴۱۸-۴۸۱)

[۱۰۴] م- گذاشتن سر روی بالش و مانند آن برای خوابیدن مانع ندارد ولی در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند و اگر بدون التفات یا از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن. (م ۴۱۹-۴۲۳)

[۱۰۵] م- اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازد به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند مانع ندارد و همچنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد. (م ۴۲۰)

[۱۰۶] م- اگر سر را شست نباید با پارچه و حوله خشک کند (۳) و بعضی سر هم در حکم همه است. و اگر وقت نماز تنگ باشد و نتواند سر را برای مسح و لو با دست خشک کند احوط (۴) جمع بین وضو با این حال و تیمم است. (م ۴۲۲ س ۵۰۳)

۱- آیه‌الله فاضل: پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد. آیه‌الله مکارم: بنابر احتیاط واجب

۲- آیه‌الله بهجت: کفاره دارد. آیه‌الله صافی، گلپایگانی: یک گوسفند کفاره دارد. آیه‌الله مکارم، نوری: به احتیاط واجب کفاره دارد

۳- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: خشک کردن به تدریج، به نحوی که سر پوشانده شود اشکال ندارد. (از اینجا نظراین آقایان نسبت به بقیه مسأله روشن می‌شود).

۴- آیه‌الله تبریزی، فاضل، سیستانی: در فرض سؤال می‌تواند با حوله به طوری که سر پوشانده نشود جای مسح را خشک کند. آیه‌الله خویی: فتوای معظم له در دست نیست

- [۱۰۷] م- جایز نیست سر را زیر آب کند بلکه جایز نیست (۱) زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند بعض سر هم در حکم سر است (۲) لکن زیر دوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد. (م ۴۱۳-۴۱۴-۴۲۱)
- [۱۰۸] م- اگر با علم به مسأله و عمداً سر را بپوشاند به نحوی از انحاء کفاره (۳) آن یک گوسفند است و احتیاط واجب (۴) کفاره است برای پوشاندن بعض سر. (م ۴۲۴-۴۲۷)
- [۱۰۹] م- احوط آن است که اگر مکرر سر را بپوشانید مکرر کفاره بدهد گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و بعید نیست واجب نبودن (۵) آن. و اگر سر را بپوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را بپوشانید، احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست. (۶) (م ۴۲۵-۴۲۶)
- [۱۱۰] م- اگر محرم سر خود را با چیز دوخته‌ای که پوشیدن آن موجب کفاره

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: زیر آب بردن بعض سر جایز است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط واجب کفاره‌اش یک گوسفند است

۴- آیه‌الله فاضل و خامنه‌ای: پوشاندن بعض سر کفاره ندارد. آیه‌الله خامنه‌ای اضافه فرموده‌اند: مگر این که عرفاً صدق کند که سر را پوشانده است، مثل این که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد که در این صورت بنا بر احتیاط یک گوسفند قربانی کند

۵- آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری: واجب است کفاره متعدد بدهد. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم: به احتیاط واجب، تعدد کفاره است

۶- آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: کفاره متعدد می‌شود. آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، نوری: به احتیاط واجب، کفاره باید کفاره متعدد بدهد

است، مثل کلاه بپوشاند باید کفاره بدهد (۱) جز در صورت جهل و فراموشی. (س ۵۲۶)  
[۱۱۱] م- پوشانیدن سر از روی اضطرار ظاهراً کفاره دارد. (۲) (مناسک م ۴۸۱-۴۲۷، جامع الفتاوی م ۱۱۸)

### پوشانیدن صورت برای زنان

[۱۱۲] م- پوشانیدن زن (۳) روی خود را به نقاب و روبند و برقع و هر چیز اگر چه غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل جایز نیست بنا بر احتیاط (۴) و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند. (م ۴۲۸)

۱- آیه‌الله تبریزی: یک کفاره کافی است. آیه‌الله خویی، بهجت: بنا بر احتیاط دو کفاره دارد. آیه‌الله سیستانی: در مثل کلاه و عمامه که پوشیدن آن حرام است دو کفاره بنا بر احتیاط، ولی اگر مثلاً پیراهن خود را بر سر بگذارد بیش از یک کفاره لازم نیست. آیه‌الله مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یک کفاره دارد، ولی کلاه دوخته و مانند آن بنا بر احتیاط واجب دو کفاره دارد. نظر مقام معظم رهبری در دست نیست

۲- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: کفاره ندارد. آیات عظام امام، گلپایگانی، صافی: فرض اضطرار را برای عدم لزوم کفاره استثناء نفرمودند. ولی حضرت امام در بستن دستمال به سر برای سر درد، فرمودند کفاره ندارد. آیه‌الله نوری و مکارم: در بستن دستمال برای سر درد، کفاره احتیاط واجب است

۳- آیه‌الله بهجت: در غیر حال ضرورت، مانند تحفظ از مگس و مانند آن، در حال خوابیدن اشکالی ندارد

۴- آیه‌الله نوری: پوشاندن رو هر چند به چیزهای غیر متعارف جایز نیست

[۱۱۳] م- بعض صورت در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند (۱) اما زیر چانه، از صورت محسوب نمی‌شود. (مناسک ۴۲۹ و س ۵۰۵)

[۱۱۴] م- واجب است برای نماز سر را بپوشاند و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند لیکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند. (۲) (مناسک ۴۳۲)

[۱۱۵] م- اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد (۳) یا روی خود را برای خوابیدن بر روی بالش بگذارد مانع ندارد. (مناسک ۴۳۰-۴۳۱)

[۱۱۶] م- خشک کردن صورت با حوله یا دستمال بنابر احتیاط جایز نیست (۴) (مناسک ۵۰۶)

[۱۱۷] م- زن باید مواظب باشد که هنگام پوشیدن و یا در آوردن مقنعه (۵) و مانند آن صورتش پوشیده نشود لکن اگر از روی علم و عمد پوشیده نشود مانعی

۱- آیه‌الله مکارم: پوشاندن بعض صورت به طوری که به آن نقاب و برقع نگویند جایز است. آیه‌الله خامنه‌ای: پوشاندن گوشه‌هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن به طوری که پوشاندن صورت بر آن صدق نکند جایز است. آیه‌الله تبریزی، سیستانی: بنابر احتیاط. آیه‌الله فاضل: بنابر اقوی پوشاندن صورت در قسمت پایین آن یعنی از بینی تا چانه جایز نیست و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب

۲- نظر آیه‌الله خامنه‌ای و مکارم از پاورقی مسأله قبل روشن است. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط، پس از فراغت از نماز فوراً آن را باز کند

۳- آیه‌الله گلپایگانی متعرض این قسمت مسأله نشده‌اند

۴- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: خشک کردن به تدریج، به نحوی که صورت پوشانده نشود اشکالی ندارد. آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل: جایز نیست

۵- آیه‌الله مکارم: این مقدار پوشیدن مانعی ندارد

- [۱۱۸] م- جایز است برای رو گرفتن از نامحرم (۱) چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی بلکه چانه بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست (م ۴۳۳)
- [۱۱۹] م- بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت نجسبد بلکه این کار احوط است. (۲) (م ۴۳۴)
- [۱۲۰] م- در نقاب انداختن و پوشاندن صورت به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است. (۳) (م ۴۳۶)

### استفاده از بوی خوش

- [۱۲۱] م- استعمال عطریات از قبیل مشک و زعفران و عود و عنبر بلکه مطلق (۴) عطر جایز نیست چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن به لباس و بدن و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد اگر چه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد. (م ۳۳۵)

۱- آیه‌الله بهجت: بلکه مطلقاً آیه‌الله سیستانی: در جایی که نامحرم نیست این گونه پوشش جایز نیست

۲- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارند. آیه‌الله تبریزی، خویی: این احتیاط ترک نشود

۳- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: باید یک گوسفند کفاره بدهد. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد

۴- آیه‌الله تبریزی: در غیر از این چهار چیز و ورس احتیاط استجابی است. (از اینجا نظر ایشان در مسائل بعدی روشن می‌شود). آیه‌الله بهجت، خویی: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از این‌ها است



- [۱۲۲] م- خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد مثل زعفران جایز نیست. (م ۳۳۶)
- [۱۲۳] م- اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد اضطراب پیدا کند باید (۱) دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد. (م ۳۳۷)
- [۱۲۴] م- از گل ها یا سبزی هایی که بوی خوش می دهد باید (۲) اجتناب کند مگر بعضی انواع که صحرایی است مثل بو مادران و درمنه و خزامی که می گویند از خوشبوترین گل ها است. (م ۳۳۸)
- [۱۲۵] م- از میوه های خوشبو از قبیل سیب و به اجتناب لازم نیست و خوردن آنها و بوئیدن آنها مانع ندارد لیکن احتیاط (۳) آن است که بوئیدن را ترک کند. (مناسک م ۳۴۰)
- [۱۲۶] م- مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوشبو می کنند حرام نیست لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست احتیاط آن است که از بوی خوشی که در کعبه است اجتناب کند. (۴) (م ۳۴۴)
- [۱۲۷] م- اقوی (۵)، حرمت گرفتن دماغ از بوی بد است، لکن فرار کردن از بوی

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه ای، خویی: بنابر احتیاط لازماً **لَا مَأْیَةَ اللَّهِ** مکارم: مگر این که موجب عسر و حرج باشد

۲- آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب از تمام گل ها اجتناب کند. نظر آیات عظام تبریزی، بهجت، خویی، درمسائل قبل گذشت

۳- آیات عظام خامنه ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب از بوئیدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: این احتیاط لازم نیست. **آیة اللَّهِ** سیستانی: بعید نیست که اجتناب از بوی خوش کعبه لازم نباشد. و بتوان آن را استشمام کرد

۵- **آیة اللَّهِ** تبریزی: بنابر احتیاط واجباً **لَا مَأْیَةَ اللَّهِ** فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده و لکن کفاره ندارد

بد و به سرعت رفتن عیب ندارد. (م ۳۴۱)

[۱۲۸] م- خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لیکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند. (م ۳۴۲)

[۱۲۹] م- استعمال شامپو و صابون و خمیر دندان اگر صدق بوی خوش کند جایز نیست (۱) و در غیر این صورت مانع ندارد.

(۲) (س ۴۹۵)

[۱۳۰] م- کفاره استعمال (۳) بوی خوش یک گوسفند است بنا بر احتیاط واجب (۴). (م ۳۴۳)

## محرمات احرام

### سرمه کشیدن

[۱۳۱] م- سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند (۵)

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند. آیات الله تبریزی جایز است

۲- آیه الله مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانعی ندارد

۳- آیات عظام بهجت، فاضل، صافی، گلپایگانی، مکارم: در صورت عمد ..

۴- آیه الله خامنه‌ای: احتیاط مستحب است آیه الله سیستانی: این احتیاط در خوردن خوشبو و پوشیدن لباس معطر است و در غیر این دو مورد کفاره واجب نیست

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر قصد زینت نکند بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند. آیه الله مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت، زینت و عدم زینت است. آیه الله بهجت: اگر با سرمه سیاه قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد

حرام است و احتیاط واجب (۱) اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنا بر اقوی (۲) حرام است. (م ۳۵۹)

[۱۳۲] م- حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است. (م ۳۶۰)

[۱۳۳] م- در سرمه کشیدن کفاره نیست (۳) لیکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط (۴) کفاره دادن است. (م ۳۶۱)

[۱۳۴] م- در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن مانعی ندارد. (م ۳۶۲)

### پوشیدن زیور

[۱۳۵] م- محرم باید از هر چیزی که زینت حساب می شود اجتناب کند (۵) هر چند قصد او زینت نباشد (۶) (جامع الفتاوی م ۱۴۴) (مناسک م ۳۶۵ و ۳۸۸)

۱- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: به احتیاط واجب اجتناب کند از سرمه غیر سیاه اگر با قصد زینت باشد

۲- آیه الله بهجت: بنا بر احوط. آیه الله تبریزی و خویی: در مسأله استعمال بوی خوش گذشت

۳- آیه الله تبریزی: در سرمه سیاه به قصد زینت بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند و در سرمه سیاه بدون قصد زینت و یا سرمه غیر سیاه با قصد زینت بنا بر احتیاط مستحب. آیه الله خویی: بنا بر احتیاط باید یک گوسفند کفاره بدهد. آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب

۴- آیه الله فاضل: اگر بوی خوش آن در لحظه سرمه کشیدن قابل استشمام باشد، بنا بر اقوی کفاره است و الا بنا بر احتیاط مستحب کفاره بدهد. آیه الله مکارم: و مقدار کفاره یک گوسفند است

۵- آیه الله خامنه ای، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب

۶- آیه الله فاضل، بهجت: اگر قصد زینت نداشته باشد مانعی ندارد

[۱۳۶] م- انگشتر به دست کردن به جهت (۱) زینت جایز نیست (۲) و اگر برای استحباب یا غرض دیگر باشد مانعی ندارد. (مناسک م ۳۸۷)

[۱۳۷] م- احتیاط واجب (۳) آن است که محرم حنا برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد و لو قصد نکند احتیاط در ترک است بلکه حرمت (۴) آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست. و اگر قبل از احرام حنا ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد ولی احتیاط خوب است. (۵) (م ۳۸۸-۳۸۹)

[۱۳۸] م- عینک زدن اگر زینت نباشد اشکالی ندارد ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست. (۶) (م ۳۶۵)

[۱۳۹] م- پوشیدن زیور برای زن به جهت زینت حرام است بلکه اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته

۱- آیه‌الله خامنه‌ای: اگر عرفاً زینت محسوب می‌شود بنا بر احتیاط باید اجتناب کند، گر چه قصد زینت نکند

۲- آیه‌الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب آیه‌الله مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: حناستن در صورتی که زینت محسوب شود بر محرم حرام است. آیه‌الله سیستانی: ولی استعمال حنا به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و مانند آن اشکالی ندارد

۴- آیه‌الله فاضل: حرمت محل اشکال است

۵- آیه‌الله مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد

۶- آیه‌الله فاضل: در صورتی که به قصد زینت استفاده کند جایز نیست. آیه‌الله خامنه‌ای، سیستانی: اگر عرفاً زینت محسوب شود بنا بر احتیاط جایز نیست. آیه‌الله بهجت: اگر به قصد زینت نباشد عیبی ندارد

باشد، بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست. (۱) (م ۳۹۱)

[۱۴۰] م- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد (۲) ولی نباید (۳) آنها را به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود. (م ۳۹۲-۳۹۳)

### روغن مالیدن

[۱۴۱] م- احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن و پماد چرب (۴) است اگر چه بوی خوش در آن نباشد. (م ۳۹۵ و س ۵۰۰)

[۱۴۲] م- جایز نیست پیش از احرام روغنی که بوی خوش در آن است را استعمال کند اگر اثرش تا وقت احرام باقی می ماند (۵) (م ۳۹۶)

[۱۴۳] م- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن یا پماد بمالد عیبی ندارد (م ۳۹۷ س ۵۰۰)

[۱۴۴] م- خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

(م ۳۹۸)

---

۱- آیه الله سیستانی: اگر به قصد زینت نباشد ولی عرفاً زینت محسوب شود، احتیاط واجب در ترک است. آیه الله فاضل: بدون قصد زینت احتیاط مستحب در ترک است

۲- آیه الله فاضل: اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد

۳- آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرمانه ظاهر نسازد و نشان ندهد

۴- آیه الله مکارم: پماد مطلقاً حرام است و لو چرب نباشد

۵- آیه الله سیستانی: ولی اگر در آن عطر نباشد بلکه خودش خوشبو باشد اشکال ندارد. آیه الله بهجت: و در صورت استعمال در فرض امکان، باید احرام را تا زمان زائل شدن بوی خوش به تأخیر بیندازد

[۱۴۵] م- اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست (۱) و اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند (۲) است اگر چه از روی اضطرار (۳) باشد. (م ۳۹۹-۴۰۰)

### ناخن گرفتن

[۱۴۶] م- جایز نیست محرم ناخن دست یا پای خود را بگیرد و فرقی نیست بین آلات ناخن گیری، قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر و احتیاط (۴) واجب آن است که از زاله ناخن نکند به هیچ وجه، حتی به سوهان و دندان. (مناسک ۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶)

۱- آیه‌الله تبریزی، خوئی: در فرض علم و عمد، کفاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. و اگر از روی نادانی باشد کفاره‌اش بنابر احتیاط، اطعام یک فقیر است

۲- آیه‌الله خامنه‌ای: اگر روغن را معطر کرده باشند، مانند کرم‌های معطر و امثال آن، احتیاط آن است که یک گوسفند ذبح کند، گرچه واجب نبودن این احتیاط بعید نیست. آیه‌الله سیستانی: اگر محرم با علم و آگاهی و از روی عمد، بدن خود را با روغن خوشبو روغن مالی نماید، بنابر احتیاط باید یک گوسفند کفاره بدهد، هر چند از روی اضطرار باشد و اگر بدون علم و آگاهی این کار را کرده باشد بنابر احتیاط کفاره آن اطعام یک فقیر است. آیه‌الله فاضل: در خوردن آن کفاره یک گوسفند است، ولی در غیر مصرف خوردن هم احتیاطاً کفاره بدهد. آیه‌الله نوری: کفاره مالیدن روغن به بدن یک گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد

۳- آیه‌الله بهجت، تبریزی: بنابر احتیاط. آیه‌الله فاضل: در حال اضطرار کفاره ثابت نیست. آیه‌الله مکارم: در غیر مورد ضرورت کفاره آن احتیاطاً یک گوسفند است

۴- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل، سیستانی، مکارم: از زاله ناخن به هیچ وسیله‌ای جایز نیست

[۱۴۷] م- گرفتن ناخن دیگری توسط محرم عیبی ندارد گرچه دیگری نیز محرم باشد. بنابراین محرم می‌تواند ناخن محرم دیگری را برای تقصیر بگیرد.

(مناسک ۵۲۲-۵۲۳)

[۱۴۸] م- جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آن که موجب آزار شود مثل آن که بعض از آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد (۱). و هرگاه محتاج شد به گرفتن ناخن احتیاط واجب (۲) آن است که كفاره به همان نحو (یک مد برای هر ناخن) بدهد. (م ۴۵۴-۴۶۷)

[۱۴۹] م- اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید كفاره بدهد و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همچنین در ناخن‌های پا. (م ۴۵۸)

[۱۵۰] م- اگر تمام ناخن دست‌ها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند كفاره آن است. (م ۴۵۹)

[۱۵۱] م- اگر ناخن دست‌ها را تماماً بگیرد در یک یا چند مجلس و در محل دیگر یا چند محل ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند كفاره آن است. (۳) (م ۴۶۰)

[۱۵۲] م- اگر تمام ناخن دست‌ها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخن‌های پا یک مد

---

۱- آیه‌الله تبریزی، خوئی: در این صورت گرفتن ناخن جایز است و برای هر ناخن یک مشت طعام كفاره بدهد. آیه‌الله صافی، گلپایگانی: كفاره آن یک مد طعام است

۲- آیه‌الله سیستانی: كفاره بدهد. آیه‌الله فاضل: و می‌تواند برای هر ناخن یک کف از طعام كفاره بدهد

۳- آیه‌الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب. آیه‌الله بهجت: با عدم تخلل تکفیر برای هر ناخنی در اثنای هر یک از دست‌ها و پاها و گرنه متوجه کفایت مد است برای هر یک از ناخن‌های باقی مانده در دست‌ها یا در پاها

طعام باید بدهد و همچنین اگر ناخن پاها را تماماً بگیرد و ناخن دست‌ها را کمتر از ده بگیرد. (۱) [۱۵۳] م- اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت، برای هر یک، یک مد طعام باید بدهد و احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند ذبح کند. (۲)

### زدودن مو

- [۱۵۴] م- ازاله مو از بدن خود یا دیگری چه محرم باشد چه محل جایز نیست و فرقی نیست میان کم و زیاد، بلکه ازاله یک مو نیز حرام است. (۳) (م ۴۰۱)
- [۱۵۵] م- در ازاله مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن. (مناسک م ۴۰۴) همان طور که فرقی میان اعضای بدن نیست. (جامع الفتاوی م ۱۶۴)
- [۱۵۶] م- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد (۴) مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می‌کند. (م ۴۰۲)
- [۱۵۷] م- اگر در وقت غسل یا وضو، (۵) مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد. (م ۴۰۳)

۱- آیه‌الله فاضل: در هر دو فرض، غیر از گوسفند کفاره‌ای ثابت نیست

۲- آیه‌الله فاضل: باید یک گوسفند کفاره بدهد. آیه‌الله خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند. آیه‌الله نوری: بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره دهد

۳- آیه‌الله سیستانی: بلکه حتی ازاله جزئی از یک مو نیز جایز نیست

۴- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: گناه ندارد ولی کفاره دارد

۵- آیه‌الله سیستانی: یا تیمم یا تطهیر از خبث یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن. (م ۴۰۳) آیه‌الله خامنه‌ای: یا تیمم (جامع الفتاوی م ۱۶۶)



[۱۵۸] م- کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد دوازده مد طعام است که باید به شش (۱) مسکین بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند و مد تقریباً ده سیر است. و احتیاط واجب (۲) آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن، کفاره تراشیدن را بدهد. (م ۴۰۵ و ۴۰۸)

[۱۵۹] م- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد بلکه تعیین گوسفند در این صورت بعید نیست (۳). (م ۴۰۶)

[۱۶۰] م- اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند (۴) ذبح کند برای کفاره، بلکه احتیاط (۵) آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد. (م ۴۰۷)

[۱۶۱] م- اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که مثلاً محلی سر او را بتراشد حرام است و باید کفاره بدهد ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد حتی

۱- آیه‌الله گلپایگانی: صدقه دادن ده مد به ده مسکین کفایت می‌کند، اگر چه دوازده مد به شش مسکین بهتر است. آیه‌الله بهجت: یا اطعام ده مسکین است که به هر یک یک مد داده شود، بلکه بنابر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند، اگر چه بیش از یک مد باشد طعام داده شود و احتیاط در رعایت اکثر از مدو اشباع است

۲- آیه‌الله بهجت، خویی: بلکه واجب است

۳- آیه‌الله بهجت: حکم آن مانند مسأله قبل است (تخیر)

۴- آیه‌الله نوری: احتیاط آن است که برای زیر هر بغل یک گوسفند ذبح کند

۵- آیه‌الله مکارم، گلپایگانی: این حکم واجب است. آیه‌الله بهجت، فاضل: در کندن موی زیر یک بغل سه مسکین را طعام بدهد. آیه‌الله سیستانی: در کندن موی زیر بغل حکم همین است و اگر به نحو دیگری غیر از کندن، موی زیر بغل را ازاله کند، بنابر احتیاط واجب همین حکم است

[۱۶۲] م- اگر عمداً دست به سر یا ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط (۱) آن است که یک کف طعام صدقه بدهد هر چند التفات به افتادن مو نداشته باشد. (م ۴۰۹ و س ۵۰۱)

### سایه قرار دادن بالای سر برای مردان

[۱۶۳] م- سایه قرار دادن از برای مردان جایز نیست و برای زنها و بچه‌ها جایز است و کفاره هم ندارد. (م ۴۳۷)

[۱۶۴] م- حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص به حال منزل طی کردن است و اما درحالی که در محلی منزل کرده در منا باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن مانع ندارد (۲) و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منا از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود اگر چه احتیاط مستحب (۳) ترک آن است در حال راه رفتن. و نیز جایز است بعد از آن که محرم به منزل رسید و لو در محله‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند می‌تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشین‌های مسقف سوار شود یا زیر سایه برود. (م ۴۳۸ - ۴۹۰)

[۱۶۵] م- احتیاط آن است که در وقت طی منزل، به پهلوی محمل یا هر

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: باید یک مشت طعام بدهد. آیه‌الله مکارم: منظور از یک کف طعام مقداری غذا است. آیه‌الله خامنه‌ای: وجوب این احتیاط معلوم نیست

۲- آیه‌الله تبریزی، سیستانی: رفتن زیر سایه ثابت در این صورت مانعی ندارد ولی بنا بر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت برای خود سایه بان درست کند، مثل آن که چتر بردارد و یا سوار ماشین سقف دار شود

۳- آیه‌الله خویی: در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط، سوار ماشین سقف دار نشوند

چیزی که بالای سر او نباشد استظلال نکند، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست (۱) (م ۴۴۰)

[۱۶۶] م- در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن بین سواره و پیاده فرق نیست. (۲) (م ۴۴۵)

[۱۶۷] م- در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت

(۳) مثل پل و غیره نیست ولی اگر ماشینی از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار محرمین از زیر پل‌ها عبور کنند و یا

در محل پمپ بنزین در زیر سقف متوقف شوند و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی‌شود و کفاره ندارد. (م ۴۸۲-۴۸۸)

(۴۸۸)

[۱۶۸] م- نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست (۴) بنابراین

بعید نیست جایز بودن

۱- آیه‌الله خویی: اظهر حرمت آن است. آیه‌الله سیستانی: برای پیاده مطلقاً جایز است و سواره احتیاطاً اجتناب کند مگر این که کوتاه

باشد که سر و سینه را فرا نگیرد. آیه‌الله تبریزی، خویی: بنا بر احتیاط

۲- آیه‌الله تبریزی، خویی: بنا بر احتیاط

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری: عبور از زیر سایه ثابت اشکال ندارد. آیه‌الله

گلپایگانی: احتیاط آن است که روز به اختیار خود از تونل‌هایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند نرود

۴- آیه‌الله خویی: مراد از استظلال، تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است پس اگر هیچ کدام از اینها نباشد

استظلال جایز است و فرقی بین شب و روز نیست و در فرض شک که آیا وجود مظله و عدمش یکسان است جایز است. آیه‌الله

سیستانی و مکارم: جایز است، مگر در شب‌های بارانی که باید کفاره بدهد آیه‌الله سیستانی اضافه نموده‌اند: و در شب‌های بارانی

بنا بر احتیاط جایز هم نیست. آیه‌الله خامنه‌ای: احتیاط به ترک تظلیل در شب‌های بارانی و سرد ترک نشود، مگر این که موجب حرج

باشد. آیه‌الله تبریزی: بنا بر احتیاط در حرمت تظلیل فرقی بین شب و روز نیست

نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند. (م ۴۴۴)

[۱۶۹] م- نظر به این که مسجد تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، کسی که از مسجد تنعیم برای عمره محرم شده است

می تواند (۱) سوار ماشین سقف دار شود یا زیر سایه دیگری برود (س ۵۰۹ و ۵۱۰)

[۱۷۰] م- سایه قرار دادن به غیر سر مانند شانه و دیگر اعضای بدن مانعی ندارد. (۲) (س ۵۱۶)

[۱۷۱] م- محرم به محض رسیدن به مکه می تواند (۳) استظلال نماید هر چند هنوز به محل سکونت نرسیده باشد. (س ۵۲۰)

[۱۷۲] م- استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است لیکن باید کفاره بدهد. (م

۴۴۷)

[۱۷۳] م- کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با

---

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط استظلال نکنند، آیه الله تبریزی اضافه فرموده اند: تا مسجد الحرام یا

محل اقامت استظلال نکنند. آیه الله خویی اضافه فرموده اند: تا دخول در مکه سابق استظلال نکند

۲- آیه الله بهجت، خویی: برای بدن هم نباید سایه بان قرار دهد. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: بنابر احتیاط نباید برای بدن هم

سایه بان قرار دهد

۳- آیه الله تبریزی سیستانی: بعد از رسیدن به مکه هم بنابر احتیاط نمی تواند در حال حرکت برای خود سایبان درست کند، مثل این

که چتر بردارد یا سوار ماشین سقف دار شود. بلی رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد. آیه الله خویی: بنابر احتیاط تا در مکه قدیم داخل

نشده استظلال نکند

عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار، بنا بر احتیاط (۱) واجب. (م ۴۴۸)

[۱۷۴] م- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد (۲) (م ۴۴۹)

[۱۷۵] م- اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله سوار اتومبیل سقف دار شد و بعد از توقف اتومبیل و پیاده شدن متوجه شد، کفاره ندارد، ولی اگر در حال حرکت متوجه شد، برای مقداری که تا زمان ایستادن اتومبیل به ناچار زیر سقف قرار دارد باید کفاره بدهد. (۳) (س ۵۱۱-۵۱۴)

### عقد کردن

[۱۷۶] م- عقد کردن زن در حال احرام جایز نیست خواه خودش صیغه عقد را بخواند یا غیر، چه آن غیر احرام بسته باشد یا احرام نبسته باشد و مُحل باشد و فرقی بین زن عقدی و صیغه‌ای نیست و همچنین است اگر محرم برای دیگری صیغه عقد بخواند گرچه او محرم نباشد. (م ۳۳۱ و سوم از محرمات احرام)

[۱۷۷] م- اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود. (م ۳۲۹)

[۱۷۸] م- اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم (۴) باشند بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است و اگر دخول نکند کفاره نیست و در این حکم فرق نیست بین آن که زن و عاقد، مُحلّ باشند یا

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: فرقی بین اختیار و اضطرار نیست

۲- آیه الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روز یک کفاره بدهد

۳- آیه الله مکارم: در این صورت هم کفاره ندارد

۴- آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: عالم به حکم و موضوع

محرم و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند بر آن که می‌داند کفاره است. (م ۳۳۲)

[۱۷۹] م- جایز نیست (۱) شخص محرم، برای عقد شاهد شود، گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد و احتیاط (۲) آن است که شهادت ندهد بر عقد اگر چه شاهد عقد شده باشد در حال محرم نبودن، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست. (م ۳۲۵-۳۲۶)

[۱۸۰] م- احتیاط (۳) آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند او را با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را و در صورت علم به مسأله او را طلاق دهد و با او هیچ وقت ازدواج نکند. (م ۳۳۲)

[۱۸۱] م- اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط (۴) در ترک است. (م ۳۲۷)

۱- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب

۲- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: شهادت بر عقد جایز نیست اگر چه پیش از احرام شاهد شده باشد. آیه‌الله بهجت و مکارم: به احتیاط واجب جایز نیست. آیه‌الله تبریزی، خویی: بعضی از فقها فرموده‌اند که گواهی بر عقدی که قبلاً واقع شده نیز بر محرم حرام است ولی دلیلش ظاهر نیست

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در صورتی که زن محرم باشد و مرد محرم نباشد این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده، موجب حرمت ابدی می‌شود. البته آیه‌الله سیستانی، فاضل: حرمت ابدی را مبنی بر احتیاط می‌دانند. آیه‌الله صافی و گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که دیگر با او ازدواج نکند، بلکه عدم جواز خالی از قوت نیست

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب نباید خواستگاری کند

[۱۸۲] م- رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد. (م ۳۴۸)

### نگاه کردن به همسر از روی شهوت

[۱۸۳] م- جایز نیست محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند. (۱) (دوم از محرمات احرام)

[۱۸۴] م- اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود، مشهور (۲) آن است که یک شتر کفاره است، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد (۳). (م ۳۲۱)

[۱۸۵] م- اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود (۴) و انزالش شود (۵) احوط (۶) آن است که اگر می‌تواند یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر آن را هم نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد. (م ۳۲۰)

[۱۸۶] م- محرم نمی‌تواند زن خود را با شهوت لمس (دست بازی کردن) کند و اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزال نشود یک گوسفند کفاره آن

۱- آیه‌الله سیستانی: این در صورتی است که موجب خروج منی شود و احتیاط مستحب آن است که اگر نگاه با شهوت موجب خروج منی نشود از آن هم پرهیز کند

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، فاضل: باید یک شتر کفاره بدهد

۳- آیه‌الله مکارم: اگر از روی شهوت نگاه کند و منی خارج نشود یک گوسفند کفاره دارد. (جامع الفتاوی م ۱۹۳) آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی: اگر از روی شهوت باشد و منی انزال نشود کفاره ندارد

۴- آیه‌الله بهجت و سیستانی: در صورتی که نگاه او حرام باشد

۵- آیه‌الله بهجت، سیستانی: و اگر انزال نشود کفاره ندارد

۶- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: اقوی آن است که ...

است و اگر انزال شود احتیاط (۱) آن است که یک شتر کفاره بدهد اگر چه کفایت گوسفند خالی از قوت نیست. (دوم از محرمات احرام و م ۳۲۲)

[۱۸۷] م- اگر محرم با زن خود ملاعبه کند و منی از او خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد. (۲) (جامع الفتاوی م ۱۹۶) و (حاشیه م ۳۲۲ مناسک محشی)

### بوسیدن زن

[۱۸۸] م- جایز نیست محرم زن را از روی شهوت ببوسد و اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر (۳) است و اگر بدون شهوت ببوسد (۴) کفاره آن یک گوسفند (۵) است و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد.

[۱۸۹] م- شخص مُجَلَّ می‌تواند (۶) همسر محرم خود را ببوسد ولی اگر فرد محرم لذت ببرد بنا بر احتیاط نباید اجازه بدهد. (۷) (م ۴۹۴-۴۹۳)

۱- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: در صورت انزال واجب است یک شتر کفاره بدهد. آیه‌الله فاضل، مکارم، نوری: بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره بدهد. آیه‌الله خامنه‌ای: کفاره ملاعبه منتهی به امناء در حال احرام یک شتر است

۲- موافق با فتاوی آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: فتاوی بقیه آیات عظام در دست نیست

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در صورتی که منی خارج شود یک شتر لازم است. آیه‌الله بهجت و خویی اضافه فرموده‌اند: و اگر منی خارج نشود بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره بدهد

۴- آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: و یا با شهوت ببوسد و منی خارج نشود

۵- آیه‌الله گلپایگانی: در این صورت کفاره دادن شتر خالی از قوت نیست. آیات عظام بهجت، سیستانی، صافی، نوری: بنا بر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بدهد

۶- آیه‌الله سیستانی جایز نیست

۷- آیات عظام بهجت، سیستانی، صافی، گلپایگانی: در این فرض زن نباید اجازه دهد



## جماع کردن

جماع کردن با زن در حال احرام بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن (۱) حرام است. (دوم از محرمات احرام) [۱۹۰] م- اگر کسی از روی علم و عمدتاً در عمره مفرده جماع نماید (۲) باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند (۳) یک گوسفند کافی است. و چنانچه این عمل پیش از سعی باشد باید آن عمره را تمام کند و تا ماه قمری بعد (۴) در مکه بماند سپس به یکی از مواقیع پنج گانه (۵) رفته و احرام ببندد و عمره قبل را اعاده نماید و اگر بعد از سعی باشد عمره اش صحیح است. (جامع الفتاوی م ۱۹۹)

## استمناء

[۱۹۱] م- استمناء یعنی طلب بیرون آمدن منی به دست یا غیر آن، هر چند به خیال باشد، با به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر به هر نحو باشد. پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر (۶) است و احتیاط واجب آن است که در جایی که

۱- آیه‌الله صافی، گلپایگانی: برای زنان همین حکم نسبت به مردان صادق است. آیه‌الله تبریزی، خویی، سیستانی: محرم می‌تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد ولی احتیاط مستحب ترک استمتاع است مطلقاً

۲- آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: متذکر این مسأله نشده‌اند

۳- آیه‌الله بهجت: اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد. آیه‌الله فاضل و مکارم: متذکر فرض عجز از شتر نشده‌اند

۴- آیه‌الله بهجت: ماندن در مکه تا ماه قمری بعد را قید نفرموده‌اند

۵- آیه‌الله فاضل: در صورتی که برای احرام عمره اول از ادنی الحل محرم شده باشد برای احرام عمره دوم نیاز نیست به یکی از مواقیع معروفه برود و ادنی الحل کافی است. آیه‌الله مکارم و بهجت: احرام از ادنی الحل کافی است

۶- (تذکر: آیات عظام غیر از آیه‌الله سیستانی و فاضل فقط استمناء در حج و عمره تمتع را متذکر شده‌اند و استمناء در عمره مفرده، از کلمات آنها استفاده نمی‌شود، چون قید قبل از مزدلفه و بعد از مزدلفه را آورده‌اند) آیه‌الله خامنه‌ای: و در فرض عجز یک گوسفند است. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: کفاره آن مانند کفاره جماع است. آیه‌الله سیستانی: استمناء با عضو تناسلی در عمره مفرده، حکم جماع در عمره مفرده را دارد بنا بر احتیاط واجب

جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان (۱) باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

### کندن دندان

[۱۹۲] م- کندن دندان بر محرم جایز نیست (۲) هر چند خون نیاید بنا بر

۱- آیه‌الله خامنه‌ای: اگر استمناء با کاری است که او با خود انجام می‌دهد حکم جماع را دارد و اگر استمناء به وسیله همسرش انجام شده احتیاط واجب آن است که به حکم جماع عمل کند. آیه‌الله تبریزی، خویی: اگر استمناء به صورت بازی با آلت بوده حکم جماع را دارد و اگر بدون بازی با آلت بوده بنا بر اظهر، حج و عمره اش فاسد نخواهد شد، هر چند احتیاط در اعاده خوب است. آیه‌الله سیستانی: استمناء با عضو تناسلی در عمره مفرده، حکم جماع در عمره مفرده را دارد بنا بر احتیاط واجب و استمناء به وسیله بوسیدن و یا ملاعبه و نگاه و دست زدن حکمش در مسائل قبل گذشت که مبطل عمره نیست و استمناء به وسیله تصور و خیال و یا شنیدن صدای زن و مانند آن بر محرم حرام است ولی کفاره ندارد و مبطل نیست. آیه‌الله فاضل: ظاهراً استمناء موجب بطلان نمی‌شود و استمناء زن نیز مانند مرد حرام و کفاره دارد

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: جایز است هر چند خون بیاید. آیه‌الله مکارم: اگر خون بیاید مکروه است

[۱۹۳] م- کندن دندان دیگری گرچه موجب خون آمدن شود مانعی ندارد. (۲) (س ۵۲۴)

[۱۹۴] م- برای کندن دندان احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره دهد. (۳) هر چند ضرورت داشته باشد. (م ۴۶۸ و س ۵۲۵)

### بیرون آوردن خون

[۱۹۵] م- بیرون آوردن خون از بدن خود جایز نیست. (۴) و همچنین جایز نیست به مثل خراشیدن بدن، خون از آن بیرون آورد و

همین طور به مسواک نمودن (۵)، خون از بُن دندان‌ها بیرون آورد. (م ۴۵۱ و بیستم از محرمات احرام)

[۱۹۶] م- بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان

---

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، مکارم: بدون خون ریزی حرام نیست. آیه‌الله صافی و گلپایگانی: کندن دندان حرام است هر چند خون نیاید

۲- آیه‌الله گلپایگانی متعرض این فرع نشده‌اند

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: کفاره ندارد. آیه‌الله خامنه‌ای: بدون خونریزی کفاره ندارد و با خونریزی در صورتی که کشیدن دندان ضرورت پیدا کند احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند کفاره دهد

۴- آیه‌الله بهجت: کاری که می‌داند موجب خروج خون از بدن می‌شود جایز نیست. آیه‌الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب. آیه‌الله مکارم: در غیر حال احتیاج و ضرورت مکروه است. (از اینجا حکم مسائل بعدی روشن می‌شود)

۵- آیه‌الله بهجت، خویی: بنابر احتیاط واجب. آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم: مسواک کردن عیبی ندارد گرچه بدانند خون خارج می‌شود

او را کشیدن حرام نیست (۱). (م ۴۵۰)

[۱۹۷] م- جایز است در حال احتیاج (۲) خون بگیرد به حجامت و غیر آن و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و خاریدن جَرَب در صورتی که موجب آزار است اگر چه از آن خون در آید. و نیز تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می شود تزریق نکند (۳) مگر در مورد حاجت و ضرورت. (م ۴۸۷-۴۵۲)

[۱۹۸] م- خون از بدن در آوردن کفاره ندارد. (۴) (م ۴۵۳)

## جدال

(یعنی گفتن لا والله و بلی والله)

[۱۹۹] م- گفتن کلمه لا- و کلمه بلی و در سایر لغات مرادف آن (۵) مثل نه و آری دخالتی در جدال ندارد بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا

۱- آیه الله سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم جایز نیست بنا بر احتیاط واجب

۲- آیه الله خویی: در حال ضرورت یا رفع ناراحتی

۳- آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت

۴- آیه الله تبریزی: کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است. آیات عظام خویی، خامنه‌ای، سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب کفاره اش یک گوسفند است

۵- آیه الله فاضل: در مرادف اشکال است و ظاهراً در جدال محرم خصوص لفظ لا- و بلی دخالت دارد. و نیز ظاهر کلام آیه الله خویی دخالت داشتن کلمه لا و بلی است. آیه الله تبریزی: احتیاط این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و نیز با الفاظی که مترادف آنهاست، از هر لغتی که باشد. آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط لازم گفتن کلمه آری و الله و بله والله و نه والله ملحق به آن است

ردّ غیر جدال است. (۱) (م ۳۷۳)

[۲۰۰] م- قسم اگر به لفظ الله باشد یا مرادف آن مثل خدا در زبان فارسی (۲)، جدال است و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد

ملحق به جدال نیست. (م ۳۷۴)

[۲۰۱] م- احتیاط واجب (۳) الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق

سماوات و ارض جدال محسوب می شود به احتیاط واجب. (م ۳۷۵)

[۲۰۲] م- در مقام ضرورت (۴)، برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن.

[۲۰۳] م- اگر مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد مثل این که بگوید تو را به خدا زحمت نکشید

اشکال ندارد. (م ۳۷۳ و حاشیه م ۳۷۶)

[۲۰۴] م- اگر در جدال راستگو باشد، در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست

۱- آیه الله سیستانی: به گفته بعضی از فقهاء جدال با قسم راست محقق نمی شود مگر این که سه مرتبه پی در پی باشد و این گفته

خالی از وجه نیست گرچه احتیاط ترک آن است حتی یکبار. (م ۳۷۷)

۲- آیه الله فاضل: مرادف الله به هر زبانی که باشد جدال محرم نمی باشد. آیه الله بهجت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهار عدم

الحاق به جدال محرم است. و اگر لفظ جلاله باشد حرام با آن محقق می شود، هر چند لفظ لا و بلی نباشد. آیه الله خوبی: بنا بر

احتیاط واجب مرادف الله به هر زبانی ملحق است

۳- آیه الله بهجت، فاضل: جدال محسوب نمی شود. آیه الله سیستانی: جدال محسوب می شود

۴- آیه الله سیستانی: از حرمت جدال استثناء می شود موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر ملکف باشد، مثلاً حق او را پایمال کنند

مگر استعفار و در سه مرتبه (۱) یا بیشتر (۲) کفاره آن یک گوسفند است مگر آن که بعد از سه مرتبه کفاره بدهد که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند. (۳) (م ۳۷۷-۳۸۱)

[۲۰۵] م- اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر (۴) بلکه خالی از قوت نیست. (م ۳۷۸)

[۲۰۶] م- اگر در جدال دروغ در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کند بعید (۵)

۱- آیه‌الله سیستانی و بهجت: اگر سه بار پی در پی باشد. آیه‌الله بهجت اضافه فرموده‌اند: و در حکم غیر صورت تتابع در فرض عدم تکفیر تأمل است

۲- آیه‌الله خویی: در جدال راست از بار سوم به بعد هر بار یک گوسفند کفاره بدهد. آیه‌الله گلپایگانی: متعرض مسأله نشده‌اند. آیه‌الله سیستانی: اگر پس از سه بار قسم خوردن پی در پی یا بیشتر و پس از فاصله سه بار دیگر پشت سر هم یا بیشتر قسم بخورد باید دو کفاره بدهد

۳- آیه‌الله فاضل: ثبوت کفاره محل اشکال است

۴- آیه‌الله بهجت: در مرتبه سوم، تخییر میان گاو و شتر خالی از وجه نیست و در مرتبه دوم بنا بر احتیاط یک گاو کفاره بدهد. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر (آیه‌الله تبریزی بنا بر احتیاط) و در مرتبه سوم یک گاو کفاره بدهد. (از اینجا حکم مسائل بعدی روشن می‌شود). آیه‌الله فاضل: به احتیاط واجب در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد. آیه‌الله مکارم: این قول موافق با احتیاط است

۵- آیه‌الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند. آیه‌الله فاضل: بلکه بعید نیست کفاره‌اش یک گاو باشد. آیه‌الله مکارم: بعید است، پس احتیاطاً باید یک گاو بدهد

نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفاره آن یک گوسفند باشد نه گاو. (م ۳۷۹)

[۲۰۷] م- اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد برای کفاره و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک گوسفند (۱) کفاره است و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک گاو کفاره (۲) آن است. (م ۳۸۰)

### فسوق

یکی دیگر از محرمات احرام فسوق است.

[۲۰۸] م- فسوق اختصاصی به دروغ گفتن (۳) ندارد بلکه فحش دادن و فخر به (۴)

۱- آیه‌الله تبریزی: باید یک گاو کفاره بدهد و گاوی را که قبلاً ذبح کرده کافی نیست زیرا چنانچه گذشت در مرتبه دوم باید گوسفند ذبح کند. بله اگر بار دوم که جدال کرد و گوسفند ذبح کرد برای بار سوم فقط یک گوسفند بدهد و برای بیشتر از سه بار هر بار یک گوسفند بدهد و اگر بعد از دادن دو گوسفند سه مرتبه یا بیشتر جدال کرد یک گاو باید ذبح کند. آیه‌الله فاضل: بعید نیست کفاره اش یک شتر باشد

۲- آیه‌الله سیستانی: به حاشیه مسائل قبل مراجعه شود. آیه‌الله فاضل: بعید نیست کفاره اش دو شتر باشد. آیه‌الله مکارم: مانند مسأله قبل است. آیه‌الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند. آیه‌الله خویی: در جدال دروغ از مرتبه سوم به بعد برای هر بار یک گاو باید بدهد و فرقی نمی‌کند که بین آن کفاره داده باشد یا نه

۳- آیه‌الله بهجت: دروغ گفتن و دشنام دادنی که بر غیر محرم حرام است و نیز مفاخرتی که بر غیر محرم حرام است مراد است

۴- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: فخر کردن در صورتی که مستلزم اهانت و تحقیر دیگران نباشد حرام نیست

دیگران نیز فسوق است و از برای فسوق کفاره نیست فقط باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است. (م ۳۷۲)

### کشتن جانوران و حشرات

[۲۰۹] م- کشتن جانورانی که در بدن (۱) ساکن می شوند. (کشتن حشراتی که روی بدن قرار می گیرد) مثل شپش و کک و کنه (۲) که در بدن حیوان است بر محرم حرام می باشد ولی کشتن جانورانی مثل مارمولک و نظائر آن از محرّمات احرام محسوب نمی شود (۳) (مناسک دوازدهم از محرّمات احرام و س ۴۹۱)

[۲۱۰] م- جایز نیست (۴) انداختن شپش و کک از بدن و جایز نیست (۵) نقل کردن آن از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد. و احتیاط مستحب (۶)

۱- آیه الله فاضل: بدن انسان یا حیوان

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: کشتن شپش در حال احرام جایز نیست ولی در مورد پشه و کک احتیاط واجب نکشتن آنها است اگر ضرری متوجه انسان نباشد، اما تاراندن آنها جایز است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی: جایز نیست مگر محرم را اذیت کند. آیه الله مکارم: کشتن هیچ حیوانی بنابر احتیاط واجب جایز نیست مگر حیوان مودی. آیه الله بهجت: اشکال دارد. آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند

۴- آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب جایز نیست

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی فرموده اند: نقل آنها اشکال ندارد. آیه الله فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در عدم نقل است. آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب نقل جایز نیست

۶- آیه الله صافی، گلپایگانی: نباید آن را از محلی.... آیه الله مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب



آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظتر باشد. (م ۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵)  
[۲۱۱] م- بعید نیست که در کشتن یا نقل دادن این حشرات کفاره نباشد لیکن احتیاط (۱) یک کف طعام صدقه بدهد. (م ۳۸۶)

### شکار حیوانات صحرائی

[۲۱۲] م- شکار کردن حیوانی که وحشی است و همین طور کشتن و مجروح ساختن بلکه هر نوع اذیت آن بر محرم حرام است. (م اول از محرمات احرام و جامع الفتاوی م ۲۲۴)

[۲۱۳] م- جایز نیست شکار و کشتن حیوان صحرائی مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن. (م اول از محرمات احرام)

[۲۱۴] م- خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم (۲) (م ۳۰۴)

[۲۱۵] م- نشان دادن شکار به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی حرام است. (م ۳۰۵)

---

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط باید یک مشت از طعام به فقیر کفاره بدهد. آیه الله فاضل: این احتیاط در کشتن یا انداختن شپش واجب است. آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: در قتل زنبور باید چیزی از طعام صدقه بدهد. (م حاشیه م ۳۱۰ و جامع الفتاوی م ۲۲۳)

۲- آیه الله سیستانی: حتی اگر غیر محرم آن را در غیر محرم شکار کرده باشد. آیه الله مکارم: خواه قبل از احرام خودش شکار کرده باشد یا نه

[۲۱۶] م- شکار دریایی مانع ندارد و آن حیوانی است که تخم و جوجه هر دو را در دریا کند. (۱) (م ۳۰۷)

[۲۱۷] م- ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد. (م ۳۰۸)

[۲۱۸] م- پرندگان جزو شکار صحرائی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است. (م ۳۰۹)

[۲۱۹] م- کشتن ملخ برای محرم جایز نیست بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است چنانچه می‌تواند راه خود را تغییر دهد و اگر نمی‌تواند باید مواظب باشد ملخ‌ها را پایمال نماید ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکال ندارد. (جامع الفتاوی م ۲۳۱ و مناسک م ۳۰۹)

[۲۲۰] م- هر شکاری که حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام است (۲) (م ۳۱۳)

[۲۲۱] م- نگاه داشتن صیدی که با خود آورده حرام است اگر چه خودش مالک آن باشد. (م ۳۱۱)

[۲۲۲] م- شکار کردن حیوان صحرائی در حرم و کشتن آن جایز نیست و در این حکم فرقی میان محرم و غیر محرم نیست. (م ۱۱۷۹)

۱- آیات عظام تبریزی، سیستانی، گلپایگانی، نوری: حیوان دریایی آن است که در دریا و در آب زندگی کند. آیه‌الله فاضل: به نظر عرف زندگی او در دریا باشد. آیه‌الله مکارم: بنابر احتیاط واجب در دریا زندگی کند

۲- آیه‌الله سیستانی: و به احتیاط واجب نباید دیگری را در برداشتن و خوردن تخم آنها کمک کند

## سلاح در برداشتن

[۲۲۳] م- سلاح در برداشتن بنا بر احوط (۱) مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشد جایز نیست مگر برای ضرورت.

## کندن درخت و گیاه در حرم

[۲۲۴] م- کندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد (۲) جایز نیست و این حکم مختص به محرم نیست بلکه برای همه حرام است مگر درخت‌های (۳) میوه و درخت خرما و گیاه اذخر که گیاه معروفی است از این حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد. (م ۴۷۳-۴۷۸ و بیست و سوم از محرمات احرام)

[۲۲۵] م- اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد (۴). (م ۴۷۹)

[۲۲۶] م- اگر درختی را که جایز نیست کندنش بکند احتیاط (۵) آن است که اگر

۱- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: سلاح در برداشتن بر محرم حرام است

۲- آیه‌الله سیستانی: و نیز اگر اصل آن خارج حرم باشد و شاخه‌های آن در حرم باشد یا به عکس

۳- آیه‌الله فاضل: تنها شاخه‌هایی که در کمیّت یا کیفیت میوه‌ها تأثیر می‌گذارد را می‌تواند قطع کند. آیه‌الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست

۴- آیه‌الله بهجت: اگر علم به قطع شدن دارد و بدون ضرورت راه برود اشکال دارد

۵- آیه‌الله سیستانی، خویی: کفاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است. آیه‌الله سیستانی: بنا بر احتیاط، کفاره کندن هر درختی قیمت همان درخت است. آیه‌الله صافی: اگر گاو یا گوسفند را به قصد مافی الذمه از عین آنها یا قیمت درخت بدهد و قیمت درخت بیشتر نباشد کافی است

بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند (۱) و اگر بعضی از درخت را قطع کند اقوی آن است که قیمت آن را کفاره بدهد. (م ۴۷۴-۴۷۵)  
[۲۲۷] م- در قطع گیاهها کفاره نیست بجز استغفار. (م ۴۷۶)

### ارتکاب محرمات احرام از روی جهل یا فراموشی

[۲۲۸] م- کفاره محرمات احرام در صورتی واجب است که آن حرام با علم و عمدتاً انجام شود ولی اگر به جهت جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت باشد کفاره ندارد مگر در موارد ذیل:

- ۱- صید که در هر صورت کفاره دارد.
- ۲- کسی که طواف عمره یا حج را فراموش کند و پس از آن با زن نزدیکی کند. که کفاره آن خواهد آمد.
- ۳- کسی که دست به سر و ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد. (۲) (م ۱۳۲۰-۱۱۸۷- س ۵۰۱- م ۳۲۳)

### مستحبات ورود به حرم

- ۱- همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و جهت ورود به حرم، غسل نماید.
- ۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق- جلّ و علا- پابرنه شده و کفشهای خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

---

۱- آیه الله مکارم: احتیاط در هر دو صورت یک گاو است

۲- نظر آیات عظام در زدودن مو گذشت

۳- وقت ورود به حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَرِّجِ يَا تُوَكَّ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ اجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شَقِيهِ بَعِيدِهِ وَفَجِّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِتَدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَاحْسَانَتِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَىٰ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لِمَدِينَتِكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِتُدُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ يَدَنِي عَلَى النَّارِ وَأَمْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴- وقت ورود به حرم مقداری از گیاه مخصوصی به نام اذخر گرفته و بجود.

### مستحبات ورود به مکه معظمه

[۲۲۹] م- برای ورود به مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل نماید و هنگامی که وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه می‌رود، از بالای مکه وارد شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

### آداب ورود به مسجدالحرام

[۲۳۰] م- مستحب است مکلف برای ورود به مسجدالحرام غسل نماید. (۱) و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بنی شیبه در حال حاضر مقابل باب السلام است بنابراین بهتر آن است شخص از باب السلام وارد شده و

۱- آیه الله سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست. مگر برای طواف باشد

مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَیْ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَی إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگری وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَی أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَی خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَی الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَی إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِیَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَی الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَيْدَاءَ مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤَارِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مِيَاتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا بَيَّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

وَخَيْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَيِّمٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَأَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَأَدْرَأَ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالنَّاسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست‌ها را بلند کرده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

آنگاه به کعبه خطاب کند و بگوید:

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

وقتی روبروی حجرالأسود رسید بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ». و مستحب است رو به حجر الأسود بایستد و بگوید:

«أَلْحَمِدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَىٰ وَاخْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلِّمْ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوفِي بِعَهْدِكَ».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالأسود رسیدی، دست‌های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به‌جا آور و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَىٰ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ



و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتُ رَغْبَتِي فَأَقْبِلْ سُبُحَتِي وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ  
وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

### تذکر مهم

بوسیدن و استلام حجر الأسود: در صورت مزاحمت و شلوغی مستحب نیست و بنابر روایات معتبر، امام صادق علیه السلام به جهت اجتناب از مزاحمت برای مردم، از استلام حجر، خودداری کرده‌اند. و اگر استلام یا بوسیدن حجر موجب گناه شود، لازم است آن را ترک کند.

## طواف و بعضی از احکام آن

### اشاره

دوم از واجبات عمره طواف است.

کسی که محرم شد به احرام عمره و وارد مکه معظمه شد، اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است، آن است که، طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره.

[۲۳۱] م- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن؛ به نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است. (مناسک، مسأله ۵۳۱)

[۲۳۲] م- طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که طواف و اعمال مترتب بر آن را انجام ندهد از احرام خارج نمی شود.

چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد. (مناسک، مسأله ۵۳۲- س ۱۸۹- جامع الفتاوی عمره م ۲۴۴)

[۲۳۳] م- اگر از روی سهو ترک کرده (۱) طواف را، لازم است آن را به جا آورد هر وقت که باشد، (۲) و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد. (۳) (مناسک، مسأله ۵۳۵)

۱- آیه الله سیستانی: یا آن را به طور صحیح انجام نداده

۲- آیه الله فاضل: و سعی را نیز بنا بر احتیاط اعاده کند

۳- آیه الله مکارم: در این مدّت چیزی بر او حرام نیست

[۲۳۴] م- اگر سعی را به جا آورده، پیش از آن که طواف را به جا آورد، احتیاط واجب (۱) آن است که سعی را هم به جا آورد و اگر نماز طواف را به جا آورده، باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند. (مناسک، مسأله ۵۳۶)

[۲۳۵] م- اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده، باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند. (۲) (مناسک، مسأله ۶۳۰)

[۲۳۶] م- اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند (۳) و طواف دهند؛ اگرچه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند. (مناسک، مسأله ۵۳۷)

[۲۳۷] م- شخص مریض را که طواف می دهند باید مراعات شرایط و احکام

۱- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل: باید سعی را بعد از طواف اعاده نماید. آیه الله مکارم: این احتیاط در مورد سعی، مستحب است

۲- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر قبل از شوط چهارم سعی، یادش بیاید که طواف به جا نیاورده، سعی را رها کند و طواف را به جا آورد و سپس سعی را انجام دهد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم سعی بوده، آن را قطع کند و بعد از انجام طواف، سعی را اتمام و به احتیاط واجب آن را اعاده نماید

۳- آیه الله صافی، گلپایگانی: و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود، او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچگونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند. آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که به طوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود. آیه الله فاضل: و بهتر است در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود. آیه الله مکارم: و لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود

طواف را، به مقداری که برای او ممکن است، بکنند. (مناسک، مسأله ۵۳۸)

[۲۳۸] م- در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می تواند آهسته برود و می تواند تند برود و می تواند بدود و می تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند. لیکن بهتر آن است که به طور میانه روی برود. (مناسک، مسأله ۵۸۶)

### شرایط طواف

#### اشاره

- ۱- نیت
- ۲- طهارت
- ۳- مختون بودن
- ۴- ستر عورت
- ۵- شروع طواف از حجرالأسود و ختم به آن
- ۶- بودن کعبه در طرف چپ طواف کننده.
- ۷- داخل کردن حجر اسماعیل در طواف.
- ۸- رعایت محدوده طواف
- ۹- طواف نکردن روی شاذروان
- ۱۰- موالات.
- ۱۱- انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر

#### ۱- نیت

باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.

[۲۳۹] م- در طواف باید تعیین کند که برای عمره است یا حج و یا طواف مستحب است و قصد نیابت کند اگر طوافش نیابی است. (جامع الفتاوی عمره م ۲۵۲)

[۲۴۰] م- نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همان که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، کفایت می کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد. پس همانطور که انسان با قصد آب می خورد و راه می رود عبادت را اگر همانطور به جا آورد با نیت به جا آورده. (مناسک، مسأله ۵۳۹)

[۲۴۱] م- باید عبادت را برای اطاعت خدا بجا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد. (۱) (مناسک، مسأله ۵۴۰)

[۲۴۲] م- اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به جا آورد، طواف او و همینطور هر چه را اینطور به جا آورده باطل است و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است. (مناسک، مسأله ۵۴۱)

[۲۴۳] م- ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی شود. (مناسک، مسأله ۵۴۲)

[۲۴۴] م- کفایت می کند در صحیح بودن عمل، آن که برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا، یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب. (۲) (مناسک، مسأله ۵۴۳)

[۲۴۵] م- اگر در عملی که برای خدا می آورد، رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است. (مناسک، مسأله ۵۴۴)

۱- آیه الله سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود؛ خواه اطاعت صدق کند یا نکند

۲- آیه الله سیستانی: در فرض صدق معیار مذکور در حاشیه قبلی

## ۲- طهارت

## اشاره

- طواف کننده باید طاهر باشد از حدث اکبر؛ مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر؛ یعنی باید با وضو باشد. (۱) [۲۴۶] م- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است؛ چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب، که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند. (مناسک، مسأله ۵۴۵)
- [۲۴۷] م- طهارت از حدث اکبر و اصغر، در طواف مستحبی شرط نیست، لیکن کسی که جنب یا حیض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است. (۲) (مناسک، مسأله ۵۴۶)
- [۲۴۸] م- اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند، باطل است؛ چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد. (مناسک، مسأله ۵۴۸ و ۵۴۵)
- [۲۴۹] م- اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، (۳) واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل. (۴) (مناسک، مسأله ۵۵۲)
- [۲۵۰] م- اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، (۵) برای حدث

۱- آیه الله نوری: و اگر وضو ممکن نیست تیمم کند

۲- آیه الله فاضل: یا جهلاً. آیه الله سیستانی: بنا بر مشهور، در طواف مستحبی، طهارت از حدث اکبر شرط نیست

۳- آیه الله تبریزی، مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود

۴- آیه الله صافی، گلپایگانی: در غسل غیر جنابت، علاوه بر تیمم بدل از غسل، در صورت تمکن باید وضو هم بگیرد و گرنه باید یک تیمم دیگر به جای وضو به جا آورد و جنب متیمم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد

۵- آیه الله بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمم بدل از آن و تیمم بدل از حدث اکبر است

اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند. (۱) (مناسک، مسأله ۵۵۳)

[۲۵۱] م- احتیاط واجب (۲) آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود، صبر کند تا وقتی که امیدش قطع شود. (مناسک، مسأله ۵۵۴)

[۲۵۲] م- اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده. (مناسک، مسأله ۵۵۵)

[۲۵۳] م- اگر مُحَدِّث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند. (مناسک، مسأله ۵۵۶)

۱- آیه الله تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند و اگر برای حدث اکبر دیگر غیر از جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید. آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط باید بار دیگر تیمم بدل از غسل کند. آیه الله خویی: لازم است تیمم بدل از غسل بکند

۲- آیه الله بهجت: افضل و احوط تأخیر است ولی اظهر جواز مبادرت است. آیه الله خامنه‌ای، گلپایگانی: اگر می‌داند عذر او برطرف می‌شود، باید صبر کند. آیه الله خویی: اگر احتمال بقای عذر می‌دهد می‌تواند صبر نکند، ولی اگر بعداً کشف خلاف شد باید اعاده نماید، بلی اگر عذرش نبود آب باشد باید فحص کند، به تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است. آیه الله سیستانی: اگر از برطرف شدن عذر مأیوس باشد یا احتمال دهد در صورت تأخیر، از انجام تیمم نیز عاجز شود صبر کردن لازم نیست

[۲۵۴] م- اگر بعد از تمام شدن طواف شك كند كه با وضو آن را به جا آورده يا نه يا شك كند با غسل آن را به جا آورده (۱) يا نه، طواف او صحيح است، ليكن براي اعمال بعد بايد طهارت تحصيل كند. (مناسك، مسأله ۵۵۷)

[۲۵۵] م- اگر در اثنای طواف شك كند كه وضو (۲) داشته يا نه، پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها كند و وضو بگيرد و از همانجا تتمه طواف

۱- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر بعد از حدث اصغر شك كند در این كه قبل از طواف غسل کرده يا نه، بايد غسل کرده و طواف را اعاده كند و براي اعمال آتیه وضو بگيرد

۲- آیه الله بهجت: حكم شك در طهارت در اثنای طواف هم همان حكم شك است در طهارت در اثنای نماز. آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: اگر سابقه طهارت داشته، به شك خود اعتنا نکند و الا واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگيرد.

آیه الله سیستانی: و سابقه طهارت نداشته باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در این صورت بايد وضو بگيرد و بعد طواف را از سر بگيرد، چه قبل از تمام شدن چهار دور باشد يا بعد از آن.

آیه الله فاضل: اگر در بین طواف شك كند كه وضو داشته يا خیر، مسأله سه صورت دارد، اول: حالت سابق خود را بداند كه طاهر بوده در این فرض جایز است طواف را تمام كند و براي اتمام آن وضو واجب نیست و اعاده طواف نیز لازم نیست و در این صورت فرقی نیست كه شك، بعد از دور چهارم عارض شده باشد يا قبل از آن.

دوم: حالت سابق خود را بداند كه مُحدث بوده، در این فرض ظاهراً هر مقدار طوافی كه انجام داده، محكوم به بطلان است؛ چه شك بعد از دور چهارم عارض شده باشد يا قبل از آن و بايد بعد از وضو از نو طواف كند.

سوم: حالت سابق خود را نداند، كه در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام كند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده كند و در این صورت فرقی نیست كه شك بعد از دور چهارم يا قبل از آن عارض شده باشد.

آیه الله مکارم: و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند



را به جا آورد (۱) و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم (۲) است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند (۳) و اعاده کند. (مناسک، مسأله ۵۵۸)

[۲۵۶] م- در تمام صورت‌هایی که در شک گفته شد که «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءاً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود. (مناسک، مسأله ۵۵۹)

[۲۵۷] م- اگر در اثنای طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود، (۴) پس اگر شوط چهارم (۵) را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد (۶) و الاً بعد از غسل اعاده کند طواف را و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند. (مناسک، مسأله ۵۶۰)

[۲۵۸] م- کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای هست می‌تواند برای طواف و نماز آن به همان اکتفا کند. (مناسک س ۷۰۰ و جامع الفتاوی م ۲۶۱)

[۲۵۹] م- اگر در اثنای طواف، حدث عارض شود پس اگر پس (۷) از تمام شدن

۱- آیه الله مکارم: و سپس اعاده کند

۲- آیه الله مکارم: طواف او باطل است

۳- آیه الله سیستانی: اتمام لازم نیست بلکه اعاده کند

۴- آیه الله سیستانی: اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می‌گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می‌گیرد باید فوراً خارج شود. (و در بقیه مسأله، نظر ایشان موافق متن است)

۵- آیات عظام تبریزی، خویی، خامنه‌ای، صافی، آیه الله گلپایگانی: و پس از طهارت، طواف را از سر بگیرد و چه قبل از شوط چهارم باشد و یا بعد از آن. آیه الله بهجت: اگر متمکن است تطهیر می‌کند و سپس اعاده می‌کند

۶- آیه الله فاضل: و به احتیاط واجب طواف را اعاده کند

۷- آیه الله تبریزی، خامنه‌ای: پس از تجاوز از نصف

دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند (۱) و اگر پیش (۲) از تمام شدن دور چهارم حدث اصغر عارض شود احتیاط واجب آن است که طواف را تمام و اعاده کند (۳) (مناسک م ۵۴۹-۵۵۰) [۲۶۰] م- اگر در اثناء طواف بیهوش شود و پس از مدتی به هوش آید حکم مسأله قبل را دارد (مناسک س ۶۷۴)

[۲۶۱] م- اگر در اثناء طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود پس از

۱- آیه الله تبریزی: احتیاط واجب این است که آن را تمام کرده سپس اعاده نماید و می تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد. آیه الله خامنه ای: اگر موالات عرفیه به هم خورده است طواف را به قصد اعم از تمام و اتمام اعاده نماید. آیه خویی و فاضل: این در صورتی است که حدث بدون اختیار باشد ولی اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت، از جایی که قطع کرده تمام و سپس اعاده کند. آیه الله خویی اضافه فرموده اند: و می توان یک طواف کامل به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد. آیه الله سیستانی: این در صورتی است که حدث بدون اختیار باشد و اگر اختیاری باشد احتیاط واجب تکمیل آن پس از تحصیل طهارت و سپس اعاده آن است

۲- آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر پیش از رسیدن به نصف حدث عارض شود طواف را اعاده کند. آیه الله صافی و گلپایگانی اضافه فرموده اند: و اگر حدث بعد از سه شوط و نیم و قبل از ۴ شوط عارض شود به احتیاط در متن عمل شود

۳- آیه الله مکارم: وظیفه او فقط اعاده است

**طهارت لباس و بدن**

[۲۶۲] م- لباس و بدن کسی که می‌خواهد طواف کند باید پاک باشد و احتیاط واجب (۲) آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده- مثل خون کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان (۳) نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب، حتی انگشتر (۴) نجس- اجتناب کند. (مناسک، مسأله ۵۶۲)

[۲۶۳] م- در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند. (۵) احتیاط آن است که اگر می‌تواند تأخیر بیندازد طواف را تا

۱- آیات عظام سیستانی، خامنه‌ای، فاضل: در مسائل قبل، بین حدث اصغر و اکبر فرقی نگذاشته‌اند و طبق مسائل قبل عمل شود. آیه الله تبریزی، خویی: احوط در هر دو صورت (قبل و بعد از شوط چهارم) این است که بعد از تحصیل طهارت، یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد

۲- آیه الله فاضل: ظاهر آن است که ...

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: طواف در جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند [یعنی ساتر نباشد؛ مانند مثال‌های مذکور در متن] اگر نجس باشد مانع ندارد. آیه الله خامنه‌ای، مکارم: نجس بودن این لباس‌های کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست

۴- آیه الله فاضل: در انگشتر و مانند آن که ثوب صدق نمی‌کند، برای صحت طواف، طهارت آنها شرط نیست

۵- آیه الله تبریزی: اگر تطهیر آن برای او حرجی نباشد احتیاط واجب این است که آن را تطهیر نماید. آیه الله خامنه‌ای، آیه الله خویی: متعرض این فرع نشده‌اند. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید

بشود بی مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد. (مناسک، مسأله ۵۶۳-۵۶۵)

[۲۶۴] م- در خون قروح و جروح، تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد، احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند. (مناسک، مسأله ۵۶۴)

[۲۶۵] م- اگر طواف کند و بعد از آن که از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف، اظهر آن است که طوافش صحیح است. (مناسک، مسأله ۵۶۶)

[۲۶۶] م- اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط (۱) واجب اعاده است، و همین‌طور است اگر در بین طواف یادش بیاید. (۲) (مناسک، مسأله ۵۷۱)

[۲۶۷] م- اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است، می‌تواند با آن حال طواف کند و صحیح است؛ چه بداند که پیش از این پاک بوده یا نداند، لیکن اگر بداند که بیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است، نمی‌تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

(مناسک، مسأله ۵۶۷)

[۲۶۸] م- اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، اظهر آن

۱- آیه الله بهجت: صحّت طواف خالی از وجه نیست و در صورت تذکر در اثناء، تطهیر می‌کند و سپس اتمام می‌نماید. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: بنابر اظهر طوافش صحیح است. آیه الله گلپایگانی: اقوی اعاده طواف است

۲- آیه الله فاضل: اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کند و در بین طواف یا پس از آن یادش آمد، طواف صحیح است ولی مستحب است آن را اعاده کند. بلی اگر بعد از نماز طواف یادش آمد فقط نماز را اعاده کند

است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است. (۱) (مناسک، مسأله ۵۶۸)

[۲۶۹] م- اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده، ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد. (مناسک، مسأله ۵۶۹)

[۲۷۰] م- اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده، احتیاط (۲) آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند و از همانجا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده (۳) کند؛ خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند و در این احتیاط فرقی نیست بین آن که بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است. (۴)

۱- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در بین طواف، لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف، شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس، بقیه طواف را تمام کند و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به جا آورد. آیه الله تبریزی، خویی: چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، طواف را قطع و پس از ازاله نجاست، بنابر احتیاط یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام بجا آورد

۲- آیه الله سیستانی: حکم در این مسأله همان است که در دو مسأله قبل گذشت. آیه الله فاضل: ظاهراً طوافش صحیح است اگر چه احتیاط استجابی آن است که ...

۳- آیه الله خامنه‌ای، آیه الله مکارم: وظیفه همین است و اعاده ندارد

۴- نظر سایر آیات عظام در حاشیه دو مسأله قبل گذشت

[۲۷۱] م- همراه داشتن چیز نجس در حال طواف مانع ندارد (۱) (مناسک مسأله ۵۶۲ و جامع الفتاوی عمره م ۲۸۲ و استفتاءات جدید س ۵)

### ۳- ختنه کردن

سوم- ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زنها نیست، و احتیاط (۲) واجب آن است که درباره بچه‌های نابالغ مراعات شود. (مناسک، مسأله ۵۷۲)

[۲۷۲] م- اگر بچه را که ختنه نشده (۳) و ادار به احرام کنند یا او را محرم کنند، احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست. (۴) پس اگر محرم به احرام حج

۱- آیه الله نوری: محمول نباید متنجس باشد. آیه الله فاضل: بنابر احتیاط اجتناب شود. نظر حضرت امام و آیه الله خامنه‌ای در دست نیست

۲- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است. آیه الله خامنه‌ای، گلپایگانی: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست. آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است

۳- آیه الله بهجت: اگر طفل محرم بدون ختنه طواف کند یا طواف دهند او را، طواف نساء از او باطل خواهد بود طبق احتیاط مذکور، پس زن از برای او بعد از بلوغ حلال نخواهد بود مگر آن که تدارک طواف نساء نماید، خودش یا نایبش

۴- آیه الله تبریزی: در ممیزی که خودش محرم شده باشد. آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد. آیه الله فاضل: طواف طفل ممیزی که ختنه نشده صحیح نیست، و از غیر ممیز بنابر احتیاط صحیح نیست هر چند احرام آنها صحیح است

شود، چون طواف نساء او باطل است (۱) بنا بر احوط (۲) حلال شدن زن بر او مشکل می‌شود مگر آن که او را ختنه کنند و طواف دهند، یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند، یا آن که نایب (۳) برای او بگیرند تا طواف کند. [۲۷۳] م- اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است. (مناسک، مسأله ۵۷۳)

#### ۴- ستر عورت

#### اشاره

[۲۷۴] م- اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است (۴) و معتبر است در آن اباحه، پس با ساتر غضبی طواف صحیح نیست (۵) بلکه با لباس غضبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط واجب (۶) و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نماز گزار را بنمایند. (۷) (مناسک بعد از مسأله ۵۷۳)

۱- آیه‌الله مکارم: تمام طواف‌های او اشکال دارد

۲- آیه‌الله سیستانی: اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است، مگر این که پس از ختنه طواف را اعاده کند

۳- از آیه‌الله سیستانی: در مورد کفایت نیابت در این فرض، مطلبی در دست نیست. آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: گرفتن نایب در این صورت (قبل از ختنه) مشکل است

۴- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است. آیه‌الله مکارم: اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است

۵- آیه‌الله بهجت، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط واجب

۶- آیه‌الله سیستانی، فاضل: این احتیاط واجب نیست. آیه‌الله نوری: با لباس غضبی غیر ساتر نیز صحیح نیست

۷- آیه‌الله نوری: از قبیل نبودن از اجزاء میتة و اجزاء حیوان غیر مأکول اللحم و حریر و طلا بافت نبودن

[۲۷۵] م- زن باید در حال طواف تمام بدن خود را به جز صورت و دست‌ها تا مچ از نامحرم بپوشاند بنابر احتیاط و اگر عمداً قسمتی (۱) از بدن را نپوشاند طواف صحیح نیست (۲) علی الأحوط و در غیر مورد عمد صحیح است مگر در جاهل مقصر علی الأحوط. (مناسک س ۷۵۴-۷۵۵)

### طواف در لباس غضبی و غیر مخمس

[۲۷۶] م- کسی که سال خمسی برای خود قرار نداده اگر پول او از در آمد کسب است و معلوم نیست (۳) که ربیع بین سال است، بدون تخمیس حکم غضب را دارد که طواف (۴) و قربانی صحیح نیست (۵) (مناسک س ۶۶۷)

[۲۷۷] م- اگر انجام طواف و نماز در لباسی که با عین پول غضبی یا غیر مخمس تهیه شده از روی علم و عمد نباشد طواف و نماز صحیح است مگر این که جاهل مقصر باشد که باید تدارک نماید. (۶) (مناسک س ۶۶۸)

۱- آیه الله سیستانی: اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است و بنابر احتیاط نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند. آیه الله مکارم، نوری: در طواف پوشاندن صورت با نقاب جایز نیست

۲- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم: طواف صحیح است هر چند گناه کرده است. آیه الله خویی: در فرض جهل به حکم، طواف صحیح است. آیه الله بهجت: در صورتی که علم نداشته باشد اشکال ندارد

۳- آیه الله فاضل: به احتیاط واجب با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند

۴- آیه الله تبریزی، خویی: بنابر احتیاط واجب اگر ساترش متعلق خمس باشد

۵- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر همانطور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد اشکال ندارد

۶- آیه الله بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده است. آیه الله فاضل: و بنابر احتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده کند



[۲۷۸] م- پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه، با فرض شك (۱) لازم نیست خمس بدهد و می‌توان آن را در عمره صرف نمود و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است (مناسک س ۶۶۹).

[۲۷۹] م- اگر حاجی در حال طواف، پول غصبی و مانند پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی‌کند (۲) (مناسک م ۶۴۲)

### ۵- شروع از حجر الأسود و ختم به آن

[۲۸۰] م- طواف باید از مقابل حجرالأسود شروع شود به طوری که در عرف گفته شود از حجرالأسود شروع به طواف کرد و ختم کرد به حجرالأسود، چه از ابتدای آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش (۳)، ولی از هر جای حجرالأسود شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند. (مناسک م ۵۷۶-۵۷۷).

۱- آیه الله خویی، فاضل: احتیاطاً با مجتهد جامع الشرائط مصالحه کند. آیه الله سیستانی: اگر احتمال می‌دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید به نحو کلی فی الذمه صحیح است

۲- آیه الله صافی، گلپایگانی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود. آیه الله نوری: طوافش اشکال دارد

۳- آیه الله صافی، گلپایگانی: ولی اقوی شروع به طواف است از جزء اول حَجْر و چون محقق آن معنی بر وجه حقیقت متعذر است در تحقق آن اکتفا می‌شود به این که پیش از رسیدن به حجرالأسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید از باب مقدمه علمیه باشد

[۲۸۱] م- در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می کنند از محاذات حجرالأسود بدون دقت‌های صاحبان وسوسه شروع کند و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود (مناسک م ۵۷۸)

[۲۸۲] م- گاهی دیده می شود که اشخاص نادان در هر دوری که می زنند می ایستند و عقب و جلو می روند که محاذات را درست کنند و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

[۲۸۳] م- اگر اشتبهاً طواف را از غیر حجرالأسود مانند رکن یمانی شروع کند طوافش باطل است هر چند دور آخر را به حجرالأسود ختم نماید (۱). و همین طور اگر دورهای طواف را از حجرالأسود شروع کند ولی به موضعی قبل از حجرالأسود مانند رکن یمانی ختم نماید (مناسک س ۷۰۲-۶۸۰).

### ۶- قرار دادن کعبه در طرف چپ

[۲۸۴] م- در طواف باید خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود (مناسک قبل از مسأله ۵۸۰)

[۲۸۵] م- لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد بلکه اگر در موقع دور زدن حجراسماعیل علیه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد (۲) حتی اگر خانه متمایل به پشت شود لیکن دور زدن به نحو

۱- آیه الله بهجت: اگر کمبود طواف یعنی از رکن یمانی تا حجرالأسود را جبران کند طوافش صحیح است. آیه الله سیستانی، فاضل: اگر قصد شروع از موضع معتبر شرعی را دارد ولی در تطبیق اشتباه کرده است در صورتی که کسری دور آخر را به قصد طواف تمام کند صحیح است. آیه الله خامنه‌ای، مکارم: اعاده در این صورت مبنی بر احتیاط است

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: خانه در جمیع حالات باید در طرف چپ قرار گیرد و اگر مقداری این چنین نبود آن مقدار، از طواف شمرده نمی شود و معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجراسماعیل علیه السلام و در نبش‌های خانه خدا بدن را منحرف سازد

متعارف باشد اشکال ندارد. (م ۵۸۰)

[۲۸۶] م- اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد، مثل آن که روی طواف کننده یا پشتش به کعبه واقع شد و یا عقب، عقب طواف کرد، باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد. و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود (۱) تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید. (مناسک م ۶۴۱-۵۸۴)

### ۷- داخل نمودن حجر اسماعیل علیه السلام در طواف

[۲۸۷] م- حجر اسماعیل محلّی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف کننده، دور حجر اسماعیل نیز بگردد. (مناسک قبل از مسأله ۵۸۷)

[۲۸۸] م- اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است و باید اعاده کند. پس اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت و اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد که حکم هر دو خواهد آمد. (مناسک ۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹)

[۲۸۹] م- اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل علیه السلام را داخل در دور زدن نکرد، احتیاط (۲) واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد و اعاده کند طواف را،

۱- آیه الله فاضل، سیستانی: می‌تواند تا حجر الأسود برود و آن شوط را اعاده کند آیه الله سیستانی اضافه فرموده‌اند: و نمی‌تواند تاجایی که طوافش نادرست بوده برود و از آنجا اعاده نماید

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: باید آن دور اعاده شود. آیه الله صافی و گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: واحوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن. آیه الله خامنه‌ای: واجب است که آن دور را از سر بگیرد و اگر بدون اعاده این دور به طواف ادامه داد طواف او باطل است و واجب است آن را از سر بگیرد. آیه الله بهجت: باید آن دور اعاده شود و چنانچه نیت طواف بر بیت محض را کرده اعاده اصل طواف موافق با احتیاط است، اگرچه عملاً در یک شوط دور حجر نگشته باشد

اگر چه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست (مناسک م ۵۹۰)

[۲۹۰] م- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی کند (۱) تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است. (مناسک م ۵۹۱).

[۲۹۱] م- اگر پس از داخل شدن در حجر اسماعیل متوجه شد، طوافش باطل نیست و باید از حجر الأسود به قصد احتیاط (۲) شوط را اعاده کند و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف باشد. (مناسک س ۶۵۹).

[۲۹۲] م- کسی که یک شوط طواف را از درون حجر اسماعیل علیه السلام انجام داده و بقیه طواف را ادامه داده، باید یک شوط دیگر بجا آورد (۳) و نماز طواف را اعاده

۱- آیه الله بهجت، مکارم: اعاده همان جزء از طواف که به بالا رفتن بر دیوار حجر باطل شده است لازم می باشد. آیه الله خامنه ای: در حکم رفتن در حجر است و بنا بر احتیاط باید همان دور را اعاده کند. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط در حکم رفتن در حجر است

۲- آیات عظام بهجت، خامنه ای، سیستانی، فاضل، مکارم: آن دور باطل است و باید از حجر الأسود اعاده کند. آیه الله صافی، گلپایگانی: احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز، دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند

۳- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: اگر موالات فوت نشده و اما اگر موالات فوت شده طوافش باطل است و باید آن را و اعمال مترتب بر آن را تدارک نماید. آیه الله سیستانی اضافه فرموده اند: ولی در فرض سهو و نسیان، اعاده یک شوط و اعمال مترتبه کافی است. آیه الله صافی، گلپایگانی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده، هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را بجا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و اعمال مترتب بر آن را بجا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر بجا آورد. آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند

کند و اگر با اعتقاد صحت بوده بقیه اعمال صحیح است. (مناسک س ۶۵۹).

[۲۹۳] م- در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام جایز است (۱) و به طواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب در ترک است. (مناسک م ۶۰۰ و جامع الفتاوی عمره م ۳۰۶)

## ۸- رعایت محدوده طواف

[۲۹۴] م- باید طواف بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف باشد، یعنی ملاحظه کند مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است، در همه اطراف خانه کعبه، طواف کننده از آن مقدار دورتر از خانه کعبه نباشد. و این مسافت تقریباً ۲۶/۵ ذراع است، پس در همه اطراف باید بیشتر دور نباشد. (۲) (مناسک م ۵۹۲ و قبل از آن).

۱- آیات عظام بهجت، فاضل، صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند. آیه الله بهجت متعرض اعاده نشده‌اند. آیه الله نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید

۲- آیات عظام خویی، سیستانی، مکارم: طواف در دورتر از این مسافت نیز کافی است. آیه الله سیستانی هر چند کراهت دارد. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می‌گردد.

آیه الله خامنه‌ای، نوری: تا هر کجا که طواف دور خانه خدا صدق کند کافی است. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می‌گردد. آیه صافی، گلپایگانی: تا جایی که جمعیت طواف کننده متصل به یکدیگر مشغول طواف هستند طواف در آن صحیح و مجزی است. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می‌گردد.

آیه الله بهجت: طواف در دورتر از این محدوده کافی است برای کسانی که نتوانند در محدوده طواف کنند یا مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعین است. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می‌گردد.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط باید در محدوده طواف کند ولی در مواقع ازدحام طواف در خارج این محدوده نیز کافی است. از اینجا حکم مسائل بعد روشن می‌گردد

[۲۹۵] م- چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می شود (۱) زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می شود و چنان چه گفته اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می ماند باید در طواف از جانب آن بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود. (مناسک م ۵۹۵).

[۲۹۶] م- اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند. (۲) (مناسک م ۵۹۳).

[۲۹۷] م- اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگر چه ظاهراً اعاده لازم نباشد بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء. (۳) [۲۹۸] م- یقین به این که در حال طواف او را بی اختیار می برند یا با نامحرم

---

۱- آیات عظام فاضل، صافی، گلپایگانی: در طرف حجر اسماعیل، محدوده طواف ضیق نمی گردد و از حجر اسماعیل به مقدار ۵/۲۶ ذراع محدوده طواف است. نظر سایر آیات عظام در مسأله قبل گذشت

۲- نظر آیات عظام قبلاً گذشت

۳- نظر آیات عظام قبلاً گذشت

برخورد می‌کند مجوز طواف در خارج حدّ نیست (۱). (مناسک س ۷۱۷ و ۷۱۸).

[۲۹۹] م- در صورت امکان طواف در محدوده و لو در وقت خلوت، باید طواف را به تأخیر بیندازد تا در محدوده انجام دهد و دورتر از آن حد کفایت نمی‌کند و در صورت عدم امکان و لو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الأقرب فالأقرب. (۲) (مناسک م ۶۳۸ و س ۷۱۴).

[۳۰۰] م- زنی که قادر به طواف کردن نیست، اگر کسی حتی نامحرم حاضر شود او را به دوش بگیرد و در محدوده طواف دهد نمی‌تواند به طواف با تخت روان در خارج از محدوده اکتفاء کند. (۳) (مناسک س ۶۷۲).

[۳۰۱] م- کسی که در محدوده طواف است اگر شک کند که از محدوده خارج شده یا نه طوافش صحیح است ولی اگر در ابتدای طواف شک کند که طوافش در محدوده است یا نه؟ نمی‌تواند به آن اکتفاء نماید. (۴) (مناسک س ۷۰۷)

### ۹- طواف نکردن روی شاذروان

[۳۰۲] م- در اطراف دیوار خانه، یک پیش آمدگی است که آن را شاذروان گویند و آن جزو خانه کعبه است و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد. (مناسک م ۵۹۷)

### ۱- نظر آیات عظام قبلاً گذشت

۲- آیه الله فاضل: چنانچه ضرورت عرفی اقتضاء می‌کند انجام طواف در خارج حد با رعایت الأقرب فالأقرب مانعی ندارد و صحیح است و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست. نظر سایر مراجع در مسائل قبل گذشت

### ۳- نظر سایر مراجع در مسائل قبل گذشت

### ۴- نظر آیات عظام قبلاً گذشت

[۳۰۳] م- اگر کسی در بعضی از احوال، به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن، بالای شاذروان برود و دور بزند، آن مقدار که دور زده باطل (۱) است و باید اعاده کند.

[۳۰۴] م- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است جایز است (۲) و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

## ۱۰- موالات

[۳۰۵] م- احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند (۳) یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود. (مناسک م ۵۷۴).

[۳۰۶] م- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد، از همانجا اتمام کند، ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد و اگر آن قدر نشست احتیاط آن است

۱- آیه الله تبریزی، خویی: احتیاط آن است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف را تمام و سپس اعاده کند. آیه الله صافی: حکم راه رفتن روی حجر را دارد که گذشت. آیه الله مکارم: امروز شاذروان را طوری ساخته‌اند که عملاً طواف روی آن ممکن نیست

۲- آیات عظام بهجت، فاضل، صافی، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط واجب جایز نیست. و باید همان قسمت را اعاده کند

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: مراعات موالات لازم است. آیه الله بهجت: مراعات موالات عرفیه لازم است مگر در موارد عذر حاصل بعد از شوط چهارم. آیه الله فاضل، مکارم: در طواف مستحب موالات عرفیه شرط نیست



که اتمام کند و اعاده نماید. (۱) (مناسک م ۶۳۶).

### ۱۱- انجام هفت دور، نه کمتر نه بیشتر

#### کم کردن دورهای طواف

[۳۰۷] م- اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند (۲) و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم، بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند. (۳) (مناسک م ۶۰۱)

[۳۰۸] م- اگر در اثنای طواف، از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده باطل است (۴) و باید اعاده کند. (مناسک م ۶۰۲)

۱- آیه الله بهجت، خامنه‌ای: اگر بعد از شوط چهارم باشد اکمال طواف کافی است. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر به قدری نشست که موالات عرفیه فوت شد طوافش باطل است و باید از نو شروع کند. آیه الله مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست و احتیاط به استیناف لازم است. آیه الله فاضل: و می‌تواند آن را رها کند و از نو یک طواف کامل انجام دهد

۲- آیه الله بهجت: اگر به هفت دور تمام کند صحیح است. آیه الله خویی: با فرض تحقق قصد قربت طواف صحیح است. آیه الله تبریزی، گلپایگانی: بنا بر احتیاط طوافش باطل است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در این موارد چنان چه به هفت دور تمام کند اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است

۴- آیات عظام سیستانی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنا بر احتیاط باطل می‌شود. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط باطل می‌شود اگر از روی علم و عمد قصد کند. آیه الله خویی: اگر قصد قربت مختل شود طواف باطل می‌گردد. آیه الله مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند

[۳۰۹] م- اگر کم کند از طواف واجب، چه یک دور یا کمتر یا بیشتر (۱) از یک دور از روی عمد، واجب است آن را اتمام کند (۲) و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده که قبلاً گذشت به احتیاط واجب (۳) و حکم جاهل (۴) به مسأله حکم عالم است. (مناسک م ۶۰۶)

[۳۱۰] م- اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند (۵) که موالات فوت شود، حکمش حکم قطع طواف است که می آید. (مناسک م ۶۰۷)

[۳۱۱] م- اگر سهواً از طواف کم کند (۶)، پس اگر تجاوز از

۱- آیه الله تبریزی، خوبی: اگر بدون عذر، پیش از تجاوز از نصف، از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه فوت شود طوافش باطل و اگر بعد از آن باشد یا موالات فوت نشود، احتیاط آن است که آن را تمام نموده و سپس اعاده کند. آیه الله سیستانی: اگر بدون عذر، پیش از تمام شدن شوط چهارم از مطاف خارج شود و مشغول به کاری شود که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده، طواف باطل است و اگر بعد از آن باشد، احتیاط واجب آن است که آن را تمام کند و سپس اعاده کند مگر موالات فوت شده باشد

۲- آیه الله مکارم: اگر قبل از فوت موالات اتمام کند صحیح است

۳- آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: بلکه بنا بر اظهر

۴- آیه الله بهجت: باید اعاده کند در هر دو صورت

۵- آیه الله مکارم: یا فاصله زیادی بدهد

۶- آیه الله تبریزی، خوبی: اگر پیش از فوات موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته کمبود را بجا آورد و اگر از مطاف بیرون رفته یا موالات فوت شده و مقدار فراموش شده یک شوط باشد یک شوط را بجا آورد و اگر نمی تواند برای انجام یک شوط نایب بگیرد و اگر مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد بایستی برگشته و کمبود را شخصاً بجا آورد و بهترین است که پس از تکمیل آن را اعاده کند. آیه الله تبریزی در این فرض فرموده اند: بنا بر احوط باید برگشته و تکمیل کند و سپس اعاده کند. و اگر مقدار فراموش شده ۴ شوط یا بیشتر باشد احوط اتمام سپس اعاده است.

آیه الله سیستانی: اگر پیش از فوات موالات عرفی یادش بیاید، باقیمانده را بجا آورد و الا در صورتی که مقدار فراموش شده یک یا دو یا سه شوط باشد آن را بجا آورد و در صورتی که بیش از سه شوط باشد بنا بر احتیاط واجب باقیمانده را بجا آورد و طواف را اعاده کند.

آیه الله بهجت: تمام کردن طواف در صورت تجاوز از نصف، یعنی با تمام شدن ۴ شوط علی الأحوط و از سرگرفتن در صورت عدم تجاوز، خالی از وجه نیست

---

نصف (۱) کرده باشد اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد (۲) و الا احتیاط واجب (۳) اتمام و اعاده است. و اگر تجاوز از نصف نکرده (۴)، طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه موارد سهو به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن. (مناسک م ۶۰۸-۶۰۹).

[۳۱۲] م- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تمه سعی را به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است (۵)، لیکن احتیاط (۶) آن است که اگر کمتر

۱- آیه الله مکارم: یعنی چهار دور کامل انجام داده باشد. آیه الله صافی، گلپایگانی: اگر چهار دور تمام شده طواف را تمام کند و اگر کمتر از نصف باشد اعاده نماید و در فاصله بین ۳/۵ تا چهار شوط احتیاط در تکمیل و اعاده است

۲- آیه الله مکارم: این شرط زاید است

۳- آیه الله مکارم: باید اعاده کند. آیه الله فاضل: اولی و احوط این است

۴- آیه الله مکارم: مانند مسأله قبل است

۵- آیه الله بهجت: احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است. نظر آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: در ذیل مسأله قبل گذشت

۶- آیه الله فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود

از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند. (مناسک م ۶۳۱)

### زیاد کردن دورهای طواف

[۳۱۳] م- اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند که بیش از هفت دور بجا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند (۱) و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند. (۲) (مناسک م ۶۰۱)

[۳۱۴] م- اگر از روی جهل به مسأله بیش از هفت دور طواف کند، پس اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته طواف و نمازش صحیح نیست (۳) و باید آنها را اعاده کند و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست. (۴) (مناسک م ۶۹۰)

[۳۱۵] م- انجام یک دور یا بیشتر به قصد احتیاط، زیاده در طواف محسوب نمی شود (۵) و جبران نقص احتمالی را نیز نمی کند. (مناسک م ۶۹۲-۷۶۳)

۱- آیه الله بهجت: اگر به هفت دور تمام کند صحیح است. آیه الله خویی: با فرض تحقق قصد قربت صحیح است. آیه الله تبریزی، گلپایگانی: بنابر احتیاط طوافش باطل است

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در این موارد چنان چه به هفت دور تمام کند اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است

۳- آیه الله سیستانی، فاضل: مگر جاهل قاصر باشد که در این صورت طوافش صحیح است. آیه الله خویی، سیستانی: بنابر احتیاط، طواف باطل است

۴- آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: اعاده بقیه اعمال لازم است. آیه الله سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط بقیه را اعاده کند

۵- آیه الله مکارم، سیستانی: طواف او اشکال دارد. آیه الله سیستانی: اضافه فرموده اند: مگر این که جاهل قاصر باشد

- [۳۱۶] م- اگر در اثنای طواف، از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادتز آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده باطل است (۱) و باید اعاده کند. (مناسک م ۶۰۲)
- [۳۱۷] م- اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.
- [۳۱۸] م- اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است، همانطور که هفت دور مستحب (۲) است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.
- [۳۱۹] م- اگر بعد از هفت دور طواف واجب، عمداً یک شوط یا کمتر یا بیشتر به آن اضافه نماید، به قصد این که زیاده جزء آن طواف باشد، طواف او باطل می شود (۳) و باید اعاده کند. (مناسک س ۶۸۱)
- [۳۲۰] م- اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور، پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتز است، احوط (۴) آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا

۱- آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط باطل می شود. آیه الله تبریزی اضافه فرموده اند: اگر از روی علم و عمد قصد کند. آیه الله خویی: اگر قصد قربت مختل شود طواف باطل می گردد. آیه الله مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند

۲- آیه الله فاضل: هفت دور واجب است

۳- آیه الله سیستانی: اگر جاهل باشد صحت طواف او مورد اشکال است مگر این که جاهل قاصر باشد

۴- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: این احتیاط مستحب است

واجب (۱) و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد، بدون آن که تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است. (مناسک، مسأله ۳۱۴). (۲)

### قران در طواف

[۳۲۱] م- در طواف واجب، قران جایز نیست؛ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد، بدون آن که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود و در طواف مستحب مکروه است. (مناسک م ۶۱۱)

[۳۲۲] م- در طواف واجب، اگر از اول قصد قران داشته، یا در اثنای طواف قصد کرده باشد، احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند و اگر بعد از تمام شدن آن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال

۱- از اینجا تا آخر مسأله در مناسک آیه الله خویی مذکور نیست

۲- آیه الله بهجت: احتیاط در این است که دو رکعت فریضه قبل از سعی بجای آورد و دو رکعت نافله را می تواند بعد از سعی به جای آورد. آیه الله سیستانی: اگر از روی اشتباه چیزی بر شوطهای طواف خود بیافزاید، پس اگر بعد از رسیدن به رکن عراقی یادش آمد، مقدار افزوده را تا یک طواف کامل به اتمام برساند و احتیاط واجب این است که طواف دوم را در این هنگام به قصد قربت بدون این که واجب یا مستحب بودن آن را قصد کند به اتمام برساند، و پس از آن چهار رکعت نماز بخواند و احتیاط مستحب این است که بین آنها فاصله ای بیندازد؛ به این معنا که دو رکعت قبل از سعی جهت طواف واجب به جا آورد و دو رکعت پس از سعی جهت طواف مستحبی به جا آورد. و همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر پیش از رسیدن به رکن عراقی یادش بیاید. آیه الله فاضل: و احتیاط مستحب آن است که دو رکعت نماز بعد از سعی برای غیر فریضه انجام دهد

طواف اول زیاده را آورد اقوی (۱) صحت طواف اول است و احوط اعاده است. (مناسک م ۶۱۳)

[۳۲۳] م- اگر زیاد کند دوری، یا کمتر یا بیشتر از دور برطواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل

در قران میان دو طواف است که حکمش گذشت. (۲) (مناسک م ۶۱۲)

[۳۲۴] م- اگر طواف واجبی را که به فتوای مجتهدش صحیح است، قبل از خواندن نماز به قصد احتیاط اعاده نماید و سپس نماز

طواف را بخواند عملش صحیح است، هر چند داخل در قران حرام است. (۳) (مناسک م ۷۵۶)

## قطع طواف

[۳۲۵] م- جایز است قطع طواف نافله بدون عذر واقوی کراهت قطع طواف

۱- آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا قصد قران داشته باطل است و اگر از اول قصد نداشته اگر طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است. آیات عظام بهجت، خویی، تبریزی: در فرض اتیان به طواف کامل، اظهر بطلان طواف اول است. آیه الله صافی، گلپایگانی: قران بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف اول می شود هر چند از اول این قصد را نداشته باشد. و احتیاط آن است که نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: اگر طواف دوم را به اتمام نرساند نه قران است و نه زیاده در طواف. آیات عظام غیر از آیه الله بهجت اضافه نموده اند: بلی اگر قصد قران را داشته باشد با علم به این که قران مبطل است قصد قربت محقق نمی شود و طواف او باطل است

۳- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: طواف احتیاطی قران محسوب نمی شود. آیه الله سیستانی: صحت عمل مورد اشکال است از جهت فاصله بین طواف و نماز، مگر این که جاهل قاصر باشد



واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس و احوط (۱) قطع نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند به طوری که بقیه را ترک کند تا موالات عرفیه (۲) به هم بخورد. (مناسک م ۶۱۵)

[۳۲۶] م- اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، احوط آن است که اگر چهار دور بجا آورده باشد طواف را تمام کند (۳) و بعد اعاده کند و این در صورتی است که منافی بجا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد و اگر طواف را قطع کند و منافی بجا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است. (مناسک م ۶۱۶-۶۱۷)

[۳۲۷] م- اگر در بین طواف عذری برای آن پیدا شد، مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار (۴) و یا برپاشدن نماز جماعت یا نظافت مسجد، پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده، بعد از رفع عذر برگردد و از همان جا تمام کند و اگر قبل (۵) از آن بوده، طواف را اعاده کند. (۶) و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض، آن است که تمام کند و اعاده نماید (مناسک م ۶۱۸ و س ۶۴۶).

۱- آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: قطع طواف واجب بدون عذر جایز نیست. آیه الله بهجت، مکارم: بنا بر احتیاط واجب طواف واجب را قطع نکند

۲- آیه الله سیستانی: یا قبل از اتمام شوط چهارم از مطاف خارج و مشغول کاری شود که عرفاً گفته شود طواف را قطع کرده است

۳- آیه الله بهجت: اتمام لازم نیست طوافش را از سر بگیرد. نظر سایر آیات عظام در مسأله سوم از شرط یازدهم «انجام هفت دور نه کمتر» گذشت

۴- نظر آیات عظام در مورد حدث بی اختیار در شرط دوم طواف گذشت

۵- آیات عظام فاضل، صافی، گلپایگانی: در فاصله بین ۳/۵ تا ۴ شوط احتیاط به اتمام و سپس اعاده است

۶- آیه الله سیستانی: در طواف مستحبی از هر کجا که قطع کند مادامی که سؤالات عرفی فوت نشده است می تواند برگردد و تمام نماید

[۳۲۸] م- اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده نتوانست بجا آورد، اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند و حکم نیابت در بعضی از دورهای طواف می‌آید. (۱) (مناسک م ۶۱۹)

[۳۲۹] م- اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور (۲) رها کرد، از همانجا طواف را تمام کند (۳) و الا (۴) اعاده کند. (۵) (مناسک م ۶۲۰)

[۳۳۰] م- جایز است، بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند (۶) و احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود (مناسک م ۶۲۱)

۱- آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بعید نیست که گفته شود نایب در هر صورت باید همه طواف را انجام دهد

۲- آیه الله خامنه‌ای: بعد از تجاوز از نصف

۳- آیه الله خامنه‌ای، فاضل: ولی چنانچه تمام نکرد و از سر گرفت طوافش صحیح است

۴- آیه الله بهجت: اگر موالات عرفیه به هم خورده اعاده کند. آیه الله خامنه‌ای: اگر قبل از تجاوز از نصف بوده و مدت زمان طولانی بین قطع و اتمام فاصله شود بنابر احتیاط طواف را اعاده کند و الا می‌تواند آن را تکمیل کند

۵- آیه الله تبریزی، سیستانی: باید تمام کند و اعاده لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند. آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب اعاده کند. آیه الله صافی، گلپایگانی: اگر از نصف گذشته و چهار شوط هم تمام نشده احتیاطاً طواف را اتمام و اعاده کند

۶- آیه الله بهجت: اگر موالات عرفیه به هم خورده و قبل از اكمال شوط چهارم طواف را قطع کرده احتیاط مراعات شود به اكمال طواف و اعاده آن

## شک در طواف

[۳۳۱] م- اگر بعد از طواف شک کند که آن را صحیح به جا آورده یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده، یا محدث بوده، یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده، اعتناء نکند و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنها منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی‌زیاده و نقیصه. (مناسک م ۶۲۳)

[۳۳۲] م- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتر از هفت دور بجا آورده یا نه، یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه، اعتناء نکند و طوافش صحیح است. (۱) لکن در صورت دوم احتیاط ترک نشود. (مناسک م ۶۲۲)

[۳۳۳] م- اگر در آخر دور که به حجرالأسود ختم شد، شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتناء به شک نکند و طوافش صحیح است. (مناسک م ۶۲۴)

[۳۳۴] م- اگر قبل از رسیدن به حجرالأسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است. (۲) (مناسک م ۶۲۵)

۱- آیه الله تبریزی، خویی: در صورت دوم، طواف باطل است، مگر این که بعد از دخول در نماز طواف شک کند

۲- آیه الله بهجت: احوط بطلان طواف است. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً بقصد رجاء تمام و اعاده طواف نماید. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است. آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است

[۳۳۵] م- اگر در آخر دور یا اثنای آن، شك کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است. (۱) (مناسک م ۶۲۶)

[۳۳۶] م- در مواردی که شك در دورهای طواف موجب بطلان طواف است، اگر طواف دیگری شروع کرد و در اثناء آن یقین به دورهای طواف اول برایش حاصل شد احتیاط کند. (۲) (مناسک س ۶۸۷)

[۳۳۷] م- اگر در طواف مستحب شك کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد و طوافش صحیح است. (مناسک م ۶۲۷)

[۳۳۸] م- اگر در اثناء طواف شك کند که طواف را به نیت منوب عنه شروع کرده یا برای خود، احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و

۱- آیه الله بهجت: بطلان طواف او و لزوم استیناف، خالی از قوت نیست با آن که فی الجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقل بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید. آیه الله سیستانی: اگر شك در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شك در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنا بر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در این صورت بنا بر ۶ گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شك در زیاده و نقصان باشد؛ مثل این که شك کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شك بین ۶ و ۸ طوافش باطل است. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب

۲- آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: طواف دوم محکوم به صحت است، همان را به اتمام برساند. آیه الله مکارم: صبر می کند تا موالات طواف دوم به هم بخورد، سپس طواف اول را تکمیل کند. آیه الله صافی، گلپایگانی: احتیاط به این صورت کند که طواف دوم را رها کند و طواف قبلی را تکمیل کند و پس از نماز طواف قبلی، طواف و نماز آن را به طور کامل اعاده نماید. آیه الله خویی: فتاوی ایشان در دست نیست

پس از نماز، دو مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند. (۱) (مناسک س ۶۹۵)

[۳۳۹] م- شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتنا به شکش نکند (۲) و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند. (مناسک م ۶۲۹)

[۳۴۰] م- معیار در کثیر الشک بودن در طواف این است که عرفاً بگویند در طوافش زیاد شک می کند (۳) (مناسک س ۷۴۶)

[۳۴۱] م- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد (۴) و حکم شک را دارد. (مناسک س ۶۲۹)

### رها کردن طواف و از سر گرفتن آن

[۳۴۲] م- کسی که در اثناء طواف آن را رها کند و از سر بگیرد، اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب طواف اول را تمام کند و نماز بخواند و بعد یک

۱- آیه الله بهجت: می تواند طواف را به نیت منوب عنه تمام کند. آیه الله خامنه‌ای: می تواند به نیت منوب عنه اتمام کرده و پس از نماز، آن را کاملاً اعاده کند و می تواند صبر کند تا موالات عرفیه به هم خورده و سپس آن را اعاده کند. آیه الله سیستانی: باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد. آیه الله فاضل: به نیت آنچه نیت کرده اتمام کند و نماز طواف را بخواند ولی نمی تواند به آن اکتفا کند و باید طواف و نماز آن را به نیت منوب عنه اعاده کند

۲- آیه الله بهجت: کثیر الشک در طواف، مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد. آیه الله خویی: کثیر الشک در طواف تا به حدّ وسواس نرسد باید به شکش اعتنا کند. آیه الله سیستانی: کثیر الشک در طواف نباید به شکش اعتنا کند چنانچه در نماز نباید اعتنا کند. آیه الله مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد

۳- معیار این است که شکی که برای او حاصل می شود نسبت به کسانی که در موجبات حواس پرتی مانند او هستند به مقدار معتنا به بیشتر باشد

۴- آیه الله بهجت: حکم آن مانند حکم ظنّ در نماز است

طواف دیگر و نماز طواف بجا آورد (۱) و اگر قبل از دور چهارم بوده، در فرض سؤال باید یک طواف دیگر بجا آورد (۲) و با فرض جهل، ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است (۳) و اگر طواف دوم را هم رها کند و طواف سوم را انجام دهد همین حکم را دارا است. (مناسک م ۶۵۲-۶۵۷-۷۶۱)

### نیابت در طواف

[۳۴۳] م- همان گونه که کل طواف برای شخص عاجز و معذور قابل نیابت است، بعضی از شوطهای آن نیز قابل نیابت است. (۴) (مناسک س ۶۷۵-۶۸۳)

۱- آیه الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، طواف مزبور مجزی است. آیه الله خامنه‌ای، فاضل، صافی، گلپایگانی، نوری: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می‌کند

۲- آیه الله تبریزی: در هر دو صورت، اگر یک طواف کامل به نیت وظیفه فعلیه، اعم از تمام و اتمام بجا آورد کافی است. آیه الله سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است سپس از سر گرفته باشد طواف صحیح است و اگر بعد از شوط چهارم باشد در صورتی که استیناف، پس از فوت موالات عرفیه بوده صحیح است و گرنه مشکل است مگر این که جاهل قاصر باشد

۳- آیه الله مکارم: طواف او و اعمال بعد از آن در هر دو حال صحیح است. آیه الله صافی، گلپایگانی: اگر بعد از شوط چهارم بوده نقصان طواف اول را تکمیل کند و نماز آن را نیز بخواند

۴- آیات عظام صافی، مکارم، گلپایگانی: در صورتی که بتوان آنها را در باقیمانده طواف داد باید چنین کنند و الا برای کل طواف نائب بگیرند. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: اگر کسی از ابتدا بر انجام بعضی از طواف عاجز است باید برای کل طواف نائب بگیرد. و آیه الله سیستانی و فاضل افزوده‌اند: و همچنین اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود و اگر بعد از شوط چهارم عاجز شود برای باقیمانده نائب بگیرد و نماز را خودش بخواند

[۳۴۴] م- انجام طواف به نیابت از دیگری قبل از طواف عمره یا حج یا طواف نساء جایز است. (۱) (مناسک س ۷۱۵)

### طواف با لباس دوخته

[۳۴۵] م- اگر محرم طواف و سعی خود را با لباس دوخته انجام دهد، طواف و سعی او صحیح است (۲)، هر چند به واسطه پوشیدن لباس دوخته در غیر موارد عذر معصیت کرده است و در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود و با تقصیر از احرام خارج شده، لازم نیست (۳) با لباس احرام آن‌ها را اعاده کند (مناسک س ۷۵۱-۷۵۲)

### طواف حائض و مستحاضه

[۳۴۶] م- زن اگر در ایام عادت خون دیده و سپس پاک شده و مجدداً خون

۱- آیه الله صافی، گلپایگانی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از انجام مناسک خود و قبل از تقصیر و خروج از احرام، طواف نیابتی را انجام دهد. آیه الله تبریزی: احوط آن است که پس از انجام اعمال خود آن را برای منوب عنه انجام دهد

۲- آیه الله تبریزی: اگر سائر منحصراً به لباس‌های دوخته‌ای که پوشیده است باشد طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است. آیه الله مکارم: در صورت عمد خلاف احتیاط است

۳- آیه الله خویی، سیستانی: اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آنها را باطل انجام داده در احرام باقی است و باید لباس دوخته را در آورد. آیه الله صافی، گلپایگانی: در طواف عمره تمتع و عمره مفرده، احرام واجب است

دید، چنان چه قبل از ده روز پاک شود آن خون محکوم به حیض است (۱) و اگر در فاصله‌ای که پاک بوده، طواف و نماز را انجام داده، باید آن‌ها را اعاده نماید. (مناسک س ۷۱۹)

[۳۴۷] م- زن اگر به جهتی مانند استفاده از قرص، نظم عادت ماهانه‌اش به هم خورده، چنان چه یقین دارد خونی که می‌بیند سه روز استمرار دارد، هر چند به این نحو که پس از خروج خون تا سه روز در باطن فرج آلوده باشد حکم حیض را دارد و گرنه باید به وظائف مستحاضه عمل نماید. (۲) (مناسک س ۷۲۰)

[۳۴۸] م- زن اگر برای عمره محرم شده، اگر به واسطه حیض نتواند طواف کند، باید صبر کند و پس از پاک شدن، طواف و اعمال دیگر را انجام دهد و اگر بترسد که نتواند تا زمانی که در مکه است عمره را انجام دهد باید برای طواف و نماز نایب گرفته و سایر اعمال را خودش انجام می‌دهد. (مناسک س ۱۸۹)

[۳۴۹] م- اگر زن در اثناء طواف حائض یا مستحاضه شود حکم آن همان است که در عارض شدن حدث گذشت (مناسک م ۵۴۹)

[۳۵۰] م- اگر زن پس از این که متوجه شد که طواف عمره را باطل انجام داده حایض شد و کاروان منتظر او نمی‌ماند، برای طواف و نماز نایب گرفته و بقیه اعمال را خودش به جا می‌آورد (مناسک س ۷۲۳-۱۸۹)

۱- آیه الله تبریزی، خویی: اگر خون دوم به صفات حیض باشد. آیه الله مکارم: اگر اعمال در حال پاکی واقع شده صحیح است. آیه الله سیستانی: پاکی بین دو خون که حیض واحد شمرده می‌شوند محل اشکال است و به احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند

۲- آیه الله صافی، گلپایگانی: در صورتی که سه روز اول پشت سرهم نباشد مثل آن که دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حایض و در روزهایی که خون نمی‌بیند جمع کند میان عبادت‌های خود و تروک حائض



[۳۵۱] م- زن مستحاضه، چنان چه استحاضه‌اش قلیله باشد، باید برای هر یک از طواف و نماز، جداگانه وضو بگیرد (۱) و اگر متوسطه باشد، باید علاوه بر این، یک غسل برای طواف و نماز انجام دهد، و اگر کثیره باشد (۲) یک غسل دیگر هم برای نماز انجام دهد، این در صورتی است که خون مستمر باشد و اگر از وقت وضو یا غسل برای طواف تا آخر نماز، خون قطع باشد، طهارتی که برای طواف

#### ۱- آیه الله سیستانی، گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب

۲- آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد. آیه الله خویی: و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست، مگر این که محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل. آیه الله سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است، اگر چه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در حالی که خون بیرون نزده باشد، در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند، برای هر کدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً بجا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود، مثل اینکه در نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجد الحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید. آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره علاوه بر اغسال یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهد و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد. و متوسطه بنابر احتیاط واجب یک غسل برای طواف و نماز طواف و برای هر کدام یک وضو بگیرد. آیه الله مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسل‌های نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنابر احتیاط

تحصیل کرده کافی است (مناسک س ۷۲۵-۷۲۷)

[۳۵۲] م- زن مستحاضه اگر پاک شد و وضو گرفت و غسل کرد و مشغول طواف شد و در اثناء طواف مجدداً خون دید، حکم آن همان حکم عارض شدن حدث در اثناء طواف است. ولی اگر خون مستمر باشد و به وظیفه‌اش عمل کرده، با تحفظ از خروج آن، طواف او صحیح است. (مناسک س ۷۳۰)

[۳۵۳] م- مستحاضه پس از تحصیل طهارت برای طواف و نماز آن، باید مبادرت به عمل نماید و اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، باید وضو و غسل خود را نزدیک مسجد الحرام انجام دهد (۱) (مناسک س ۷۳۲)

[۳۵۴] م- اگر مستحاضه در اثناء طواف به جهت اقامه نماز و مانند آن نتواند به طوافش ادامه دهد، اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده طواف صحیح است و در غیر این صورت، احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید. (۲) (مناسک س ۷۳۳)

[۳۵۵] م- زن غیر سیده (۳) خونی که بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری

۱- آیه الله سیستانی: اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمم بدون فاصله میسر باشد، به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر از نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸ مسأله ۹)

۲- آیه الله بهجت: اتمام لازم نیست. آیه الله تبریزی، مکارم: تمام کردن طواف سابق کافی است. آیه الله سیستانی: اگر قبل از پایان شوط چهارم بود با غسل جدید طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از شوط چهارم بوده با غسل جدید اتمام کند

۳- آیه الله سیستانی: یائسگی در سیده و غیر سیده با اتمام ۶۰ سال قمری شروع می‌شود. آیه الله مکارم: یائسگی در سیده و غیر سیده با اتمام ۵۰ سال قمری شروع می‌شود. آیه الله تبریزی، خویی: زن غیر سیده اگر بین ۵۰ تا ۶۰ سال خونی به صفات حیض دید بنابر احتیاط جمع بین احکام حیض و مستحاضه می‌کند

می‌بیند حکم استحاضه را دارد، هرچند به صفات حیض باشد و تا وقتی که رسیدن به سن مزبور برای زن اثبات نشده حکم زنان غیر یائسه را دارد. (مناسک ۷۲۶)

[۳۵۶] م- زنی که حائض شده، اگر با استفاده از دارو کاری کند که خون کاملاً قطع گردد به طوری که در باطن فرج هم خون سه روز استمرار پیدا نکند، خون حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه طواف و نماز او صحیح است. (۱) (مناسک س ۷۲۸)

[۳۵۷] م- شخصی که بعد از اعمال متوجه می‌شود که غسل واجبی مانند غسل مس میت یا نفاس برعهده‌اش بوده است، چنان چه بعد از آن، غسل جنابت (۲) انجام داده کفایت می‌کند و عملش صحیح است و الا حکم کسی را دارد که طواف خود را باطل انجام داده است.

۱- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد؛ مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنا بر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حایض و در روزهایی که خون نمی‌بیند هم کارهایی را که بر حایض حرام است ترک کند و عبادت‌های خود را بجا آورد. (توضیح المسائل، مسأله ۴۴۷، احکام حایض)

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: یا هر غسل واجب دیگر یا مستحبی که استحباب آن ثابت است با شد غسل احرام یا غسل جمعه انجام داده باشد کافی است. آیه الله فاضل: اگر غسل واجبی انجام داده کفایت می‌کند و الا کفایت نمی‌کند. آیه الله بهجت، گلپایگانی: غسل واجب دیگر کفایت می‌کند و در کفایت غسل مستحبی اشکال است، احتیاط ترک نشود

## وظیفه دائم الحدث

[۳۵۸] م- بیماری که حدث (بول، غائط، ریح) پی در پی از او خارج می‌شود، اگر فرصتی دارد که می‌تواند در آن طواف را با وضو و طهارت بدن انجام دهد، باید پس از وضو و طهارت بدن، طواف را در آن وقت انجام دهد و اگر چنین فرصتی ندارد اگر مشقت نداشته باشد، برای هر بار که حدث از او صادر می‌شود یک وضو بگیرد هر چند با بردن آب همراه خود در طواف و نماز باشد (۱) (مناسک س ۷۵۰-۷۳۸)

[۳۵۹] م- کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می‌شود واجب است تا آن جا که می‌تواند از سرایت نجاست به بدن و لباس خود جلوگیری کند به همان کیفیتی که در نماز انجام می‌دهد. (مناسک س ۷۳۹)

[۳۶۰] م- اگر حدث از غیر مجرای طبیعی به طور پی در پی خارج می‌شود حکم حدثی را دارد که از مجرای طبیعی به طور پی در پی خارج می‌شود که در دو مسأله قبل گذشت (۲) (مناسک س ۷۳۹)

- ۱- آیه الله بهجت: این در حدث بول و ریح است ولی اگر حدث غائط است برای طواف نائب بگیرد.
- آیه الله صافی، گلپایگانی: اگر حدث ریح یا غائط باشد برای طواف نائب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند و اگر حدث بول است چنان چه می‌تواند برای هر بار که حدث از او سر می‌زند وضو بگیرد. آیه الله گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: و اگر این را هم نمی‌تواند، چهار شوط آن را بجا آورد و سپس تجدید وضو نموده و بقیه طواف را بجا آورد.
- آیه الله فاضل: و بنابر احتیاط واجب برای طوافش نائب هم بگیرد.
- آیه الله تبریزی، خویی: در مورد مسلوس تا وقتی که حدث متعارض از او سر نزده یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز کافی است و در مورد مبطن مبتلای به حدث غائط فرموده‌اند احوط جمع بین طواف خودش و طواف نائب است، آیه الله سیستانی و مکارم: تا زمانی که حدث متعارف از آنها سر نزده همان وضو کافی است
- ۲- آیه الله خویی: بنابر احتیاط واجب همان حکم را دارد

## مسائل متفرقه طواف

[۳۶۱] م- واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند (۱) و می تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند. (مناسک، مسأله ۶۳۵)

[۳۶۲] م- در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد. (مناسک، مسأله ۶۳۴)

[۳۶۳] م- اگر معاذالله در حال طواف معصیتی مانند تماس عمدی با بدن نامحرم انجام شود طوافش باطل نمی شود (۲) و اگر در حال احرام کاری که موجب کفاره است و انجام داده باید کفاره بدهد. (۳) (مناسک س ۷۰۹)

[۳۶۴] م- پا گذاردن روی احرامی دیگران و اشیایی که از افراد در مطاف

۱- آیه الله بهجت: اگر در حال حرکت نباشد و اگر هم باشد ولی از خط منحرف نشود اشکال ندارد. آیه الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند

۲- آیه الله تبریزی: چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد طوافش اشکال دارد

۳- آیه الله فاضل: اگر با علم و عمد بوده و موجب انزال شود، علاوه بر گناه و کفاره یک شتر، نسبت به طواف، حکم محدث شدن در اثنای طواف را دارد. آیه الله مکارم: اگر لمس از روی لباس باشد گناه کرده و کفاره ندارد

می‌افتد، مانند ساعت و غیر آن، موجب بطلان طواف نمی‌شود. (۱) (مناسک س ۶۶۲)

[۳۶۵] م- اگر قسمتی از شوط را نادرست انجام دهد و در وقتی که می‌خواهد تدارک کند محل دقیق آن مشخص نباشد، برای تدارک باید از جلوتر شروع کند، با این قصد که طواف او از همان جایی که نادرست بوده ادامه پیدا کند و بقیه مقدمه علمیه باشد. (مناسک س ۷۰۶)

[۳۶۶] م- در مواردی که احتیاط اقتضا می‌کند که طواف را تکمیل کند و نماز بخواند و سپس آن را با نمازش اعاده کند، نمی‌تواند یک طواف کامل به قصد تمام و اتمام بجا آورد (۲) (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط طوافش باشد و چنانچه صحیح بوده، از طواف دوم به مقدار نقصان طواف اول، طواف باشد) و بعد دو رکعت نماز بخواند. و تردید در نیت است. (مناسک س ۷۰۴)

[۳۶۷] م- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است. (مناسک م ۶۳۳)

[۳۶۸] م- اگر در طواف، بی‌اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است (۳) و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی‌اختیار

۱- آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: ولی عمداً پا روی آن نگذارد

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل: کفایت می‌کند و صحیح است. آیه الله سیستانی، مکارم: بنا بر احتیاط نمی‌تواند

۳- آیه الله تبریزی، خویی: مجرد بردن جمعیت، موجب بطلان طواف نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد. آیه الله خامنه‌ای، مکارم: چون از او نیت می‌کند خود را در وسط جمعیت قرار دهد و طواف کند هر چند او را ببرند اعاده لازم نیست

شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود، بلکه در این صورت اگر قدم‌ها را به اختیار خود بر می‌دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است. (۱) (مناسک م ۶۴۰)

[۳۶۹] م- هرگاه در طواف خانه خدا در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد، مثل این که او را بی اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجر الأسود به قصد طواف شروع کند اشکال دارد. و اگر نمی‌تواند برگردد، با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید. (۲) (مناسک م ۶۳۹ و ۶۴۱)

[۳۷۰] م- اگر قسمتی از یک شوط طواف، نادرست انجام شود و شخص بخواهد آن را تدارک کند، لازم نیست از همان مکانی که طواف اشکال پیدا کرده آن را ادامه دهد، بلکه می‌تواند محاذی آن در طرف راست یا چپ آن مکان طواف را تدارک کند و همین طور است مواردی که طواف در نقطه‌ای قطع می‌شود و شخص می‌خواهد آن را تکمیل نماید. (مناسک س ۷۴۳)

[۳۷۱] م- اگر به جای تدارک آن مقدار از شوط که اشکال پیدا کرده آن را رها کند و شوط دیگری به جا آورد طوافش اشکال دارد و باید آن را اعاده کند. (۳) (مناسک س ۶۹۷)

۱- آیه الله سیستانی: بی‌اختیار شدن به این است که نه بتواند توقف کند و نه از مطاف خارج شود

۲- آیه الله سیستانی، فاضل: اگر نتواند برگردد و جبران کند، می‌تواند بدون قصد طواف تا حجر الأسود برود و آن دور را از سر بگیرد، آیه الله سیستانی اضافه فرموده‌اند: و نمی‌تواند بدون قصد طواف برود تا جایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید

۳- آیه الله بهجت، فاضل: طواف او صحیح است. آیه الله سیستانی: اگر جاهل قاصر باشد طواف صحیح است

[۳۷۲] م- در مواردی که قسمتی از شوط را صحیح انجام نداده، اگر بدون تدارک آن قسمت به طواف ادامه دهد، طواف او صحیح نیست. (۱) (مناسک س ۷۱۱)

[۳۷۳] م- در عدد دورهای طواف و سعی و عدد سنگ‌های رمی، در صورتی می‌توان به دیگری اعتماد کرد که اطمینان به عدد حاصل شود. (۲) (مناسک س ۷۱۲)

[۳۷۴] م- نائب در طواف حج یا عمره، لازم نیست محرم باشد یا لباس احرام در برداشته باشد، بلکه می‌تواند طواف نیایی را در غیر احرام و با لباس دوخته انجام دهد. (مناسک س ۷۰۵-۷۵۱-۷۵۲)

[۳۷۵] م- کسی که از احرام خارج شده و می‌خواهد طواف و نماز را اعاده کند لازم نیست طواف را با لباس احرام انجام دهد. (۳) (مناسک س ۷۵۱)

[۳۷۶] م- کسی که در بین طواف، شخصی را از روی زمین بلند می‌کند، یا چیزی را بر می‌دارد و در آن حال نمی‌داند آیا بدون توجه و قصد طواف، یک یا چند قدم به جلو آمده یا نه، باید آن مقدار را احتیاطاً اعاده کند. (۴) (مناسک س ۷۵۸)

[۳۷۷] م- اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند باید همان قسمت تصحیح

۱- آیه الله بهجت: اگر یک شوط به عنوان تکمیل بجا آورد طواف صحیح است. آیه الله فاضل: اگر هنوز موالات عرفیه به هم نخورده باید نقصان شوط اول را جبران و اتمام کند و بنا بر احتیاط اعاده هم بنماید

۲- آیه الله تبریزی، خویی: یا آن شخص ثقة باشد. آیه الله سیستانی: در خصوص طواف می‌توان بر او اعتماد کرد اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد

۳- آیه الله خویی، سیستانی: بر احرام خود باقی است و باید از محرّمات احرام اجتناب کند. آیه الله صافی، گلپایگانی: در طواف عمره مفرده و تمتع، احرام واجب است و در طواف حج، احرام لازم نیست

۴- آیات عظام بهجت، صافی، سیستانی: به شک خود اعتنا نکند. آیه الله تبریزی، مکارم: اگر قصد طواف ولو اجمالاً داشته باشد کافی است



شود و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً اشکال رفع نمی‌شود. (مناسک س ۷۶۳)

### طواف مستحب

- [۳۷۸] م- طواف یعنی هفت شوط کامل و انجام یک یا چند شوط، استحبابش ثابت نیست (۱) (مناسک س ۷۴۵)
- [۳۷۹] م- انجام طواف مستحب برای بانوان، با علم به این که نگاه آنان بی‌اختیار به نامحرم می‌افتد و در فشار جمعیت قرار می‌گیرند اشکالی ندارد، ولی بهتر است در موارد ازدحام مراعات نمایند. (مناسک س ۷۶۶)
- [۳۸۰] م- شرائطی که در طواف واجب ذکر شد، به جز آن چه استثناء شده (۲)، در طواف مستحب نیز معتبر است. (مناسک س ۷۶۳۵)
- [۳۸۱] م- کسی که حمد و سوره نمازش را نمی‌تواند به طور صحیح تلفظ کند، اگر وقت دارد و می‌تواند با تأخیر طواف قرائت خود را تصحیح کند، تأخیر آن لازم نیست (۳) و اگر بعد از طواف، تا قبل از فوات موالات عرفیه، بین طواف و نماز

۱- آیه الله سیستانی: یک شوط نیز از خود یا از غیر خود مستحب است. (جامع الفتاوی م ۳۷۵)

۲- آیه الله فاضل، مکارم: موالات و طهارت از حدث در طواف مستحبی شوط نیست

۳- آیه الله بهجت: اگر عسرو حرج ندارد صبر کند یا به جماعت بخواند. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: اگر برای او امکان داشته باشد باید تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح نماید. آیه الله فاضل، مکارم: باید تأخیر بیندازد مگر این که بقای در احرام موجب عسر و حرج شود. آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد

نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو می‌تواند، نماز بخواند. (۱) (مناسک س ۸۲۲-۸۱۰)

[۳۸۲] م- اگر نماز طواف را در غیر موضعی که باید به جا آورد انجام داد، مثل این که در حجر اسماعیل علیه السلام نماز خواند

و بعد از آن متوجه شد، باید نماز را اعاده کند (۲)، ولی اعاده سایر اعمال لازم نیست. (مناسک س ۸۱۵)

[۳۸۳] م- اگر زن بعد از طواف و قبل از انجام نماز طواف حائض شد، چنان چه وقت وسعت دارد صبر می‌کند تا پاک شود و پس

از تحصیل طهارت، نماز طواف و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد، برای نماز طواف نایب می‌گیرد و سعی و تقصیر

را به جا می‌آورد. (مناسک س ۸۱۱)

[۳۸۴] م- اگر زن، نماز طواف را فراموش کرد، یا به جهت جهل به مسأله یا سهواً آن را باطل انجام داد و پس از آن که متوجه شد

حایض گردید، در وسعت وقت پس از پاک شدن، نماز طواف را به جا می‌آورد و اگر بعد از انجام سعی یا تقصیر متوجه شد که

نماز را ترک کرده یا باطل انجام داده، اعاده سعی و تقصیر لازم نیست. (مناسک س ۷۹۵)

[۳۸۵] م- انجام نماز طواف به جماعت کافی نیست (۳)، ولی اگر کسی که حمد و سوره‌اش درست نیست، بخواهد برای احتیاط

(۴) نماز طوافش را به جماعت بخواند، می‌توان در طواف واجب به شخص عادل که نماز طواف واجبش را می‌خواند اقتدا کند هر

چند طواف امام غیر طواف ماموم باشد، مثل این که در نماز طواف به نماز طواف نساء اقتداء کند. (مناسک ۷۹۹-۸۰۰)

۱- تفصیل نظر آیات عظام در مسأله ۴۲۱ آمده است

۲- آیه الله نوری همدانی: اعاده نماز هم لازم نیست

۳- آیه الله بهجت: کافی، بلکه مستحب است

۴- آیه الله مکارم: بهتر ترک این احتیاط است

[۳۸۶] م- کسی که نمی‌تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را به طور صحیح تلفظ کند، جایز نیست از طرف دیگری برای حج یا عمره نیابت کند، هر چند نیابتش تبرعی باشد و اگر نایب شد احرامش باطل است (۱). بلی کسی که می‌تواند ذکرهای واجب را تصحیح کند، نیابتش جایز است و اگر نایب شد باید نمازش را تصحیح کند و عمل نیابی را صحیح انجام دهد تا از احرام خارج شود (مناسک س ۸۰۱-۸۰۲)

[۳۸۷] م- اگر بعد از نماز طواف متوجه شود که قرائت یا ذکر واجب را صحیح ادا نکرده است، چنانچه احتمال نمی‌داده است آن چه ادا کرده غلط بوده است نمازش صحیح است (۲) (مناسک س ۸۰۳)

[۳۸۸] م- کسی که حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را صحیح ادا نمی‌کند، می‌تواند جهت انجام عمره مفرده استحبابی یا حج استحبابی محرم شود. (۳) ولیکن چنانچه می‌تواند، باید نماز خود را تصحیح کند (مناسک س ۸۱۲)

۱- آیه الله سیستانی: احرامش صحیح است و باید به نیت منوب عنه تمام کند هر چند به احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست. آیه الله بهجت: شخصی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معذور بوده و بدون توجه از طرف دیگری محرم شده احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد در این صورت نیابتش صحیح است و هر چند از اول نمی‌توانسته نایب شود. آیه الله تبریزی، خویی، گلپایگانی: احتیاطاً حج را به نیت منوب عنه تمام کند- آیه الله گلپایگانی اضافه فرموده‌اند: ولیکن صحت عمره مذکور برای منوب عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نماید

۲- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: نماز باطل است و باید اعاده شود. آیه الله خویی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است. آیه الله سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است و الا اعاده نماید

۳- نظر آیات عظام در مورد نایب گرفتن برای نماز طواف و به جماعت خواندن آن گذشت

[۳۸۹] م- اگر در حال قرائت یا ادای ذکر واجب، او را حرکت دادند، به طوری که استقرار از بین برود، باید آن مقداری را که بدون استقرار بوده مجدداً اعاده نماید و اگر در حال تکرار نیز از استقرار خارج شد، باز باید آن را اعاده کند و اما اگر حرکت به حدی نباشد که به استقرار معتبر در نماز ضرر بزند، نباید آن چه در حال حرکت گفته اعاده نماید، مگر به قصد احتیاط، به شرط آن که وسوسه نباشد (مناسک س ۸۰۵)

[۳۹۰] م- انجام طواف مستحب قبل از اعمال عمره تمتع و مفرده و پس از محرم شدن برای حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات و پیش از طواف حج یا طواف نساء، به عمره و حج ضرر نمی‌زند، گرچه احوط ترک طواف مستحبی است. (۱) (مناسک س ۷۶۸)

[۳۹۱] م- هر شوط از طواف مستحب را نمی‌توان به نیت یک نفر انجام داد، ولی انجام یک طواف به نیابت از چندین نفر اشکالی ندارد. (۲) (مناسک س ۷۶۹)

### مستحبات طواف

#### مستحبات طواف (۳)

[۳۹۲] م- در حال طواف، مستحب است بگوید:

۱- آیه الله خویی: احوط این است که متمتع پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات طواف مستحبی نماید و چنان چه طواف نمود بعد از طواف تلبیه را تجدید کند. آیه الله سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکالی ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات، به احتیاط واجب طواف مستحبی نکند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه را تجدید کند

۲- آیه الله سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد. آیه الله مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهداء کند

۳- آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجا آورد

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواهد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد به خصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد این دعا را بخواند:

«سَأَلْتُكَ، فَقِيرُكَ، مَسِيكِيْنُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبِيدُ عِبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقْنِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ الشُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ

فَسَقَةَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست به دعا بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا أَمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم، وقتی که به مستجار (۱) رسید، مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش بطلبد که ان

۱- مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد

شاء الله تعالى مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَاعْفُ لِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید (۱):

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

۱- آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می دهد و آنچه را نمی توان انجام داد، هرگاه نیت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد

## نماز طواف

### اشاره

سوم از واجبات عمره نماز طواف است.

[۳۹۳] م- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره، دو رکعت نماز بخواند؛ مثل نماز صبح. (مناسک، مسأله ۷۷۳)

[۳۹۴] م- می‌تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند، مگر سوره‌های سجده، (۱) و مستحب است در رکعت اول، بعد

از «حمد»، سوره «قل هو الله احد» و در رکعت دوم، سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند. (مناسک، مسأله ۷۷۴)

[۳۹۵] م- جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح، یا آهسته مثل نماز ظهر. (مناسک، مسأله ۷۷۵)

[۳۹۶] م- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است (۲) و باید اعاده

۱- آیه الله سیستانی: قرائت سوره‌های سجده در نماز جایز است، ولی اگر سجده را انجام داد نماز باطل می‌شود مگر اینکه سهواً سجده کند و اگر سجده نکند نماز صحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سجده، به سوره‌ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هر چند عمداً شروع کرده باشد

۲- آیه الله بهجت: بعد از استقرار آن به تروی علی الأحوط، و اظهار اعتبار ظنّ در رکعات است مثل ظنّ در افعال؛ چه ظنّ به وجود باشد یا عدم، به مصحح باشد یا مبطل، به رکن باشد یا غیر آن، در محل شک و یا نسیان باشد یا خارج از محل. پس لوازم آن از تدارک یا بطلان یا عدم تدارک را مترتب می‌کند، اگر چه احتیاط در اعاده است فی الجملة، در صورت تعلق ظنّ به فعل که تدارک نمی‌کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً



کند و بعید نیست اعتبار ظنّ در (۱) رکعات و در ظن در افعال (۲) احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیّه مساوی است. (مناسک، مسأله ۷۷۶ و سؤال ۸۲۰)

[۳۹۷] م- احوط آن (۳) است که بعد از طواف، مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد. و میزان، مبادرت عرفیه است، به طوری که به نظر عرف بین آن دو فاصله نشود و اگر به قدری فاصله اندازد که موالات عرفیه به هم بخورد، طواف و نمازش صحیح است. (۴) (مناسک، مسأله ۷۷۷)

۱- آیه الله مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است

۲- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظن در افعال، حکم شک را دارد. آیه الله گلپایگانی، آیه الله فاضل: ظن در افعال معتبر است

۳- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بایستی بعد از طواف، مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده و آیه الله خویی اضافه نموده اند که: فصل بین طواف و نماز طواف مبطل طواف است و اگر تدارک نشود حج باطل می شود. (استفتائات، ص ۲۴۶، س ۷۳۰). آیه الله سیستانی: به این معنی که به نظر عرف، بین آن دو فاصله ای نباشد، ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد. آیه الله فاضل: اقوی مبادرت به نماز است و در صورتی که عالماً و عامداً اخلال به فوریت کند ظاهراً طواف باطل می شود و اگر تدارک نکند و وقت بگذرد حج نیز باطل است

۴- آیه الله سیستانی: فاصله انداختن به مقدار ده دقیقه برای استراحت، یا تحصیل جای مناسبی برای نماز، مُخَلّ به مبادرت نیست، ولی به کارهایی جدای از نماز طواف، مثل خواندن نماز قضا و مانند آن مشغول نشود و اگر عمداً اخلال به مبادرت نمود، احتیاطاً طواف را هم اعاده کند. آیه الله فاضل: ظاهراً مقدار فاصله مخلّ به موالات عرفیه نسبت به افراد و هنگام ازدحام و غیر آن فرق می کند. و به طور کلی فاصله از ده تا پانزده دقیقه برای استراحت و رفع خستگی و تطهیر محلّ نیست. و اگر عمداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف را هم اعاده کند. آیه الله گلپایگانی: احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است. آیه الله تبریزی: با فوت موالات عرفی، احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند. آیه الله خویی: باید اعاده نماید. (استفتائات)

[۳۹۸] م- انجام نماز مستحبی یا عبادت دیگر بین طواف و نماز آن، تا وقتی که موالات عرفیه به هم نخورده مانعی ندارد.  
(۱) (مناسک س ۸۲۰ و ۸۰۷)

[۳۹۹] م- واجب است این نماز (۲) نزد مقام ابراهیم واقع شود و احتیاط (۳) واجب آن است که پشت مقام به جا آورد [به طوری] که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیکتر بایستد، لیکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند. (مناسک، مسأله ۷۷۸)

[۴۰۰] م- در این که نماز طواف نزد مقام و پشت مقام باشد ملاک نظر عرف است، یعنی باید به طوری باشد که عرفاً بگویند نماز را نزد مقام و پشت مقام

---

۱- نظر آیه الله سیستانی در مسأله قبل گذشت

۲- آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب نزد مقام واقع شود

۳- آیه الله تبریزی: احوط بلکه اظهر آن است.... آیه الله خامنه‌ای: واجب است این نماز، پشت مقام، نزدیک به آن خوانده شود به شرط این که مزاحمت برای دیگران نباشد. آیه الله مکارم: واجب است نماز طواف را در صورت امکان پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد

[۴۰۱] م- اگر به واسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد؛ به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می کند به واسطه دوری زیاد، (۱) در یکی از دو جانب به جا (۲) آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می خواند. (مناسک، مسأله ۷۷۹)

[۴۰۲] م- اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را به جا آورد، باید ملاحظه نزدیکتر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند و در دو طرف کافی نیست و اگر دو طرف نزدیکتر

۱- آیه الله نوری: در هر نقطه‌ای از مسجد الحرام نماز طواف را بخواند مجزی است هر چند بهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم، الأقرب فالأقرب (هر چه نزدیکتر باشد بهتر است) را مراعات کند. آیه الله خامنه‌ای: در هر نقطه‌ای که خلف صدق کند کافی است اگر چه از مقام دور باشد بلکه در این صورت صحت نماز در هر جای مسجد الحرام بعید نیست

۲- آیه الله بهجت: در صورت عدم تمکن و بُعد مفرط، در یکی از دو جانب آن بجا آورد.

آیه الله تبریزی: نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکن از نزدیکی مقام، با مراعات الأقرب فالأقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می تواند بجا آورد.

آیه الله خویی: در صورت عدم تمکن از نماز نزدیک مقام، می تواند با رعایت الأقرب فالأقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد.

آیه الله سیستانی: و اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن بجا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکی اش؛ چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام بجا آورد و اگر نتواند آن دو را بجا آورد، هر کدام که ممکن است انجام دهد و اگر نتواند هیچکدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنابر احتیاط مستحب رعایت کند هر چه به مقام نزدیکتر باشد و اگر پس از آن، تا زمانی که وقت سعی تنگ شود نتوانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند، احتیاط مستحب اعاده آن است

از پشت باشند به مقام ولکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفا به پشت، لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیکتری و احوط اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی. (مناسک، مسأله ۷۸۰)

[۴۰۳] م- اگر با علم و عمد نماز طواف را ترک کرد یا آن را باطل انجام داد و سعی و تقصیر نمود، باید نماز طواف و سعی و تقصیر را اعاده نماید و تا انجام نداده، در احرام عمره باقی می ماند. (۱) (مناسک س ۷۹۴)

[۴۰۴] م- اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند، باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۴۰۶ به بعد ذکر شده عمل نماید. (مناسک، مسأله ۷۸۲)

[۴۰۵] م- اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید، از همانجا سعی را رها کند و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همانجا (۲) تمام کند. (مناسک، مسأله ۷۸۳)

[۴۰۶] م- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند، عمل کرده، اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد، اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است. (مناسک، مسأله ۷۸۴)

[۴۰۷] م- اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را

۱- آیه الله سیستانی، فاضل: به احتیاط واجب باید طواف را نیز اعاده کند. آیه الله خویی: باید طواف را اعاده نماید. آیه الله تبریزی: با فوات موالات عرفی احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند

۲- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت تجاوز از نصف، بقیه سعی را و در کمتر از نصف، همه آن را مجدداً بجا آورد. (آداب و احکام حج، مسأله ۶۴۱)

فراموش کرده، باید هر جا (۱) یادش آمد نماز را بجا آورد، اگر چه در شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم (۲) نیست، اگر چه آسان باشد. (مناسک، مسأله ۷۸۵)

[۴۰۸] م- اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد، واجب است بر پسر بزرگ (۳) او، که آن را قضا کند؛ به نحوی که در کتاب «صلات» تفصیل داده شده است. و اگر دیگری بجا آورد کافی است. (مناسک، مسأله ۷۸۶)

۱- آیه الله خامنه‌ای: اگر از مکه دور نشده و برگشتن و انجام نماز در محلّش برای او مشکل نیست، باید برگردد به مسجد الحرام و در محلّش بجا آورد و اگر از مکه دور شده، در همانجایی که یادش آمد بجا آورد. آیه الله سیستانی: اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز بجا آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد نماز را در همان موضعی که یادش آمده انجام دهد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسور باشد. آیه الله فاضل: اگر در منا باشد مخیر است بین خواندن نماز در منا و استنابه و الا در هر جا که هست همانجا نماز بخواند گرچه جواز گرفتن نایب هم بعید نیست

۲- آیه الله بهجت: و احوط آن است برگردد به حرم اگر دشوار نباشد و آنها را بجا آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن به مقام، استنابه را لازم دانسته‌اند بنابراین، احوط جمع است میان قضای آنها، در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام بجای آورد. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط و اولی این است برگشته و نماز را در حرم بجا آورد. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او بجا آورد،

۳- آیه الله بهجت: بر ولی او لازم است آن را قضا کند. آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید پسر بزرگترش، آن را از طرف پدر قضا کند. آیه الله مکارم: و اگر دیگری نیز بجا آورد کفایت می کند

[۴۰۹] م- جاهل به مسأله، در احکامی که برای ناسی ذکر شد، شریک است با او. (مناسک، مسأله ۷۸۷)

[۴۱۰] م- واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته‌اند (۱) اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است و همچنین حج نیز باطل است. پس علاوه بر آنکه به این قول، از حجّه الاسلام براءت ذمه پیدا نمی‌کند، ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود؛ مثل زن و چیزهایی که گذشت، بر او حلال نشود. (۲) (مناسک، مسأله ۷۸۸)

[۴۱۱] م- اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش به جا آورد و کافی است و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اقتدا کند، لیکن (۳) اکتفا به نماز جماعت نکند؛ چنانکه نایب گرفتن نیز کافی نیست. (۴) (مناسک، مسأله ۷۸۹)

۱- آیه الله تبریزی: اگر با فرض تمکن، به طور ملحون نماز بخواند نمازش باطل، است مگر این که جاهل قاصر یا معتقد به صحت قرائت باشد و در فرض تعمید حجش باطل می‌شود. آیه الله خویی: اگر در زمانی که نماز خواند می‌توانست صبر کند و قرائتش را تصحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمید حجش باطل می‌شود

۲- آیه الله مکارم: البته دقت‌های علمای تجوید شرط نیست، همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است

۳- آیه الله بهجت: و اگر ممکن شود، نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان جماعت، عمل به وظیفه یومیّه کافی است

۴- آیه الله خامنه‌ای: مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست، پس به هر نحو می‌تواند خودش بخواند و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

آیه الله سیستانی: اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند، هر چند در اثر مسامحه و سهل‌انگاری، ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند، خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اگر وقت برای یاد گرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتدبه یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندن صدق کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اما سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است به طور فردی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است. آیه الله مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد

[۴۱۲] م- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.  
(مناسک، مسأله ۷۹۰)

[۴۱۳] م- اگر کسی از روی بی‌مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به هر نحو که می‌تواند باید بخواند و صحیح است، لیکن معصیت کار است و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۴۱۸ عمل کند و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند. (۱) (مناسک مسأله ۷۹۱)

۱- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنابر احتیاط واجب به هر نحوی که خودش می‌تواند بخواند و با جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد. آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب در صورت مقصّر بودن، این است که هم نماز را به کیفیتی که بیان آن گذشت بجا آورد و هم آن را به جماعت بخواند و هم نایب جهت انجام آن از طرفش بگیرد

[۴۱۴] م- کسی که حمد و سوره نمازش را نمی‌تواند به طور صحیح تلفظ کند، اگر وقت دارد و می‌تواند با تأخیر طواف، قرائت خود را تصحیح کند، تأخیر آن لازم نیست (۱) و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز نتواند غلطهای خود را درست کند به هر نحو می‌تواند نماز بخواند. (مناسک س ۸۲۲-۸۱۰).

[۴۱۵] م- اگر نماز طواف را در غیر موضعی که باید بجا آورد انجام داد، مثل این که در حجر اسماعیل علیه السلام نماز خواند و بعد از آن متوجه شد، باید نماز را اعاده کند (۲)، ولی اعاده سایر اعمال لازم نیست. (مناسک س ۸۱۵)

[۴۱۶] م- اگر زن بعد از طواف و قبل از انجام نماز طواف حائض شد، چنان چه وقت وسعت دارد صبر می‌کند تا پاک شود و پس از تحصیل طهارت، نماز طواف و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد برای نماز طواف نایب می‌گیرد و سعی و تقصیر را به جا می‌آورد. (مناسک س ۸۱۱)

[۴۱۷] م- اگر زن نماز طواف را فراموش کرد، یا به جهت جهل به مسأله یا سهواً آن را باطل انجام داد و پس از آن که متوجه شد حایض گردید، در وسعت وقت پس از پاک شدن، نماز طواف را بجا می‌آورد و اگر بعد از انجام سعی یا تقصیر متوجه شد که نماز را ترک کرده یا باطل انجام داده اعاده سعی و تقصیر لازم نیست. (مناسک س ۷۹۵)

۱- آیه الله بهجت: اگر عسر و حرج ندارد صبر کند یا به جماعت بخواند. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: اگر برای او امکان داشته باشد باید تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح نماید. آیه الله فاضل، مکارم: باید تأخیر بیندازد مگر این که بقای در احرام موجب عسر و حرج شود. آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد

۲- آیه الله نوری همدانی: اعاده نماز هم لازم نیست



[۴۱۸] م- انجام نماز طواف به جماعت کافی نیست (۱) ولی اگر کسی که حمد و سوره اش درست نیست بخواهد برای احتیاط (۲) نماز طوافش را به جماعت بخواند می تواند در طواف واجب به شخص عادل که نماز طواف واجبش را می خواند اقتدا کند هر چند طواف امام غیر طواف مأوم باشد مثل این که در نماز طواف به نماز طواف نساء اقتداء کند. (مناسک س ۷۹۹-۸۰۰)

[۴۱۹] م- کسی که نمی تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را به طور صحیح تلفظ کند جایز نیست از طرف دیگری برای حج یا عمره نیابت کند هر چند نیابتش تبرعی باشد و اگر نایب شد احرامش باطل است. (۳) بلی کسی که می تواند ذکرهای واجب را تصحیح کند نیابتش جایز است و اگر نایب شد باید نمازش را تصحیح کند و عمل نیابی را صحیح انجام دهد تا از احرام خارج شود (مناسک س ۸۰۱-۸۰۲)

[۴۲۰] م- اگر بعد از نماز طواف متوجه شود که قرائت یا ذکر واجب را صحیح ادا نکرده است چنان چه احتمال نمی داده است آن چه ادا کرده غلط بوده است

۱- آیه الله بهجت: کافی بلکه مستحب است

۲- آیه الله مکارم: بهتر ترک این احتیاط است

۳- آیه الله سیستانی: احرامش صحیح است و باید به نیت منوب عنه تمام کند هر چند به احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست. آیه الله بهجت: شخصی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معذور بوده و بدون توجه از طرف دیگری محرم شده احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد در این صورت نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی توانسته نایب شود. آیات عظام تبریزی، خویی، گلپایگانی: احتیاطاً حج را به نیت منوب عنه تمام کند. آیه الله گلپایگانی اضافه فرموده اند: ولکن صحت عمره مذکور برای منوب عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نماید

نمازش صحیح است. (۱) (مناسک س ۸۰۳)

[۴۲۱] م- کسی که حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را صحیح ادا نمی کند می تواند برای انجام عمره مفرده استحبابی یا حج

استحبابی محرم شود. (۲) ولکن چنان چه می تواند، باید نماز خود را تصحیح کند. (مناسک س ۸۱۲)

[۴۲۲] م- اگر در حال قرائت یا اداء ذکر واجب، او را حرکت دادند، به طوری که استقرار از بین برود، باید آن مقداری را که بدون

استقرار بوده مجدداً اعاده نماید و اگر در حال تکرار نیز از استقرار خارج شد باز باید آن را اعاده کند و اما اگر حرکت به حدی

نباشد که به استقرار معتبر در نماز ضرر بزند نباید آن چه در حال حرکت گفته اعاده نماید مگر به قصد احتیاط به شرط آن که

و سوسه نباشد. (مناسک س ۸۰۵)

[۴۲۳] م- نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجد الحرام جایز است، به خصوص در

موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند. (مناسک مسأله ۷۹۲)

[۴۲۴] م- در نماز طواف لازم نیست مرد جلوتر از زن بایستد یا بین آن دو فاصله باشد بلکه اگر در کنار هم نیز نماز بخوانند صحیح

است. (۳) (مناسک س ۸۰۸)

۱- آیات عظام بهجت، صافی، گلیایگانی: نماز باطل است و باید اعاده شود. آیه الله خویی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است. آیه

الله سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است و الا اعاده نماید

۲- نظر آیات عظام در مورد نایب گرفتن برای نماز طواف و به جماعت خواندن آن گذشت

۳- آیه الله خامنه‌ای: ولی باید رعایت عدم تقدّم زن بر مرد بشود، پس اگر مرد ولو به مقدار کمی از زن جلوتر باشد، نماز هر دو

صحیح است و همچنین اگر بین آنان فاصله باشد ولو به مقدار یک وجب. آیه الله فاضل: باید رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم

محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم

عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست

[۴۲۵] م- در مواردی که مکلف می‌ترسد اگر نماز طواف را شروع کند در اثنا او را حرکت دهند و نمازش راقطع کنند اگر به امید این که بتواند آن را به طور صحیح انجام دهد شروع کند و نماز را به پایان برساند نمازش صحیح است. (مناسک س ۸۰۹).

### مستحبات نماز طواف

#### مستحبات نماز طواف (۱)

[۴۲۶] م- در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید (۲):

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعِيَهُ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

۱- آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجا آورد

۲- آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: دعای اول و دوم در مناسک ایشان موجود نیست و در دعای آخر نیز تفاوت در عبارت وجود

دارد

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَيَجِدُ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَةً بِيَدِكَ فَاعْفُزْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرَكَ فَاعْفُزْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرَكَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

## سعی بین صفا و مروه

## اشاره

چهارم از واجبات عمره، سعی بین صفا و مروه است

[۴۲۷] م- واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف، سعی کند بین صفا و مروه، که دو کوه معروف اند. (مناسک، مسأله ۸۲۵)

[۴۲۸] م- مراد از «سعی» آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

(مناسک، مسأله ۸۲۶)

[۴۲۹] م- واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند؛ به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک

شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است. (مناسک، مسأله ۸۲۷)

[۴۳۰] م- واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند، هر وقت فهمید (۱)

باید اعاده کند و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند. (مناسک، مسأله ۸۲۸)

[۴۳۱] م- احتیاط آن است (۲) که ابتدا کند از جزء اول صفا و از آنجا شروع به

۱- آیه الله مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند، بعید نیست کفایت کند

۲- آیه الله بهجت: واجب است که ابتدا کند از جزء اول صفا به آنکه پاشنه پارا بچسباند، در غیر سوار و محمول، به جزء اول

مسافت. آیه الله خویی: واجب است که ابتدا کند از اول جزء صفا. آیه الله سیستانی: باید تمام مسافت بین دو کوه پیموده شود و بالا

رفتن از کوه لازم نیست گرچه احتیاط مستحب است و احتیاط واجب این است که فاصله مذکور دقیقاً همه آن پیموده شود؛ یعنی

اینکه شوط اول را- مثلاً- از اولین جزء پایین کوه صفا آغاز کند و حرکت کند تا برسد به اولین جزء کوه مروه و به همین ترتیب

بقیه شوطها را انجام دهد. آیه الله مکارم: واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هم‌اکنون قسمتی از کوه

صفا و مروه را مفروش کرده‌اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت نمایان کوه برود بلکه همین اندازه که به

قسمت سربالایی برسد کافی است

- سعی کند و در صورتی که روی کوه برود و همانطور به نحو متعارف سعی کند کفایت می‌کند. (مناسک، مسأله ۸۲۹)
- [۴۳۲] م- حرکت بر قسمتی از کوه صفا و مروه در پایان شوط و آغاز شوط، بعد به صورت هلالی شکل یا مستقیم چنان چه متعارف است ضرری به سعی نمی‌زند. (مناسک س ۸۶۷)
- [۴۳۳] م- سعی بین صفا و مروه را می‌توان سواره و بر روی محمل انجام داد، چه در حال اختیار و چه با عذر، لیکن راه رفتن افضل است. (مناسک، مسأله ۸۳۰)
- [۴۳۴] م- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی (۱) معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است. (مناسک، مسأله ۸۳۱)
- [۴۳۵] م- اگر زن حجاب واجب خود را در سعی مراعات نکند سعی او صحیح است هر چند به واسطه ترک حجاب معصیت نموده است. (مناسک س ۸۸۵)
- [۴۳۶] م- واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز، آن را اعاده کند. (مناسک، مسأله ۸۳۲)

---

۱- آیه الله مکارم: ستر عورت احتیاط واجب است. آیه الله نوری: با عدم وجود ناظر محترم، معتبر نیست

[۴۳۷] م- اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوی (۱) آن است که آن را اعاده کند و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد. (مناسک، مسأله ۸۳۳)

[۴۳۸] م- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه، سعیش باطل است. (مناسک، مسأله ۸۳۴)

[۴۳۹] م- اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند (۲) طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد، از هر طبقه جایز است سعی کند گرچه احوط (۳) سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده. (مناسک، مسأله ۸۳۵)

[۴۴۰] م- اگر طبقه زیرزمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه‌دار بود و سعی بین آن دو واقع شد صحیح است علی الظاهر و احوط سعی از طبقه روی زمینی است. (۴) (مناسک، مسأله ۸۳۶)

۱- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب. آیه الله تبریزی: اگر مقدم داشتن سعی از جهت فراموشی طواف بوده باشد، باز احوط این است که سعی را پس از طواف اعاده نماید. آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، ولی اگر طواف عمره تمتع را پس از وقوف به عرفات، یا طواف حج را پس از پایان ذی حجه متذکر شد اعاده سعی لازم نیست گرچه بهتر است

۲- آیه الله بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به اینکه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می‌شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می‌شود، کفایت می‌کند. آیه الله فاضل: جایز نیست. آیه الله مکارم: طبقه دوم که فعلاً وجود دارد میان دو کوه نیست و سعی در آنجا اشکال دارد

۳- آیه الله خامنه‌ای، این احتیاط در مناسک ایشان نیست

۴- آیه الله بهجت: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود

[۴۴۱] م- واجب است در وقت رفتن به طرف مروه، متوجه به آنجا و وقت رفتن به صفا متوجه به آن باشد. پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لیکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد. (۱) (مناسک، مسأله ۸۳۷)

[۴۴۲] م- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی (۲) و لازم نیست عذری داشته باشد بنا بر اقوی. (۳) (مناسک مسأله ۸۳۸)

[۴۴۳] س- اگر قسمتی از سعی را عقب عقب یا به پهلو برود باید آن مقدر را تدارک کند و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است. (۴) (مناسک، س ۸۷۵)

[۴۴۴] م- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن، برای رفع خستگی یا

۱- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که سینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن به صفا رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد. (آداب و احکام حج، ص ۲۶۴) آیه الله مکارم: مثلاً اگر برای ملاحظه همراهان نگاهی به عقب کند مانعی ندارد

۲- آیه الله خامنه‌ای، از اینجا تا آخر این مسأله را متعرض نشده‌اند

۳- آیه الله خویی: به خاطر استراحت جایز است نشستن بر صفا یا مروه تا استراحت حاصل شود و احوط ترک جلوس است در مابین صفا و مروه بدون عذر. آیه الله بهجت: احوط ترک جلوس است در ما بین صفا و مروه بدون عذر. آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد. آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که نشستن در وسط راه جهت استراحت ترک شود، مگر برای کسی که خسته شده باشد. آیه الله مکارم: احتیاط واجب رعایت موالات عرفیه در سعی است

۴- آیه الله مکارم: می‌تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد



تخفیف گرمی هوا و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب، گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است. (مناسک، مسأله ۸۳۹)

[۴۴۵] م- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر؛ از قبیل مرض. (۱) (مناسک، مسأله ۸۴۰)

[۴۴۶] م- سعی از عبادات است و باید آن را بانیت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد. (۲) (مناسک، مسأله ۸۴۱)

[۴۴۷] م- سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت. (مناسک، مسأله

۸۴۲)

[۴۴۸] م- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت. (مناسک،

مسأله ۸۴۳)

[۴۴۹] م- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی؛ چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر آن است که زاید را

رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند. (۳) (مناسک، مسأله ۸۴۴)

### سعی از مسعای جدید

با سلام و تحیت، بدینوسیله به استحضار می‌رساند: براساس اظهار نظر افراد مورد اطمینان اعزامی ازسوی سازمان حج و زیارت به

مکه مکرمه و مدینه منوره، شرایط مسعای جدید به گونه‌ای است که در قسمت صفا، قبل از رسیدن به دیوار سابق (همانجا که کوه

صفا واقع است) دیوار کاذبی گذاشته‌اند که زائران از

۱- آیه الله تبریزی: تأخیر تکلیفاً جایز است ولی باید طواف و نماز را اعاده نمود. آیه الله مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او

باطل نخواهد شد هرچند گناه کرده است

۲- آیه الله سیستانی: عبادت باید برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام شود

۳- آیات عظام بهجت، خوبی، سیستانی: اگر زاید یک شوط یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند

آنجا باید نیت کرده سعی را آغاز کنند. حال خواهشمند است بفرمایید که سعی در مسعای جدید با شرایط فوق مجزی است یا خیر؟

پاسخها:

آیه الله بهجت: اگر ثابت شود که عرض مسعای جدید، در بین کوه صفا و مروه است، مانعی ندارد؛ و گرنه با رعایت اقرب به مسعای قدیم، مجزی است.

آیه الله خامنه‌ای: با توجه به اعلام و اخبار ثقه و قرائن و شواهد دیگر «مسعای جدید» میان دو کوه صفا و مروه واقع است و سعی در آن مجزی است انشاء الله.

آیه الله سبحانی: صفا جزئی از کوه ابوقبیس چنانچه مروه جزئی از کوه قعیقاعان است.

با در نظر گرفتن قرائن موجود در قسمت مروه و شواهد تاریخی و شهادت گروهی از معمرین مورد وثوق مکه و مدینه، مسعی گسترده‌تر از وضع فعلی بوده است. بنابراین سعی در مسعای جدید سعی بین صفا و مروه است هر چند ادامه این دو کوه در این بخش به خاطر ایجاد راه و عوامل دیگر از بین رفته است.

ما شواهد تاریخی و علائم مفید اطمینان بر وسیع بودن مسعی را در رساله مستقلی نوشته‌ایم و در آخر جزء پنجم از کتاب حج چاپ شده است علاقمندان برای آگاهی از مدارک وسیع بودن مسعی می‌توانند به آن رساله مراجعه کنند.

آیه الله شبیری زنجانی: سعی در مسعای جدید مجزی است

آیه الله صافی گلپایگانی: به نظر حقیر مکلف باید وقوع سعی را بین صفا و مروه احراز نماید و اعتماد بر قول اهل خبره مورد وثوق که مستند به حس باشد کافی است.

آیه الله شاهرودی: بسمه تعالی، سعی باید بین صفا و مروه باشد و نسبت به مسعای جدید عده‌ای از مؤمنین اهل خبره و ثقات اهل خبره شهادت داده‌اند که

بین الجبلین می‌باشد. لکن جهت احتیاط و حصول اطمینان مقداری بیشتر از علامات موجود به طرف مروه بالا-رفته و همچنین به طرف صفا، و انشاء الله مجزی خواهد بود.

آیه الله سیستانی: ج. سعی در طبقه دوم مجزی نیست و سعی در مسعی جدید، چنان چه مکلف اطمینان پیدا کند که کوه صفا و مروه، تا آنجا امتداد داشته و یا برای او ثابت شود که شهادت ثقه از اهل خبره، که معارض ندارد، بر آن وجود دارد، سعی از آنجا مانعی ندارد و در غیر این صورت، کسانی که می‌دانند، خروجشان از احرام، با اجرای احکام مصدود، مشکل می‌شود. ولی اگر نمی‌دانستند و محرم شدند، باید بین اعمال عمره مفرده و احکام مصدود، جمع نمایند، یعنی هم از مسعی جدید سعی کنند و هم قبل از تفصیر، یک گوسفند، به عنوان احکام مصدود ذبح کنند.

آیه الله نوری همدانی: در فرض سؤال، سعی در مسعی جدید که بین دو کوه صفا و مروه قرار دارد، مجزی است. آیه الله مکارم شیرازی: استفاده از مسعی جدید شرعاً اشکال ندارد و به طوری که مطلعین می‌گویند کوه صفا و مروه، تنها به مقداری که الآن مشاهده می‌شود نیست، بلکه از دو طرف ادامه دارد که قسمت فوقانی کوه را که در مسعی جدید قرار داشته و در تعمیرات گذشته برداشته‌اند؛ بنابر این سعی در مسعی جدید نیز سعی بین صفا و مروه محسوب می‌شود. اضافه بر این، زیارت خانه خدا در هیچ زمانی نباید تعطیل شود و به فرض که مسعی جدید بین جبلین نباشد، میسور مسعی قدیم است؛ و المیسور لا یترک بالمعسور.

### کم کردن سعی

[۴۵۰] م- اگر سعی را سهواً کم کند، واجب است آن را اتمام کند هر وقت

یادش بیاید (۱) و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد. (مناسک، مسأله ۸۴۵)

[۴۵۱] م- اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، (۲) احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر، فراموش کرد به هفت مرتبه برساند، جایز است از همانجا سعی را تمام کند، لیکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد. (۳) (مناسک، مسأله ۸۴۶)

۱- آیه الله سیستانی: چه یک شوط فراموش کرده باشد یا بیشتر، بنابر اقوی و اگر پس از گذشتن زمان سعی یادش بیاید؛ مثلاً در عرفات یادش بیاید سعی عمره‌اش ناقص بوده یا پس از انتهای ذی‌حجه به یاد آورد سعی حجش ناقص بوده، احتیاط آن است که کمبود را جبران کند و سپس سعی را از سر بگیرد و اگر نتواند برگردد یا مشقت دارد، باید نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که نایب هم جمع نماید بین تدارک مقدار کمبود و بین اعاده سعی کامل

۲- آیه الله سیستانی: در صورتی که پس از فوت موالات باشد

۳- آیه الله بهجت: و اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هر چند بعد از فراغت اعمال حج باشد، تدارک نماید و در صورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سخت باشد واجب است نایب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل بجا آورد و در صورت دشواری آن نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هر چند بعد از فراغت از اعمال حج باشد، تدارک نماید. و اگر خود نتواند تدارک کند یا تدارک آن مشقت داشته باشد واجب است نایب بگیرد و در این صورت احتیاط این است که نایب به نیت فراغ ذمه منوب عنه از اتمام یا تمام، یک سعی کامل بجا آورد. و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام بجا آورد.

آیه الله فاضل: اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد که انجام دهد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و همین‌طور است اگر کمتر از چهار مرتبه را انجام داده باشد و بقیه را فراموش کرده باشد

## شک در سعی

- [۴۵۲] م- اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری، شک در دُرست آوردن آن کند، اعتنا نکند و سعی صحیح است و همینطور اگر در بین رفت و آمد، شک در صحیح بجا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند. (مناسک، مسأله ۸۵۱)
- [۴۵۳] م- اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیاده‌تر؛ مثل اینکه شک کند بین هفت و نه اعتنا نکند و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد؛ مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا. (مناسک، مسأله ۸۵۲)
- [۴۵۴] م- اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعد شک کرد که سعی کرده است یا نه، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، (۱) گرچه احتیاط در آوردن (۲) است،

۱- آیه الله خویی: فتوای ایشان در این مسأله روشن نیست و لذا احتیاط به اعاده طواف و نماز و اتیان سعی است. آیه الله سیستانی: احتیاط واجب اتیان به سعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهد عمداً سعی را تأخیر انداخته که در این صورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست

۲- آیه الله تبریزی: احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است. آیه الله فاضل: اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر انداختن سعی بدون عذر است، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، اگرچه احتیاط مستحب در آوردن است و اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر با عذر باشد. در این صورت وجهی برای بناگذاری بر اینکه آورده شده نیست. آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود

مگر آنکه بعد از تقصیر شک کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.

(مناسک، مسأله ۸۵۳)

[۴۵۵] م- اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر، اعتنا نکند (۱) و اگر شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد، چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از اشکال نیست، (۲) احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد اتمام کند خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را، که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست (۳) و اگر شک در زیاده دارد و می‌داند ناقص نشده اعتنا نکند. (مناسک مسأله ۸۵۰)

۱- آیه الله فاضل: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شک در زیاده کند

۲- آیات عظام بهجت، مکارم، نوری: اعتنا به شک نکند و عملش صحیح است. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اظهار این است که باید به این شک اعتنا شود و شک در عدد اشواط سعی را باطل می‌کند. آیه الله سیستانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهد، بنابر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می‌دهد در صورتی که شک او قبل از به هم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است، لیکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده، احتیاط آن است که دوباره سعی کند. (آراء المراجع، ص ۲۹۷)

۳- آیه الله مکارم: اگر از عمل منصرف شده و به ظاهر، آن را پایان داده، به این شک اعتنا نکند

## احکام سعی

[۴۵۶] م- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط آن است که سعی (۱) را اعاده کند، اگرچه اقوی کفایت همان سعی است. (مناسک، مسأله ۸۵۴)

[۴۵۷] م- با تمام کردن سعی، حلال نمی‌شود بر او آنچه حرام شده بود به واسطه احرام. (مناسک م ۸۴۷)

[۴۵۸] م- کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده، می‌تواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زاید طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید. (مناسک س ۸۵۷)

[۴۵۹] م- اگر در اثنای سعی برای نوشیدن آب از مسیر خود منحرف شد باید سعی را از همان نقطه که قطع کرده یا محاذی آن ادامه دهد ولی اگر بدون قطع سعی و با نیت آن به طرف محل آب خوردن برود پس از نوشیدن آب سعی را ادامه دهد مانعی ندارد. (مناسک، س ۸۶۰)

[۴۶۰] م- با توجه به این که محل سعی مسجد نیست زنان حایضی که مجبور هستند برای طواف نایب بگیرند سعی را باید خودشان پس از این که نایب، طواف و نماز را به جا آورد انجام دهند. (مناسک س ۸۶۲)

۱- آیه الله بهجت، آیه الله خامنه‌ای: سعی صحیح است. آیه الله سیستانی: اگر جاهل «قاصر» بوده سعی صحیح است و اگر «مقصر» بوده صحتش اشکال دارد. آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود

[۴۶۱] م- در زمان حاضر که مسیر رفت و برگشت و محل ویژه حرکت چرخ‌ها از هم تفکیک شده، اگر سعی در محل عبور چرخ‌ها، و یا برخلاف جهت سایر سعی کنندگان سعی نماید اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود. (مناسک س ۸۶۵)

[۴۶۲] م- زیادی در سعی جهلاً، بنا بر احتیاط موجب بطلان سعی است. (۱) (مناسک س ۸۷۱)

[۴۶۳] م- اگر کسی در حال سعی، بعد از گذشتن از مکان هروله به گمان این که هروله لازم بوده برگردد و مقداری را که به صورت عادی سیر کرده با هروله تکرار کند سعیش اشکال دارد. (مناسک س ۸۶۶) (۲) [۴۶۴] م- شخصی که در حال سعی، به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی، گاهی به عقب بر می‌گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی کرده سعیش اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند. (۳) (مناسک س ۸۷۷)

[۴۶۵] م- کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخ‌های معمولی در مسعی سعی کند لیکن تمکن مالی ندارد، اگر می‌تواند با چرخ سعی کند و لو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنابه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد. (مناسک س ۸۷۲)

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: حکم زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، گلپایگانی، صافی، فاضل، مکارم: اشکال ندارد. آیه الله خویی: بنا بر اظهر اشکال ندارد اگر چه اعاده سعی مطابق احتیاط است. آیه الله خامنه‌ای: در حال اختیار نباید چنین کند ولی در فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست. اگر چه احتیاط در اتمام و اعاده سعی است

۳- آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: اشکال ندارد. آیه الله سیستانی: مگر این که جاهل قاصر باشد یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام ندهد



[۴۶۶] م- اگر کسی سعی خود را رها کرده و از ابتدا یک سعی کامل انجام داده سعی او اشکال دارد (۱) و باید سعی را اعاده کند. (مناسک س ۸۷۳)

[۴۶۷] م- افرادی که بر روی چرخ و امثال آن سعی می‌نمایند باید در حال سعی بیدار (۲) باشند. (مناسک، استفتاءات جدید سؤال ۱۹)

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: اشکال ندارد. آیه الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز مانعی ندارد. آیه الله سیستانی: اگر پس از فوات موالات عرفیه سعی را از سر گرفته باشد صحیح است و اگر قبل از آن باشد اشکال دارد مگر آن که جاهل قاصر باشد که در این صورت صحیح است

۲- آیه الله مکارم: در صورتی که در ابتدای سعی نیت کرده باشد، اشکالی ندارد. آیه الله تبریزی: احتیاط واجب آن است که خواب نرود. و آن مقدار را که خواب رفته اعاده کند. آیه الله فاضل: اگر بعد از شوط چهارم خواب رفته مابقی را اعاده کند و اگر قبل از آن بوده سعی را اعاده کند. آیه الله نوری: آن مقداری را که در خواب بوده اعاده کند

## حلق یا تقصیر و بعض احکام آن

### اشاره

پنجم از واجبات عمره مفرده حلق یا تقصیر است. (۱)

[۴۶۸] م- واجب است بعد از آنکه سعی کرد حلق یا تقصیر کند، یعنی قدری از ناخن‌ها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند و یا سر خود را تراشد و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند (۲) و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است. (مناسک، مسأله ۸۸۸)

[۴۶۹] م- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط (۳) در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است. (۴) (مناسک، مسأله ۸۹۴)

[۴۷۰] م- این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود مگر آنکه جبران کند. (مناسک، مسأله ۸۸۹)

۱- در عمره مفرده، حلق از تقصیر افضل است

۲- آیه‌الله سیستانی، مکارم: بلکه احتیاط واجب است

۳- آیه‌الله صافی، آیه‌الله گلپایگانی: اقوی است. آیه‌الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که به گرفتن ناخن اکتفاء نکند

۴- به مسأله قبل مراجعه شود

[۴۷۱]- کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، و سپس به شك افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، اگر در حال عمل، عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد. (۱) و به شك خود اعتناء نکند. (مناسک س ۸۹۶)

[۴۷۲]- در عمره مفرده، اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید (۲) و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الأحوط. (مناسک، س ۹۰۸-۸۹۸)

[۴۷۳]- لازم نیست تقصیر را به دست خود انجام دهد بلکه می‌تواند توسط دیگری تقصیر کند و لازم نیست دیگری شیعه باشد. (مناسک س ۸۹۹)

[۴۷۴] م- کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید، نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر. (۳) (مناسک، مسأله ۱۱۴۶)

[۴۷۵] م- کسی که از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، بعد از طواف و نماز آن تقصیر کرد چیزی بر او نیست، ولی باید بعد از سعی، تقصیر را اعاده نماید تا از احرام خارج گردد. (مناسک س ۹۰۱)

[۴۷۶] م- کسی که تقصیر یا حلق عمره مفرده را انجام نداده یا باطل انجام داده

---

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: در صورتی که احتمال التفات در حال عمل را بدهد، اعتنا نکند. آیه الله سیستانی: به هر حال اشکال ندارد

۲- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب

۳- آیه الله بهجت: و بعید نیست تقصیر واقع و موجب احلال شود، هر چند با فعلی که بر غیر حرام است انجام گیرد. آیه الله سیستانی: و مجزی نیز نمی‌باشد

است و برای عمره تمتع یا عمره مفرده دیگری محرم شده، احرامش باطل است و باید با تقصیر یا حلق از احرام عمره مفرده خارج شود و در این حکم فرقی نیست که ترک حلق و تقصیر و یا باطل انجام دادن آن عمدی باشد یا سهوی. (مناسک س ۸۹۷)

[۴۷۷] م- حلق و یا تقصیر عمره مفرده را لازم نیست بلافاصله پس از سعی انجام دهد، بلکه در وسعت وقت نیز می‌تواند در هر جایی که خواست انجام دهد. بنابراین کسی که حلق یا تقصیر عمره مفرده را فراموش کرده و در وطن یادش آمده، در همان جا حلق یا تقصیر نموده ولی باید طواف نساء را اعاده کند. (۱) و اگر نمی‌تواند برای طواف نساء برگردد یا مشقت دارد، نائب بگیرد. (مناسک س ۸۹۸)

[۴۷۸] م- اگر سعی را ترک کند، یا آن را ناقص انجام دهد، یا سعیش باطل باشد و با این حال تقصیر کند، باید سعی را تدارک کند و با این حلق یا تقصیر از احرام خارج شده است. (۲) (مناسک س ۸۸۲-۹۰۶)

[۴۷۹] م- در حلق مستحب است از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

(مناسک م ۱۱۷۱)

۱- آیه الله بهجت: اگر طواف نساء را قبل از تقصیر به جهت ضرورت یا نسیان یا جهل مقدم داشته مجزی است

۲- آیه الله خویی: از احرام خارج نشده و تقصیر یا حلق را اعاده نماید. آیه الله سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط تقصیر یا حلق را اعاده نماید. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: اگر در اثناء سعی تقصیر کرده ولو سهواً یا جهلاً بنابر احتیاط باید تقصیر را پس از سعی اعاده کند. آیه الله تبریزی: اگر در اثناء سعی تقصیر نموده باید پس از سعی اعاده کند

## طواف نساء و نماز آن

ششم و هفتم از واجبات عمره مفرده طواف نساء و نماز آن است

[۴۸۰] م- کیفیت طواف نساء و نماز آن به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن گذشت بدون هیچ تفاوتی، مگر در نیت

که به نیت طواف نساء و نماز آن به جا می‌آورد. (مناسک م ۱۱۷۴)

[۴۸۱] م- طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر و یا سر تراشیدن به جا آورد و اگر به جهت فراموشی و یا به هر دلیل

دیگری آن را مقدم کرد باید بعد از تقصیر یا سر تراشیدن آن را اعاده کند (۱) و اگر خودش نمی‌تواند آن را انجام دهد مثل این که

به وطن برگشته باید برای طواف نساء بگردد. (مناسک س ۱۲۰۹-۱۸۱-۸۹۸)

[۴۸۲] م- کسی که در عمره مفرده تقصیر یا حلق را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، باید

تقصیر یا حلق نموده و طواف نساء را اعاده کند (۲) و چنانچه به وطن برگشته، می‌تواند در همانجا تقصیر یا حلق نماید و برای

طواف نساء در صورت تمکن نداشتن از مراجعت نساء بگردد. (مناسک س ۸۹۸)

[۴۸۳] م- اگر شخصی چندین عمره مفرده بجای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام

آن‌ها کفایت می‌کند. (۳) (مناسک م ۱۲۰۳)

[۴۸۴] م- احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت مافی‌الذمه کند، گرچه می‌تواند به نیت منوب عنه انجام دهد. (۴) (مناسک

م ۱۴۰۴)

۱- آیه الله بهجت: اگر طواف نساء رابه جهت ضرورت یا جهل یا نسیان مقدم داشته مجزی است

۲- نظر آیه الله بهجت در مسأله قبل گذشت

۳- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی: هر احرام، طواف نساء مستقل نیاز دارد. آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: بنا بر

احتیاط، برای هر کدام یک طواف نساء نیاز است

۴- آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: به نیت منوب عنه انجام دهد. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف نساء را باید به نیت

منوب عنه بجا آورد (توضیح المسائل، م ۲۰۵۷). آیه الله فاضل: طواف نساء به نیت منوب عنه انجام شود

[۴۸۵] م- اگر قصد کند طوافی که پس از حلق یا تقصیر واجب است را انجام دهد طواف او صحیح است هر چند نداند که عنوان آن طواف نساء است بلکه خیال کند عنوان دیگری دارد مثل این که تصور کند طواف واجب بر زن طواف رجال است. (مناسک س ۱۲۰۸)

[۴۸۶] م- تا طواف نساء و نماز آن را انجام نداده، حرمت مطلق (۱) استمتاع از همسر باقی است، ولی اگر پس از شوط چهارم (۲) با همسرش مواجهه کند کفاره ندارد. (مناسک س ۱۲۰۵-۱۲۱۱)

[۴۸۷] م- اگر شک کند که طواف نساء را انجام داده یا نه، اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته باید طواف نساء را انجام دهد (۳) و همچنین است در صورت التفات علی الأحوط (۴) بلکه خالی از قوت نیست. (مناسک س ۱۲۱۰)

[۴۸۸] م- نائب در حج یا عمره اگر طواف نساء را ترک کند استمتاع از همسر برای او حلال نمی‌شود و بر او واجب است تا زنده است خودش آن را انجام دهد و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد (۵) (مناسک س ۱۲۱۵)

۱- آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب

۲- آیه الله تبریزی، خویی: پس از شوط پنجم. آیه الله بهجت: بعد از شوط پنجم کفاره ندارد ولی قبل از اتمام شوط پنجم بنابر احتیاط کفاره دارد

۳- آیه الله تبریزی، خویی: اگر بعد از مواجهه بازوجه شک کرد به آن اعتناء نکند. آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب

۴- آیات عظام صافی، مکارم، گلپایگانی: این احتیاط واجب نیست

۵- آیات عظام بهجت، خویی، فاضل: و چنان چه تدارک نکند و فوت کند، بنابر احتیاط واجب باید قضای آن از ترکه‌اش بجا آورده شود

[۴۸۹] م- اگر طواف نساء را در عمره مفرده یا حج ترک کند و برای عمره تمتع یا مفرده یا حج محرم شود احرام جدید او صحیح است و چنان چه طواف نساء را تدارک نکند، طواف نساء احرام دوم از آن کفایت می‌کند. (۱)

### مکان ذبح کفارات عمره و حج

[۴۹۰] م- در تقصیرهایی که در عمره کرده است، در غیر از صید احتیاط واجب (۲) آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد و اگر در حج تقصیر کرد در منا سر ببرد و اگر ترک کرد آن را در برگشت به محل خود در محل خود بکشد و صدقه بدهد. و کفاره صید اگر در عمره بود جای کشتن آن مکه و اگر در حج بوده منی است. (مناسک م ۱۳۱۷-۱۳۵۴- جامع الفتاوی عمره م ۴۹۲)

### معتبر نبودن شرائط قربانی در کفارات

[۴۹۱] م- شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند، هیچ یک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند. (۳) (مناسک م ۱۳۲۷)

[۴۹۲] م- غیر از هدی تمتع، از هدی‌هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان

۱- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی: کفایت نمی‌کند و هر کدام طواف نساء مستقل نیاز دارد. آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط کفایت نمی‌کند

۲- آیات عظام مکارم، بهجت، تبریزی، خویی: احتیاط مستحب... آیه الله صافی، گلپایگانی: واجب است کفارات در احرام عمره را... آیه الله فاضل: فعلاً که گوشت آن صرف فقرا مؤمن نمی‌شود احتیاط آن است که در وطن خود ذبح کند

۳- آیه الله بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود

واجب می‌شود، نمی‌تواند شخص کفارہ دهنده از گوشت آنها بخورد (۱) و اما از قربانی استجبایی جایز است بخورد. (مناسک م ۱۳۲۸)

### مصرف کفارات

[۴۹۳] م- مصرف کفارات: فقرا و مساکین هستند. (۲) (مناسک م ۱۳۲۹)  
 [۴۹۴] م- کفارات را نمی‌توان برای فقرائی که نفقه آن‌ها بر کفارہ دهنده واجب است مصرف نمود (مناسک م ۱۳۵۳)

### تخیر بین قصر و تمام در مکه و مدینه

[۴۹۵] م- تخیر بین قصر و تمام در مکه و مدینه اختصاص (۳) به مسجد الحرام

۱- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: عیبی ندارد که مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقرا به عهده بگیرد. آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: و احتیاط این است که خود کفارہ دهنده از آن نخورد و اگر خورد احتیاط این است که قیمت مقداری را که خورده به فقرا صدقه بدهد. (و آیه الله فاضل اضافه می‌فرمایند: و نزدیکان او نیز اگر فقیر نیستند از آن نخورند)

۲- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید مؤمن باشند. آیه الله سیستانی: باید مسلمان بلکه به احتیاط واجب مؤمن باشند مگر اینکه مؤمن مستحق پیدا نشود که می‌توان به ضعفای غیر ناصبی داد. آیه الله فاضل: مصرف کفارہ، فقیر مؤمن غیر سید است. بلی اگر دهنده آن سید باشد می‌تواند کفارہ خود را به سید فقیر بدهد. آیه الله گلپایگانی: متن مطابق احتیاط است. آیه الله مکارم: احتیاط آن است که کفارہ غیر سادات به سادات داده نشود

۳- آیه الله بهجت: مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و ... نمازش را تمام بخواند و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواهد در جایی که اول جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.

آیه الله تبریزی: در همه مکه و مدینه قدیم می‌تواند قصر و تمام بخواند. استفتائات، س ۱۲۹.  
 آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: می‌تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد.

آیه الله خویی: ظاهراً اختصاص ندارد، بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است. منهاج الصالحین، مسأله ۹۲۵. [قید قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعضی مناسک مذکور است]



و مسجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است، هرچند احتیاط، اقتضای بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همانطور که می تواند شکسته بخواند. (مناسک م ۱۳۱۶)

- [۴۹۶] م- وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله نماز جماعت منعقد شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند (۱) و نباید از جماعت تخلف کنند و باید با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند. (مناسک م ۱۳۱۳)
- [۴۹۷] م- نمازی که با جماعت اهل تسنن خوانده می شود صحیح است و نیاز به اعاده ندارد. (۲) (مناسک م ۱۳۱۳ - ۱۳۳۹)
- [۴۹۸] م- در مکه و مدینه در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند (۳) و می توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.
- [۴۹۹] م- نمازی که با اهل تسنن خوانده شود اگر معلوم نیست با نظر اهل تسنن هم موافق باشد مثل این که در آن، به پشت نماز گزاران صف جلو سجده شود و یا

۱- آیه الله بهجت، صافی: اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند و اگر ضرورتی ایجاب کرد مانعی ندارد

۲- آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی: در صورتی که حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند و اگر نمی شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ باید آن را اعاده کند. آیه الله گلپایگانی: اگر ضرورت باشد مجزی است و در غیر ضرورت، شرکت در جماعت آنان خوب است، لکن با تمکن، نماز را با شرایط کامل اعاده کند. آیه الله صافی: اگر ضرورت باشد یا موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام از شیعه باشد گرچه اعاده آن موافق احتیاط است

۳- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: در صورتی که مفسده داشته باشد آیه الله فاضل: در صورتی که خلاف تقیه و لوتقیه مداراتی باشد. آیه الله سیستانی: در صورتی که خلاف تقیه باشد

اتصال صفوف به نحوی که آنان لازم می‌دانند مراعات نشود باید آن نماز را اعاده کند. (مناسک م ۱۳۳۹)

[۵۰۰] م- در نماز جماعت اهل تسنن در مسجد الحرام که صف‌های آن دایره‌ای شکل است زائرین نیز اگر به صورت دایره‌ای بایستند نیاز به اعاده ندارد. (۱) (مناسک س ۱۳۳۶)

[۵۰۱] م- در مواردی که نماز جماعت اهل تسنن صحیح است لازم نیست (۲) اتصال صفوف به نحوی باشد که شیعه آن را معتبر می‌داند، بلکه اگر جماعت به نظر اهل تسنن صحیح باشد کافی است (مناسک، استفتاءات جدید ۲۰- و س ۱۳۳۹- جامع الفتاوی عمره م ۵۰۱)

۱- آیه الله بهجت: با انحفاظ نسبت در صف مأمومین با امام، با انحفاظ نسبت امام به کعبه، اگر محفوظ باشد تا تمام دور حتی اطراف حجر اسماعیل علیه السلام و عدم حائل بین هر مأموم و آنکه به او متصل است، دور نیست تصحیح نماز جماعت به طور استداره در اطراف کعبه یا مسجد و در امام غیر مرضی مراعات وظیفه منفرد لازم است. (ذخیره، ج ۲، ص ۲۳۱) آیه الله خامنه‌ای: نماز کسانی که پشت سر یا دو طرف امام ایستاده‌اند صحیح است لکن نماز افرادی که روبروی امام قرار دارند صحیح نیست. آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: نماز به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد و همچنین بنابر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیکتر از امام به کعبه هم نباشد. (العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۳ مسأله ۲۵ شرایط الجماعة). آیه الله فاضل: اگر به جهت تقیه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست

۲- آیه الله مکارم: در صورت امکان باید اتصال صفوف مراعات شود. آیه الله فاضل: اگر هنگام اقامه جماعت اتفاقاً در جایی بود که اتصال برقرار نیست همانجا اقتدا کند و صحیح است ولی در حال اختیار و با وسعت وقت در آنجا نماند. آیه الله نوری: لازم است اتصال صفوف را مراعات کنند

[۵۰۲] م- در شب‌های مهتابی، نماز صبحی را که با جماعت سایر مسلمین می‌خواند صحیح است و نیاز نیست بعد از روشن شدن هوا دوباره بخواند (۱) (مناسک س ۱۳۴۳)

### سجده بر فرش و مانند آن

[۵۰۳] م- در مسجد النبی صلی الله علیه و آله سجده کردن روی فرش‌های مسجد مانع ندارد (۲) و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست (۳) در جایی که سنگ است نماز بخواند و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند، به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لیکن تأکید می‌شود از عملی که موجب هتک و انگشت‌نما شدن باشد اجتناب

۱- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم، گلپایگانی، نوری: فرقی میان شب‌های مهتابی و غیر مهتابی نیست

۲- آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: اگر در آن مکان، تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد، سجده صحیح است. آیه الله سیستانی: اگر تقیه اقتضا کند و در همانجا مایصح السجود علیه نباشد، سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر. آیه الله فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت‌نما شدن نشود باید در محلی که بتواند پیشانی او در محل سجده بر سنگ‌های مسجد قرار گیرد سجده نماید. آیه الله گلپایگانی: سجده روی فرش‌های مسجد در صورت تقیه مانع ندارد. (استفتائات ویژه حج، ص ۳۰، مسأله ۵۲)

۳- آیه الله تبریزی: در صورت تمکن لازم است.... آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر فردی می‌خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند و اگر به جماعت می‌خواند سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن در مسأله ۵۰۳ گذشت

نمایند. (مناسک م ۱۳۳۴)

[۵۰۴] م- سجده کردن بر پشت دست صحیح نیست بنابراین کسی که در مسجد الحرام و مسجد النبی به پشت دست سجده کند باید نماز خود را اعاده کند مگر این که جاهل قاصر باشد (۱) و اگر نماز طواف را به این کیفیت خوانده حکم کسی را دارد که نماز طواف را ترک کرده مگر این که جاهل قاصر باشد که نمازش صحیح است. (مناسک س ۱۳۴۲)

[۵۰۵] م- در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سایر مساجد اگر نماز مغرب را با جماعت اهل تسنن بخواند کافی است هر چند حُمره مشرقیه زائل نشده باشد (۲) و می تواند بلافاصله بعد از آن نماز عشاء را بخواند ولی اگر وقت عشاء داخل نشده باید صبر کند. (مناسک س ۱۳۴۱)

### احکام مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله

[۵۰۶] م- در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله حائض و جنب نمی توانند از قسمت های توسعه یافته (۳) نیز عبور نمایند. (مناسک س ۱۳۴۰)

۱- آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: جاهل قاصر مستثنی نشده است. آیه الله تبریزی: نماز باطل است و باید اعاده کند و اگر نماز طواف را هم به این صورت خوانده حکم نسیان نماز طواف را دارد چنان چه متمکن است پشت مقام ابراهیم اعاده کند و اگر متمکن نیست می تواند در جای خود اعاده کند. آیه الله بهجت: نماز طواف را خود یا نائیش اعاده کند

۲- آیه الله بهجت، مکارم: استتار قرص کافی است و وقت داخل شده است. آیه الله سیستانی: اگر قبل از دخول وقت با آن نماز بخواند کافی نیست. آیه الله خویی: فتوای ایشان در دست نیست

۳- آیه الله بهجت: حکم سایر مساجد را دارد. آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط

[۵۰۷] م- کسی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله جنب شده، اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید برای خروج، تیمم بدل از غسل جنابت کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود. (مناسک س ۱۳۴۸)

### اشیاء پیدا شده در حرم

#### «لقطه حرم»

[۵۰۸] م- اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط (۱) در برداشتن است. (۲) [۵۰۹] م- اگر «لقطه» حرم را برداشت، و از یک درهم کمتر باشد می تواند (۳) قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند و ضامن صاحبش نیست و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، (۴) و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب. (۵)

۱- آیات عظام فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود

۲- آیه الله خویی، آیه الله فاضل: بنابر احتیاط باید عوض صاحبش به مؤمن فقیر صدقه بدهد و حق تملک ندارد

۳- آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید از طرف صاحبش صدقه بدهد و هر وقت صاحبش پیدا شد چنانچه به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد. (توضیح المسائل، م ۲۵۷۴)

۴- آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب

۵- آیه الله گلپایگانی: باید به صاحبش رد کند بنابر احتیاط اگر اقوی نباشد (وسیله النجاة، ج ۲، ص ۳۲۶)

[۵۱۰] م- اگر لقطه را که در حرم برداشت، یک درهم یا بیشتر ارزش داشت (۱)، باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر (۲):  
یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف.  
دوم آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد (۳) و جایز نیست آن را تملک کند و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

### سایر مسائل متفرقه

[۵۱۱] م- برداشتن سنگ‌های صفا و مروه جایز نیست (۴)، ولی اگر برداشت، لازم نیست آن را برگرداند و اما برداشتن سنگ و خاک از سایر مشاعر مثل مشعرالحرام و منی و عرفات مانعی ندارد. (۵) (مناسک س ۱۳۴۷- استفتاءات

۱- آیه الله سیستانی، آیه الله صافی: به احتیاط واجب باید صدقه بدهد

۲- آیه الله خویی: بنا بر احتیاط باید عوض صاحبش صدقه بدهد و حق تملک ندارد. (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۶۴۶) آیه الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که تصدق کند. (توضیح المسائل، م ۲۵۷۷). آیه الله مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی‌دهد صدقه بدهد

۳- آیه الله گلپایگانی: و همچنین می‌تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد. (وسيلة النجاة، ج ۲، ص ۳۲۶). آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب

۴- آیه الله سیستانی: شکستن جایز نیست ولی برداشتن آنچه جدا شده مانعی ندارد. آیه الله خویی: فتوای ایشان در دست نیست

۵- آیه الله صافی، گلپایگانی: بنا بر احتیاط از آوردن خاک و ریگ حرم خودداری شود و اگر آورده در صورت تمکن به حرم برگرداند. آیه الله تبریزی: اگر از مساجد آورده، جایز نیست و برگرداندن آن لازم است. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط برگرداند. آیه الله نوری: از صفا و مروه اشکال دارد و باید برگرداند

جدید ۱۲ و جامع الفتاوی عمره م ۵۱۵)

[۵۱۲] م- برداشتن قرآن‌های مسجد الحرام بدون این که آنها را از متصدی مربوطه بگیرند جایز نیست هر چند بر روی آنها علامت وقف نباشد و چنان چه برداشتند باید برگردانده شود. (مناسک س ۱۳۴۶)

[۵۱۳] م- اگر هزینه سفر حج یا عمره شخصی را کسی بدهد که اهل پرداخت خمس نیست، چنان چه آن شخص یقین به وجود خمس در آن مال را ندارد اشکال ندارد و اگر یقین به وجود خمس در مال مذکور را دارد خمس آن را پرداخت کند و احرام و قربانی را از مال حلال تهیه نماید. (مناسک س ۱۳۵۱).

### «مستحبات دیگر مکه معظمه»

[۵۱۴] م- آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ».

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن (۱)؛ در اول شب سه طواف، در

۱- آیه الله مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف‌های مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند



آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود؛ (۱) خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعْيَدَ أَوْ اسْتَعَدَّ لِفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَتَعَبَّيْتُ وَاعْتَدَدْتُ وَاسْتَعَدَدْتُ رَجَاءَ رِفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّاً بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بَرَعَتِي وَلَا تُرَدَّنِي مَجْبُوهَا مَمْنُوعاً وَلَا خَائِباً يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ،

۱- آیه الله مکارم: اینگونه امور در حال حاضر معمولاً امکان ندارد و هرگاه کسی نیت آن را داشته باشد، خداوند به لطفش به او

ثواب آن را می‌دهد

أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

بگوید، پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشِمِّتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

## فصل دوم: عمره کودکان

### عمره کودکان



[۵۱۵] م- بر ولی واجب نیست کودکی را که همراه خود به مکه آورده برای حج یا عمره محرم کند، ولی اگر او را محرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق آنچه در مناسک ذکر شده انجام دهد و گرنه در بعضی صور طفل در احرام باقی می ماند (۱) و تا تدارک نکند نمی تواند ازدواج نماید. (مناسک، س ۱۰۵)

[۵۱۶] م- انجام عمره برای کودک ممیز مستحب و صحیح است اگرچه ولی او اذن ندهد. (۲) (مناسک م ۷. جامع الفتاوی م ۲)

[۵۱۷] م- مستحب است ولی طفل غیر ممیز او را محرم کند (۳) به این صورت

۱- آیه الله سیستانی: در عمره مفرده، در صورتی که اعمال را صحیح انجام ندهد بر احرام باقی می ماند، ولی در حج اگر به ارکان آن خلل وارد کند با گذشت وقت حج، احرام آن فاسد می شود. بلی اگر فقط طواف نساء را صحیح بجا نیاورد استمتاع از زن بر او حرام باقی می ماند تا طواف نسا را انجام دهد ولکن ازدواج او در این حال صحیح است

۲- آیه الله سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد. آیات عظام گلپایگانی، صافی و مکارم: اذن ولی شرط صحت آن نیست ولکن در مواردی که عمره موجب تصرف در اموال طفل می شود برای تصرف، اذن ولی لازم است. آیه الله بهجت: بنابر احتیاط در صورتی که مستلزم تصرف در اموال او است، در صحت آن اذن ولی معتبر است

۳- آیه الله بهجت: احرام ولی از طفل غیر ممیز و مجنون صحیح است و متولی نیت احرام، ولی است و هر عملی را که طفل و غیر عاقل متمکن است با نیت ولی انجام می دهد و آنچه را متمکن نیست ولی انجام می دهد

که لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که این طفل را محرم می‌کنم برای حج، یا این طفل را معتمر می‌کنم به عمره تمتع و اگر می‌شود تلبیه را به او تلقین کند و آلا خودش به عوض او بگوید. (مناسک م ۸)

[۵۱۸] م- بعید نیست که ولی در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است اگر چه ولی شرعی نباشد. (مناسک م ۹) (۱)

[۵۱۹] م- بعد از آن که طفل محرم شد یا او را محرم کردند، باید ولی، او را از محرمات احرام بازدارد (۲) و اگر ممیز نیست خود

ولی او را از محرمات حفظ کند. (مناسک م ۱۰)

[۵۲۰] م- بعد از این که طفل محرم شد اگر محرمات احرام را بجا آورد یا ولی

۱- آیه‌الله بهجت: ولی در این مقام همان ولی در مال است، مثل پدر و جد پدری و ولایت مادر در احرام طفل، خالی از وجه نیست. آیه‌الله سیستانی: ولی طفل در این امر کسی است که حق حضانت و سرپرستی طفل را دارد چه پدر باشد و چه مادر و چه غیر آنها. آیه‌الله فاضل: مقصود از ولی همان ولی شرعی است و لکن مادر، در این مورد ملحق به ولی شرعی است. آیه‌الله مکارم: غیر ولی شرعی باید به اذن ولی شرعی انجام دهد. آیه‌الله صافی و گلپایگانی: قدر متیقن از ولی در این امر نسبت به غیر ممیز ولی شرعی است مانند پدر و جد، اما غیر ولی شرعی مانند عمو و برادر محل اشکال است اگر چه کفیل و نگهدار بچه باشد، لکن مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است. و اما در بچه ممیز، در مواردی که اجازه ولی شرعی لازم است اجازه غیر ولی شرعی کفایت نمی‌کند

۲- آیات عظام بهجت، خوئی، سیستانی: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است و همین گونه است حکم مذکور در دو مسأله بعدی. آیه‌الله تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است

او را از آنها بازنداشت کفاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل، بنا بر اقوی در صید و بنا بر احتیاط واجب در غیر صید. (۱) (مناسک م ۱۱)

[۵۲۱] م- بر ولیّ طفل لازم است او را وادار کند تا تمام اعمال را بجا آورد و اگر نمی‌تواند ولیّ او به نیابت طفل بجا آورد. (۲) (مناسک م ۱۳)

۱- آیه‌الله بهجت: در کفاره غیر صید، در آنچه عمد و خطای آن کفاره دارد بر ولیّ کفاره لازم است، بلکه در آنچه عمد آن کفاره دارد و صبی عمداً مرتکب شود ثبوت کفاره بر ولیّ خالی از وجه نیست. آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: در غیر صید، نه بر ولیّ طفل کفاره واجب است و نه در مال طفل

۲- آیه‌الله بهجت: در صورت تمکن، احوط آن است که در حال طواف هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند و در تمام افعال، آنچه در غیر نیت می‌تواند انجام دهد، ولیّ متصدی نیت می‌شود. آیه‌الله تبریزی: در وقتی که می‌خواهد طفل را طواف دهد واجب است او را وضو دهد، اگرچه به صورت وضو باشد. آیه‌الله فاضل: احتیاطاً طفل را وضو دهد و خودش هم وضو بگیرد

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

